

ماهنامه فرهنگ اجتماعی جوانان ایران
شماره ۱۲۰ پیاپی ۴۹۰ / خرداد ماه ۱۳۹۵ / قیمت ۲۰۰۰ تومان

۱۳۰

جوان

گام به گام تا امتحان

مادر شانه ام را ببوس!

بادیگارد از نگاه کارگردان

شنوندگان عزیز توجه فرمائید

آستانه اشرفیه، بارگاه کرامت

روایت آسمانی از
شهری در آسمان

سرخوشی های بعد از بهار

ورزش برای ورزشکاران خاص

جزیره اسرارآمیز حریم خصوصی

محدودیت قانونی در دسترسی

ماهی برای رویش

نوبت خرمی لاله...



امام سجّاد عليه السلام :

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَن شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ

آن گاه که قائم ماقیام کند، خدا آفت را از شیعیان ما بزداید
و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن [استوار] سازد الخصال، ج ۲، ص ۵۴۱



جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۳۰ خرداد ماه ۹۵

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی
جانشین سردبیر: نادر دقیقی
مدیر اجرایی: سیده فاطمه رضایی

دبیر تحریریه: آمنه آدینه
طراح گرافیک و مدیر هنری: امید بهزادی
مدیر داخلی: سیده زینب اسکندریان
ناظر فنی چاپ: شاپور محمد حسن زاده
حروفچین: ویدا امیدی

امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی - خیابان ملک الشعراء
بهار شمالی - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷

آدرس الکترونیکی: Email:javan@shahedmag.com
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال منتشر می شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

- حرف اول: ۴ / شنوندگان عزیز توجه فرمائید...
- یادداشت: ۵ / دنیای بدون خمینی (ره)
- برداشت آزاد: ۶ / تاریخ شفاهی
- دخترانه، پسرانه: ۸ / جزیره اسرارآمیز حریم خصوصی
- مادرانه، پدرانه: ۱۰ / سرخوشی های بعد از بهار
- اجتماع: ۱۲ / نگرشی بر جامعه شناسی جنگ
- حماسه آفرین: ۱۴ / فصل تعبیر آرزوهای سید
- راه و چاه: ۱۶ / محدودیت قانونی در دسترسی
- مهارت: ۱۸ / گام به گام تا امتحان
- مطبخ: ۱۹ / فرنی نارگیلی
- لبخند: ۲۰ / الهی دست تان بشکند
- جدول: ۲۱ / جدول
- زندگی به سبک دیگر: ۲۲ / ماهی برای رویش
- سرچشمه: ۲۴ / ضیافت اجباری
- عافیت: ۲۶ / غلبه بر طیب هندی
- سلامت: ۲۸ / درد از هر طرف درد است
- خانه دوست: ۳۰ / آستانه اشرفیه، بارگاه کرامت
- موج سازان: ۳۲ / مادر شانه ام را ببوس!
- نور و نقره: ۳۴ / بادبگارد از نگاه کارگردان
- نقد و نظر: ۳۶ / روایت آسمانی از شهری در آسمان
- علمی: ۳۸ / دستاوردهای ایران زمین
- رو به رو: ۴۰ / پدر بیا و برای کودکم پدری کن
- یک، دو، سه: ۴۲ / ورزش برای ورزشکاران خاص
- حرکت: ۴۴ / به سوی برزیل
- بین الملل: ۴۶ / گزینه های ایران در برابر مصادره دو میلیارد دلاری
- دریچه: ۴۸ / بدترین مشکلات ویندوز ۱۰
- داستان: ۵۰ / جزیره
- شعر: ۵۲
- بازار کتاب: ۵۳
- باشگاه مهربانی: ۵۴
- تفأل: ۵۶
- انگلیسی: ۵۸

شنوندگان عزیز توجه فرمائید...

در ظهرگاه آن پرچمها قلب شهر یعنی مناره‌های مسجد جامع خرمشهر نصب شدند و صدای اذان از آن به گوش رسید و گوینده‌ای در یکی از ماندگارترین اعلام‌های رادیویی در ساعت ۱۵ از رادیو اعلام کرد:

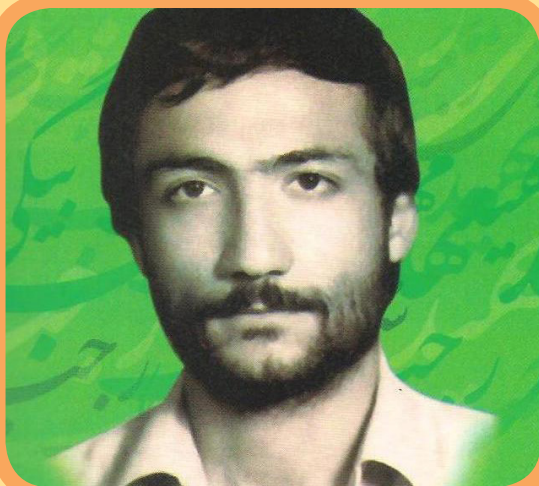
"شنوندگان عزیز توجه فرمائید... شنوندگان عزیز توجه فرمائید... خونین شهر، شهر خون آزاد شد." هزاران نفر مبهوت این اعلام شدند تا گوینده بعدی بلافاصله اطلاعیه آزادی خرمشهر را قرائت کرد. بهت و حیرتی جهانی از آنچه که خواست جوانان ایران اسلامی بود و توانست نه تنها خودمان که دنیا را به این باور برساند که ما اگر بخواهیم حتی ناشدنی‌ها هم برآیم شدنی هستند و سوم خرداد در ۲۴ سال پیش را تبدیل به روزی ملی و فراموش‌نشدنی در تاریخ کند سردبیر

را با وجود مدافعان قهرمانش به اشغال در بیاورد و این خفت‌بارترین فتح دنیا بود؛ جایی که چند لشکر بر شهری بی دفاع پیروز شده بودند. از همان آبان تلخ ۵۹ تا اولین قدم‌ها در اردیبهشت ۶۱ اندوه در اشغال بودن پایتخت مقاومت بر جان همه بود. آنجا که عراق با خوش خیالی خرمشهر را تا همیشه بخشی از خاک خود دانسته بود. نام تازه و زندگی تازه در آن راه انداخته بود و تلاش داشت تا علاوه بر عادی جلوه دادن زندگی در آن قوی‌ترین استحکامات را برای حفظ آن به وجود بیاورد و به هر قیمتی که شده این شهر را برای خود حفظ کند.

اما حرکت آغاز شده بود و وقتی که موج باور آغاز به حرکت کند هیچ سدی در برابر آن یارای ایستادن ندارد. حرکت در اردیبهشتی بهاری اما گرم در ۲۴ سال پیش آغاز شد تا به سوم خرداد رسد که

بیست و چهار سال پیش، نه از ابتدای خرداد که از خیلی پیش‌تر، فکر کاری بزرگ در ذهن طراحان یک اتفاق آغاز شده بود. اینکه باید حرکتی انجام داد که از نگاه جهانیان غیر ممکن بود و برخلاف آنها؛ خودمان باور داشتیم که وقتی عزم ایرانی بخواهد به چیزی دست پیدا کند یا اتفاقی را رقم بزند. آنگاه است که محال سر تسلیم فرود می‌آورد.

گام‌های اول و تدارک کار که آماده شد. از ابتدای سال ۱۳۶۱ نوبت گام‌های عملی و اجرایی حرکتی بزرگ بود که جز خودمان هیچ کس به آن باور نداشت. فروردین گذشت تا به اردیبهشت رسیدیم و حالا نوبت گام برداشتن به سمت قلب مقاومت یعنی شهری دربند و در حصار به نام خرمشهر رسید. عراق با مصیبت و جان‌کندن توانسته بود نه در کمتر از ۲۴ ساعت که در بیش از یک ماه خرمشهر



می‌رویم تا خط امام بماند

شهید مهدی رجب بیگی

خطی که از ابراهیم آغاز شد و در تداوم سرخ خویش با دست‌های پاک محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) و علی (علیه السلام) به قلب پرشور امام امت رسید تا رنج‌بران زمین را از جور حکومت قایلیان برهاند.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که تبلور قاطعیت بر علیه جباران، عصاره عصیان مستضعفان علیه مستکبران، فریاد همیشه مظلومان، راه پیروز محرومان است.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که رسالت گسستن زنجیرهای اسارت از دست و پای مغضوبین زمین را برعهده دارد.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که پیام قیام پیروزمند مستضعفان را بر تارک تاریخ خواهد داشت و پوزه کثیف جلادان را سرانجام به خاک خواهد مالید.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که راه پیروز انقلاب کبیر اسلامی خلق دلاور ایران است و باید که حماسه‌ی قیام را تا دور دست‌ها بکشاند و نهال انقلاب را در دل خلق‌های تحت ستم جهان بنشاند.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که با نفی هرگونه سازشکاری و ستمکاری، نوید نابودی سازش‌گران و ستم‌کاران را باخود همراه داشت.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که پاسداران خون رزمندگان دلیر و شهیدان به خون خفته‌ی امت قهرمان ایران است.

خطی که سرانجام شوم امپریالیسم و سلطه گران اجنبی را هم اکنون برقله‌ی عالم نمایان ساخته و دژ مستحکم توحید را در دور دست‌های هر ستم‌کده برپا خواهد داشت.

می‌رویم تا خط امام بماند.



دنیای بدون خمینی (ره)

خدا می‌داند که در طول این ده‌سال، فکر چنین روزی، همیشه دل ما را لرزانده بود. نمی‌دانستیم دنیای بدون «امام خمینی» چگونه قابل تحمل است. به همین خاطر، چندین بار به ایشان عرض کردم: دعای بزرگ من در پیشگاه خدا این است که من قبل از شما بمیرم.

در همان روز تلخ که حال امام مساعد نبود، من جمعی از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی را دعوت کردم و به آن‌ها گفتم که حال امام خوب نیست؛ کار بازنگری را قدری تسریع کنیم و مؤده‌ی اتمام آن را به ایشان در بیمارستان بدهیم تا دل امام شاد شود. واقعا از تصور آن چیزی که ممکن بود پیش آید، قلب من می‌لرزید؛ صدایم شکست و نتوانستم حرفم را تمام کنم...

سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۰۳/۱۷

«شکی نیست که تاریخ شفاهی می‌تواند ابزاری برای دگرگون‌سازی محتوا و هدف تاریخ باشد و از این قابلیت برخوردار است که تمرکز تاریخ را تغییر بدهد و افق‌های تازه‌ای را برای جستجو و تحقیق پیش روی آن بگشاید»



بین روایت‌کننده اول و ثبت روایت به عنوان سند کتبی اشاره کرد، اما با توجه به شباهت‌هایی که با روش امروزی دارد، از جمله ثبت روایت با رعایت سبک گفتاری آن، می‌تواند به عنوان ریشه تاریخی این روش به شمار رود.

رویکرد امروزی و روش تاریخ شفاهی از دهه ۱۹۴۰ و بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. در دوره‌ای که زندگی گروه عظیمی از مردم تحت تأثیر جنگ‌های خانمان سوز قرار گرفت و ثبت این وقایع از طریق آنان مهم و اساسی به نظر رسید.

تاریخ شفاهی به شیوه امروز برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ در دانشگاه کلمبیا پایه‌گذاری شد و پس از تشکیل انجمن تاریخ شفاهی در سال ۱۹۶۶ و سپس تأسیس بخش تاریخ شفاهی

دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۷ و بسط بیشتری یافت و به عنوان مبحثی جدی در محافل پژوهشی و تاریخی جهان شناخته شده و مورد قبول واقع گردید. اختراع ضبط صوت که به عنوان وسیله ثبت مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار گرفت، در پذیرش و رواج این روش نقش مهمی داشته است تا جایی که برخی این اختراع را علت و خاستگاه اولیه روش تاریخ شفاهی می‌دانند. رویکردهای عمده تاریخ شفاهی را بر اساس دوره‌های تاریخی چنین ترسیم نمود:

«در اواخر قرن نوزدهم مدارک شفاهی مانند منابع مکتوب اهمیت پیدا کرد و از اوایل قرن بیستم تاریخ شفاهی وارد مرحله‌ای جدید شد و شکل جدی‌تری به خود گرفت. از سال ۱۹۴۸ همراه با اختراع ضبط صوت و استفاده از تکنولوژی نوین، انقلابی نیز در تاریخ شفاهی شکل گرفت که پایه‌گذار نسل اول تاریخ شفاهی‌دانان دنیا گشت. در این دوره آلن نوینز به عنوان اولین فردی است که اولین آرشیوهای تاریخ شفاهی در دنیا به وجود آورد. وی اداره تحقیقات تاریخ شفاهی دانشگاه کلمبیا را تأسیس کرد و پس از وی لوییز استار جانشین وی شد.

نسل دوم تاریخ شفاهی از اواسط دهه ۱۹۶۰ به بعد شکل می‌گیرد. در این دوره اولین آثار تاریخ شفاهی منتشر گردید. در واقع اکثر مصاحبه با نخبگان و رهبران سیاسی بوده است. تشکیل انجمن جهانی تاریخ شفاهی (OHA) در سال ۱۹۶۰ در این دوره می‌باشد. دهه ۸۰ در واقع نسل سوم تاریخ شفاهی موجودیت پیدا می‌کند. در این دوره حرفه تاریخ شفاهی از محافظه‌کاری دهه ۵۰ و آزادی‌گری دهه ۶۰ فراتر رفت. کامپیوتری شدن تحقیقات، حرفه‌ای و تخصصی شدن تاریخ شفاهی در این دوره بوده است.» (آذری خاکستر؛ ۱۳۸۶)

پیشینه تاریخ شفاهی در ایران

تاریخ شفاهی در مفهوم جدید آن در ایران اگرچه سابقه چندانی ندارد، ولی با وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد ضرورت بررسی ریشه‌های انقلاب و پیامدهای

در سال ۱۹۸۸ پال تامسون در دفاع از پتانسیل تحول آفرین و توانمندساز تاریخ شفاهی نوشت:

«شکی نیست که تاریخ شفاهی می‌تواند ابزاری برای دگرگون‌سازی محتوا و هدف تاریخ باشد و از این قابلیت برخوردار است که تمرکز تاریخ را تغییر بدهد و افق‌های تازه‌ای را برای جستجو و تحقیق پیش روی آن بگشاید؛ مواعی که بر سر راه معلم و متعلم، بین نسل‌ها، نهادهای آموزشی و دنیای بیرون وجود دارد با قدرت تاریخ شفاهی برداشته می‌شوند؛ و آنگاه که نوبت به ثبت مکتوب تاریخ می‌رسد... قادر است به مردمی که در شکل‌گیری تاریخ و تجربه آن نقش داشته‌اند از طریق کلمات همان مردم جایگاهی محوری ببخشند.»

تاریخچه تاریخ شفاهی

می‌گویید تاریخ شفاهی هم جدیدترین و هم کهن‌ترین شیوه تاریخ‌نگاری است که در ایران و اسلام سابقه دیرینه دارد.

«بار اصلی تاریخ‌نگاری اسلام از دوره حیات نبی (ص) و خلفای راشدین، چیزی جز روایت شفاهی نیست. این روایت شفاهی از صحابه به تابعین و از تابعین به تابعین آن‌ها نقل شده... رفته رفته سنت نقل شفاهی در تاریخ‌نگاری راه ممتازی را در تکمیل متن طی می‌کند. در دوره میانه نقل خبر با سند شفاهی مورد تنقیح قرار گرفته، افزون بر ظهور و رشد علم رجال، خود خبر محل ایراد و تردید، یعنی نقد قرار می‌گیرد و به طور مستقل و تا حدودی بی‌واسطه به متون راه می‌یابد. در واقع آنچه محمد ابراهیم ایچی (وفات ۷۸۳ هـ/ ۱۳۸۲-۱۳۸۳) در شیوه چهارگانه فراهم آوردن اخبار ذکر می‌کند، اصولی شدن «شفاهیات در تاریخ» است. وی سماع و قرائت را از اسباب چهارگانه گردآوری خبر معین کرده و به ظرافت چگونگی آن را مشخص می‌کند.» (نورانی؛ ۱۳۸۲)

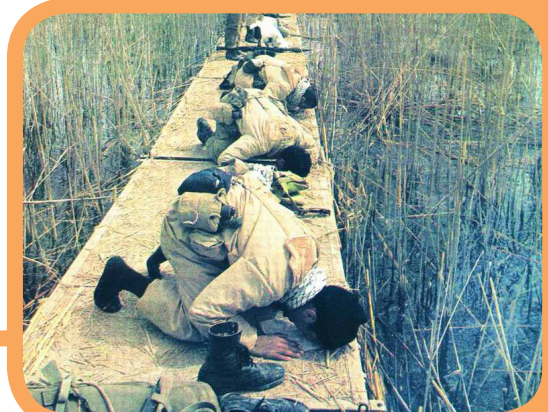
البته طبیعتاً این شیوه با شیوه امروزی خود تفاوت‌هایی نیز دارد، که از جمله می‌توان به فاصله

امروزه در حوزه تاریخ‌نگاری جنگ و دفاع مقدس اتفاقات خوبی در حال وقوع است، اتفاق نیکویی که با ثبت و ضبط خاطرات رزمندگان دفاع مقدس می‌خواهد با شیوه‌های نوین تاریخ جنگ را آن گونه که بوده، ماندگار کند. متولیان امر به این نتیجه رسیده‌اند، این خاطرات بخش مهمی از تاریخ جنگ ما هستند که در حافظه ایثارگران و مردم ما تلنبار شده‌اند و اگر این گنجینه از پستوی ذهن افراد خارج نشود چه بسا بخشی از این تاریخ مغفول خواهد ماند.

تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی، یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ‌نگاری است که به شرح و شناسایی وقایع و رویدادها و حوادث تاریخی بر اساس دیدگاه‌ها و شنیده‌ها و عملکرد ناظران و فعالان آن ماجرا می‌پردازد.

تاریخ شفاهی به منبع حافظه افرادی رجوع می‌کند که یک حادثه یا واقعه را از نزدیک تجربه کرده‌اند و امروز منبع دست اولی برای ثبت آن رویداد هستند، تاریخ شفاهی علاوه بر آن که روشی تعیین کننده در افزایش فهم و درک انسان‌ها از وقایع و حوادث معاصر و درک ماهیت و معنای زمان و سرشت کارکردها و ساختارهای تاریخ می‌باشد، منبعی اصلی و مکمل برای تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود.





ج) بهره‌گیری از مصاحبه‌گرهای خبره و متخصص که هم فن مصاحبه‌گری را خوب بلد باشند و هم به لحاظ روان‌شناسی حالات رزمنده را درک کنند.

د) طراحی سؤالات مناسب و جداگانه برای هر کدام از راویان؛ به‌طوری که با تجمیع پاسخ آن پرسش‌ها، بتوان کل خاطرات فرد را تدوین کرد. البته باز هم تأکید می‌کنم رسیدن به چنین مقصودی لازمه‌اش طراحی سؤالات هدف‌دار است؛ چرا که گفته‌اند: «نیمی از پاسخ درست در سؤال درست است.»

پرسش‌های نسل آینده

دکتر علیرضا کمری دبیر علمی نهمین نشست تاریخ شفاهی با عنوان «تاریخ شفاهی ایثار و شهادت» هم معتقد است که این نشست‌ها به تولید معیارهای بومی و مبتنی بر تاریخ شفاهی می‌انجامد و در ادامه می‌گوید: دغدغه شخصی من این بوده و هست که اندک اندک به خاطرات به عنوان معدن مطالعات انقلاب و جنگ با رویکردهای علمی و روشمند بنگریم و داده‌ها و یافته‌های خاطره‌پژوهانه را در مسیر نگرش روشمند استحصال، پردازش و عرضه کنیم.

دکتر مرتضی نورایی عضو هیئت علمی و چهره ماندگار عرصه تاریخ شفاهی هم به نمونه‌ای اجرا شده در خارج از کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: شعار شفاهی کاران دنیا «جمع‌آوری و ثبت» است. بعدها متخصصین در مورد کیفیت یا کمیت آن تصمیم می‌گیرند که چقدر از این ثبت شده‌ها قابل استفاده است ولی وقتی چیزی ثبت نشود متخصصین هم نمی‌توانند استفاده کنند. حتی باید این کار را از کودکان دبستانی آغاز کرد. در خیلی از جاهای دنیا اعتقاد دارند چون تاریخ شفاهی، تاریخ آینده است بچه‌ها پرسش‌های بهتری از بزرگترها در مورد موضوع دارند. مثلاً در یک طرحی که در انگلستان که شاهدش بودم در دهه ۹۰ میلادی یک پروژه تاریخ شفاهی در مورد شهری که در جنگ جهانی مورد بمباران آلمانی‌ها قرار گرفته بود پیاده کردند. به این شکل که به بچه‌های ۸ تا ۱۱ ساله یک ضبط صوت دادند و با یک آموزش مختصر به آنها گفتند بروید با مردم شهر در مورد حادثه بمباران مصاحبه کنید. نتایج جالب بود، از این جهت که بچه‌ها پرسش‌های جالبی را مطرح کرده بودند که اصلاً به ذهن ما نمی‌رسید. آنها پرسش‌های نسل خودشان را دارند.

تفاوت تاریخ شفاهی و خاطره

محمد مهدی شاکری نیز در تفاوت خاطره و تاریخ شفاهی می‌نویسد: دو تعبیر از تاریخ شفاهی وجود دارد. نخست برداشتی که آن را به عنوان رویکردی نظری بر می‌کشد و به مثابه شیوه‌ای از تاریخ‌نگاری دوران معاصر و به صورت مشخص تاریخ‌نگاری زمان حال هم عرض روش‌های دیگر قرار می‌دهد. در برداشت دیگر، تاریخ شفاهی، تاریخ‌نگاری علمی به مفهوم مصطلح و تدوین روش‌مند تاریخی نیست؛ بلکه روشی برای گردآوری مجموعه‌ای از داده‌های اولیه و مواد خام برای تاریخ‌نگاری علمی، به ویژه در مقاطع بحرانی تاریخی و در مورد گروه‌های در

آن که وقایع سیاسی چند دهه اخیر را در بر می‌گیرد، همچنین وقوع جنگ تحمیلی و حساسیت‌های تاریخی این دوره و لزوم بررسی‌های دقیق تاریخی در مورد آن، اهمیت ابزار تاریخ شفاهی دو چندان گشت (نیکبخت؛ ۱۳۸۵). این اهمیت به سرعت منجر به تأسیس مراکزی چون بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی و گروه‌های تاریخ شفاهی موسسه مطالعات تاریخ معاصر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و ... شد.

از آنجا که مطالعه و تحلیل تاریخی و اجتماعی این دوره از تاریخ ایران دارای اهمیت بسزایی بود، توجه به خاطرات مشارکان در جریان‌های سیاسی این دوره اهمیت یافت و توجه به روش تاریخ شفاهی برای ثبت وقایع این دوره در داخل و خارج از کشور به طور ناگهانی افزایش یافت. کمبود مدارک تاریخی، پراکندگی اسناد و مدارک و عدم وجود نظام صحیح نگهداری مدارک از جمله سایر شرایطی بودند که پس از انقلاب به جهشی در استفاده از روش تاریخ شفاهی در ایران منجر شد (سعیدی؛ ۱۳۸۶).

تاریخ شفاهی دفاع مقدس

گلعلی بابایی نویسنده دفاع مقدس درباره تاریخ شفاهی دفاع مقدس می‌گوید:

خاطرات جنگ میراث گران‌بهای هشت سال حضور رزمندگان ما در صحنه‌های هولناک جنگ تحمیلی است. راضی شدن هر یک از مدافعان ایران اسلامی به بیان خاطرات حضورشان در صحنه‌های نبرد، در وهله‌ی اول به تصمیم خود فرد بستگی دارد. این که آیا او به این مرحله از یقین رسیده است که انتشار خاطرات وی می‌تواند گامی در جهت زنده نگه‌داشتن یاد و خاطرات دوران هشت سال دفاع مظلومانه‌ی ملت ایران باشد؟ اگر چنین یقینی در ذهن فرد ایجاد کنیم، بی‌شک او هم با آغوش باز از آن استقبال می‌کند و خاطراتش را برایمان بازگو می‌کند.

فرضیه‌ای است مقبول بسیاری از اندیشمندان به این مضمون: «ما به عدد رزمندگانی که در جنگ حضور داشتند، می‌توانیم دریچه‌ای به حوادث آن دوران باز کنیم.» با استناد به همین فرضیه اهمیت بازگو کردن خاطرات شخصی رزمندگان برای ما روشن می‌شود. اگر نگاهی به کتب منتشره از خاطرات رزمندگان طی چند سال گذشته داشته باشیم، در می‌یابیم که این کتاب‌ها چگونه توانسته‌اند موج مثبتی را در جامعه ایجاد کنند. طی سال‌های اخیر تعدادی از این کتاب‌ها حتی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هم گوی سبقت را از دیگر کتب ربودند. این یعنی انتشار یک فرهنگ پویا و کارآمد در جامعه. این حداقل اهمیت و اثر تدوین خاطرات جنگ رزمندگان است.

نکات مهم در ثبت خاطرات و تاریخ شفاهی جنگ عبارت است از:

الف) انتخاب راویانی که قدرت و تسلط کافی برای بیان خاطرات را دارا باشند.

ب) پرهیز از بزرگ‌نمایی و اضافه نمودن نظرات شخصی بر خاطرات رزمنده از سوی نویسنده و یا تدوین‌گر.

معرض خطر یا فراموشی است. مصاحبه (به عنوان روشی کیفی برای گردآوری داده‌ها) و گردآوری اسناد شفاهی و کتبی، زمینه‌ی تدوین تاریخ عمومی را فراهم می‌کند و روایت‌های جزئی را برای تدقیق و تکمیل یا تشکیک در روایت کلی فراهم می‌کند تا برای مقابله با اسناد در اختیار تاریخ‌نگار قرار گیرد.

شاکری در ادامه می‌گوید: در جامعه‌ای با سنت شفاهی نیرومند، که فرهنگ حفظ اسناد تاریخی رواج نیافته است و آرشیوهای غنی اسناد وجود ندارد، تاریخ‌نگاری شفاهی برای جبران سند به مرتبه‌ی رویکردی تاریخ‌نگاری بر کشیده می‌شود و جایگزین خاطره‌نویسی و زندگی‌نامه‌نویسی می‌شود.

دکتر کیانوش کیانی مشاور عالی و مدیر پروژه تاریخ شفاهی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلام نیز در مورد اهمیت نقش بنیاد شهید و امور ایثارگران در حوزه تاریخ شفاهی می‌گوید: هدف از اجرای این طرح، گردآوری خاطرات و سرگذشت‌ها و وقایع و حوادث و اتفاقات و اسناد شفاهی به عنوان مکمل اسناد کتبی شهداء، جانبازان، آزادگان و بطور کلی ایثارگران، خانواده‌ها، بستگان، آشنایان و دوستان آنان است.

ثبت و ضبط تاریخ شفاهی ایثارگران، به عنوان حافظان و نگاهبانان ارزش‌های دینی، مذهبی، معنوی و اقتصادی و دفاع از مرزهای عقیدتی، فرهنگی و جغرافیایی کشور، تلاش در جهت شناختن و شناساندن شخصیت والا و ارجمند شهداء، جانبازان، آزادگان و ایثارگران و خانواده‌های آنان به همگان و تشویق و ترغیب به ادامه راه آنان و ارائه الگوی شایسته به جوانان کشور است.

طرح تاریخ شفاهی ایثارگران، می‌تواند منجر به ثبت و ضبط اطلاعات دیداری و شنیداری ارزشمندی با رویکردی هدف‌دار در زمینه گردآوری اسناد شفاهی تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و ترمیم خلأها و حلقه‌های مفقوده اسناد کتبی و نهایتاً ترویج فرهنگ ایثار و شهادت شود.

مراکز ثبت وضبط تاریخ شفاهی ایران

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، حوزه‌ی هنری، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد مطالعات تاریخ ایران و بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

«حریم شخصی چیزی است که از روی احترام به کسی می‌دهید. پنهان کاری چیزی است که از هم مخفی نگه می‌دارید.»

پسرانه، دخترانه...

جزیره اسرارآمیز

حریم خصوصی

شهین رضایی

وجود دارد. طرف دیگر از این فضا آگاه بوده و به آن احترام می‌گذارد. همه ما به کمی فضای شخصی برای خودمان نیاز داریم. در غیر این صورت دیوانه می‌شویم. از طرف دیگر پنهان کاری برای ازدواج مخرب است و با فقدان اعتماد و احترام همراه است. این چیزی است که طرف دیگر از آن آگاه نیست و در واقع دروغ است.»

«حریم شخصی یعنی در میان نگذاشتن اطلاعاتی مربوط به خودتان با فرد مقابل که آشکار شدن آن هیچ فایده‌ای برای طرف مقابلتان ندارد و شما هم دلتان نمی‌خواهد

حریم خصوصی؟ این روزها این حریم خصوصی شده است محل بحث و افتراق برخی زوجین جوان. هر کدام تعاریف و تعبیری از این مسأله دارند. برخی معتقدند زن و شوهر نباید حریم خصوصی داشته باشند و برخی دیگر این را حق مسلم خود می‌دانند. بنابراین ما می‌خواهیم با هم این موضوع را بررسی کنیم.

«حریم خصوصی آری یا خیر؟»

مهری زن متاهلی است که دوازده سال است ازدواج کرده است او می‌گوید: من داشتن حریم خصوصی را نیاز می‌دانم، هر کسی حق دارد برای خودش یک حریم خصوصی داشته باشد و با خودش خلوت کند، اما نباید کسی به صرف داشتن حریم خصوصی و خلوت خصوصی از آن استفاده سوء کند، من دوستی دارم که متوجه خیانت همسرش در فیسبوک شد، حالا مرد می‌گوید، فیسبوک حریم خصوصی من است؟ شما بفرمایید، این حریم خصوصی است یا حیاط خلوت عاشقانه، یا تجاوز به حریم زندگی و شخصی یک زن. هما نیز معتقد است: حریم خصوصی بین زن و مرد معنا ندارد. کسی حریم خصوصی برای خودش قائل است که می‌خواهد در آن حریم یک چیزی پنهان کند.

من چون به خودم اعتماد دارم، پسورد موبایل و ایمیل و... به شوهرم داده‌ام و حریم خصوصی من عشق به همسر من است که اجازه نمی‌دهم هیچ نامحرمی به آن وارد شود. من دوست شوهرم هستم و او هم دوست من. بنابراین پنهان کاری و حریم خصوصی ممنوع.

رضا اما نظر دیگری دارد: هم زن و هم مرد به حریم خصوصی احتیاج دارد، این حریم خصوصی به معنای جدایی زن و شوهر نیست، یک وقت‌هایی هر دو طرف به خلوت و تنهایی احتیاج دارند، علایقی دارند که طرف مقابل دوست ندارد و... من متوجه نمی‌شوم چرا اینقدر خانم‌ها به حریم خصوصی مردها حساس هستند. شاید چون برخی آقایان یک اشتباهاتی کرده‌اند که اعتماد خانم‌ها سلب شده است. مهدی هم با داشتن حریم خصوصی موافق است:

داشتن حریم خصوصی هیچ تضادی با زندگی مشترک ندارد. قرار نیست این حریم خصوصی ما را از هم دور کند. این حریم خصوصی همان حیاط خلوت خانه است که مردها می‌روند یواشکی سیگار می‌کشند، همان حمام خانه است که

زن‌ها می‌روند زیر

دوش گریه می‌کنند. حریم خصوصی

جزیره ناشناخته‌ای نیست، یک دایره‌ای است که تو برای خودت ساخته‌ای. اما این حریم نباید باعث سوظن همسرمان شود. باید آن قدر شفاف باشیم و اعتماد همسرمان را جلب کرده باشیم که جای نگرانی باقی نگذاریم.

«حریم شخصی، پنهان کاری»

«حریم شخصی چیزی است که از روی احترام به کسی می‌دهید. پنهان کاری چیزی است که از هم مخفی نگه می‌دارید.»

«حریم شخصی زمانی است که می‌خواهید بدون اینکه همسران نگاهتان کند، به دستشویی بروید یا بدون اینکه متوجه شود برایش هدیه بخرید. پنهان کاری زمانی است که بخاطر چیزی که نمی‌توانید به همسران بگویید، احساس گناه می‌کنید.»

«حریم شخصی در ازدواج فضای فردی است که برای خودتان می‌خواهید که در آن اعتماد و احترام

آن را با او مطرح کنید. اما پنهان کاری یعنی اختفای اطلاعاتی که می‌تواند بر سلامت طرف مقابلتان تاثیر داشته باشد. این تاثیر می‌تواند مالی، معنوی، جسمی یا ذهنی باشد. حریم شخصی قابل قبول است ولی پنهان کاری قابل قبول

نیست.»

پس باید

مرز حریم

شخصی و

پنهان کاری را تعریف

کرد و بعد برای خود

این حق را قائل شویم که

حریم شخصی داشته

باشیم.

«حریم خصوصی آری!»

داشتن حریم خصوصی به افراد انگیزه پیشرفت

انسان در حریم خصوصی‌اش به خودش اهمیت می‌دهد و به خودش می‌اندیشد. این فرصتی است که با خود روبه‌رو شود و رفتار و اعمال خود را مورد قضاوت قرار دهد و به اصلاح آنها بپردازد



عشق همسران را به هم بیشتر می‌کند. برخی از روان‌شناسان معتقدند زن و شوهر باید سالی یک بار و به مدت یک هفته جدا از یکدیگر باشند. مثلاً به خانه پدری خود بروند و حس دوست داشتن و دلنگی برای یکدیگر را محک بزنند.

بنابر این:

انسانی که به حریم خصوصی‌اش احترام گذاشته می‌شود، عزت‌نفس و اعتماد به‌نفس کافی برای زندگی دارد.

داشتن حریم خصوصی به انسان انگیزه پیشرفت در زندگی و مقابله با مشکلات آن را می‌دهد. انسان در حریم خصوصی‌اش به خودش اهمیت می‌دهد و به خودش می‌اندیشد. این فرصتی است که با خود روبه‌رو شود و رفتار و اعمال خود را مورد قضاوت قرار دهد و به اصلاح آنها بپردازد. انسان در خلوت خود بدون ریا و تظاهر و بدون اثر گرفتن از هیچ چیز و هیچ کس به تفکر می‌پردازد و نتایج بهتر و دقیق‌تری خواهد گرفت.

در زندگی و مقابله با مشکلات می‌دهد. فردی که به حریم خصوصی‌اش احترام گذاشته می‌شود، عزت‌نفس و اعتماد به‌نفس کافی برای زندگی دارد. هر شخصی در حریم خصوصی‌اش به خودش اهمیت می‌دهد و به خودش می‌اندیشد. این فرصتی است برای اینکه با خود روبه‌رو شود و رفتار و اعمال خود را مورد قضاوت قرار دهد و آن را اصلاح کند چرا که انسان در خلوت خود بدون ریا و تظاهر و بدون اثر گرفتن از هیچ چیز و هیچ کس به تفکر می‌پردازد و نتایج بهتر و دقیق‌تری خواهد گرفت. کسی که حریم خصوصی‌اش را محترم بشمارد، به حریم خصوصی دیگران نیز احترام خواهد گذاشت و همین در ایجاد ارتباطش با دیگران و به خصوص همسرش تاثیر مثبت دارد. نکته بسیار مهم دیگر این است که داشتن حریم خصوصی و خلوت، حس یکنواخت شدن زندگی مشترک را در زوجها از بین می‌برد و

کسی که حریم خصوصی‌اش را محترم بشمارد، به حریم خصوصی دیگران نیز احترام خواهد گذاشت و همین در ایجاد ارتباطش با دیگران و به خصوص همسرش تاثیر مثبت دارد.

در پایان

حریم خصوصی شما یعنی زمانی در روز مختص شماست که به کارها و علایق شخصی‌تان در چارچوب خانواده برسید. حریم خصوصی یعنی شما می‌توانید زمانی را با خود خلوت کنید و کسی مزاحم شما نباشد. حریم خصوصی یعنی شخصیت ناب شما که در رفتارتان جلوه‌گر خواهد شد و روز به روز در حال پیشرفت و تکامل خواهید بود. اگر بتوانید بدون پیش داوری به این راهکارها عمل کنید و حریم خصوصی خود و همسران را در نظر بگیرید، زندگی مشترکتان زیباتر خواهد شد.





اوقات فراغت کودکان؛

○ فریده چابک

سرخوشی‌های بعد از بهار

و مشغله و همچنین فراغت داشتن یعنی غفلت داشتن و فراموش کردن و دکتر حسن عمید در این باره می‌گوید:

پرداخت به فراغت، آسایش، استراحت، آسودگی آرامش، بی‌اعتنایی و ارستگی، فرصت مجال به هر حال تعاریف مختلفی از فراغت شده است و هر کسی از ظن خود این واژه را تعریف و تفسیر کرده است.

شما چه تعریفی از اوقات فراغت دارید؟

به نظر من، زمانی آزاد که بعد از انجام کار و فعالیت و خستگی در آزادی و بدون محدودیت به خودت برای رفع خستگی و روحی و پرورش استعدادهای خودت اختصاص می‌دهی را اوقات فراغت می‌گویند.

از منظر روانشناختی چگونه تعریف می‌شود؟

دربارۀ پیدایش فراغت و گرایش انسان به آن، سه نظریه وجود دارد:

۱. اولین نظریه این است که مبنای تفریح، مذهب است. چنانچه در جوامع اولیه، عملاً رسوم مذهبی از بازی و تفریح جدا نبوده است و رقص و آواز و نمایش رابطه تنگاتنگ با سنن مذهبی داشته است.
۲. دومین نظریه راجع به فراغت، فرضیه غریزی «بازی و تفریح» است. چنان‌که کارل گروس

تقویم فصل بهار با خرداد به پایان می‌رسد و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم باید خود را آماده فصل گرما کنیم، فصلی که پدر و مادرها دچار دغدغۀ تازه‌ای به نام اوقات فراغت بچه‌ها می‌شوند، شاید در سالیان دور و گذشته والدین دغدغه کمتری داشتند، چرا که تعداد بچه‌های خانواده و همسایه‌ها آنقدر زیاد بودند که تا شب مشغول بازی‌های گروهی شوند و غروب خسته و کوفته به خانه برگردند. بعضی پدر و مادرها هم فرزندشان را پیش یکی از کسبه محل می‌فرستادند تا مهارتی یاد بگیرند و بخشی از هزینه تحصیل سال جدید خود را تامین کند و البته بودند پدر و مادرهایی که بچه‌هایشان را به کلاس قرآن و نقاشی مسجد محل می‌فرستادند و آن‌ها که وسعشان می‌رسید کلاس موسیقی و معلم خصوصی در برنامه تابستانشان می‌گنجید. به مرور و با پیشرفت تکنولوژی و افزایش امکانات و رفاه، تغییرات شگرفی در حوزه فراغت کودکان و نوجوانان به وجود آمده است که اغلب خانواده‌ها را به چالش کشیده است، در این شماره قصد داریم با خانم نصرت ناصری کارشناس ارشد روانشناسی پیرامون موضوع اوقات فراغت و کودکان گفتگو کنیم.

لطف کنید در ابتدا یک تعریف مختصر از اوقات فراغت داشته باشید؟

اگر به فرهنگ لغات مراجعه کنیم، هم مرحوم دهخدا و هم جناب معین هر کدام اوقات فراغت را از دیدگاه خود تعریف کرده‌اند، به زعم آقای دهخدا اوقات فراغت یعنی آسایش و استراحت ضد گرفتاری از کار



کودک است، استعداد بچه‌ها را شناسایی کنیم و بر اساس آن تصمیم بگیریم. اوقات فراغت فقط کلاس و آموزش زبان و موسیقی و رایانه و ... نیست. بلکه باید به تفریح کودک، گردشگری، مطالعه، امور معنوی، ورزش، دورهم بودن خانواده، آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و حتی فضای مجازی و رسانه نیز توجه کنیم. در ضمن نگران این نباشیم که اگر فرزندان را به فلان کلاس نفرستادیم از سایر همسالانش عقب می‌ماند چه بسا اگر فرزندان را به کلاسی بفرستیم و استعداد و توان آن را نداشته باشد، به دلیل ناتوانی و شکست کودک دچار یاس و سرخوردگی شود و ممکن است این اجبار و فشار کودک را از رشد و تعالی در سایر امور باز دارد. بنابراین به کودکان فرصت دهیم تا با توجه به توان و استعدادی که دارد در رشته مورد علاقه خود پیش برود.

می‌کند؛ ساعتی که در آن با پروردگارش راز و نیاز می‌نماید، ساعتی که در آن معاش خود را اصلاح می‌کند و ساعتی که بین خود و بین لذت و خوشی آنچه حلال و نیکو و زیبا است می‌گذارد. آیا آن ساعت نیایش و لذت و خوشی غیر از اوقات فراغت است؟ بنابراین دین اسلام به صراحت به اوقات فراغت اهمیت فراوانی داده است.

با توجه به آنچه ذکر شد اوقات فراغت چه تاثیری بر کودکان دارد؟

اوقات فراغت یکی از حقوق مسلم کودکان است که اگر درست مدیریت شود موجب رشد فردی، رشد اجتماعی، رشد و شکوفایی استعداد کودک، آسودگی و رفع خستگی نه ماه تلاش و زحمت در امر کسب سواد و دانش است.

والدین این اوقات را چگونه مدیریت کنند؟
متأسفانه در سال‌های اخیر با آمدن تکنولوژی‌های نوین و تغییرات در سبک زندگی مردم، گاهی گذراندن اوقات فراغت بچه‌ها از اوقات کار و تحصیل سخت‌تر می‌شود. هر پدر و مادری آرزو دارد فرزندش نخیه و نمونه و مزین به انواع هنرها باشد و برای رسیدن به این مهم کودک ناچار است در کلاس‌های مختلفی شرکت کند که این نگاه منجر به آسیب‌های مختلفی می‌شود که عوارض خود را در آینده نشان خواهد داد. از طرفی برخی والدین با خریدن یک تبلت یا وسایل الکترونیکی بازی این مسئولیت را از سر خود وا می‌کنند و متأسفانه این نوع مدیریت هم آسیب‌های فراوانی به دنبال دارد.

پیشنهاد شما چیست؟

به نظر من باید خیلی عاقلانه و کارشناسانه برای این دوره زمانی برنامه ریزی شود. تمام جوانب رعایت شود که اولین اصل هم توجه به علایق و نیازهای

(۱۸۹۸) دانشمند و مربی برجسته آلمانی در کتاب بازی و مرد بر این باور است که بازی انسان، مانند بازی حیوانات از یک نیاز فطری سرچشمه می‌گیرد و وظیفه اصلی بازی در سنین کودکی، آماده‌سازی طفل برای بزرگسالی است.

۳. سومین نظریه، فرضیه مبتنی بر «استراحت و کسب لذت» است. چنان‌که هربرت اسپنسر فیلسوف انگلیسی (۱۸۲۰-۱۹۰۳)، علت گرایش انسان به تفریح را رها شدن وی از نیروهای اضافی می‌داند، و مورتین لازاروس روان‌شناس آلمانی، عامل تفریح را نیاز بشر به استراحت و جبران خستگی بیان می‌کند.

بنابراین، طبق دیدگاه روان‌شناسی، انسان در ایام فراغت درصدد یافتن پاسخ به نیازهای اساسی خود است، یا به دنبال تفریح و سرگرمی است یا اینکه در جست‌وجوی استراحت، آرامش جسمی و روحی و راهی از یکنواختی می‌باشد.

اسلام چه نگاهی به اوقات فراغت دارد؟

وقتی می‌گوییم اسلام دین زندگی است، قطعاً به این وجه از زندگی بشر نیز توجه کرده است، ما آیات و روایات و احادیث بسیاری داریم که به اهمیت و چگونگی گذران اوقات فراغت اشاره دارند، وقتی حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

«مؤمن وقت و ساعات خود را به سه قسمت تقسیم



نگرشی بر جامعه‌شناسی جنگ

۱۲

واژه "War" از ریشه آلمانی "Werra" به معنی آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملت‌ها یا گروه‌های رقیب داخل یک کشور است. هدف از جنگ پیروزی بر رقیب برای مستلزم ساختن او به انقیاد تام است. یک کشور یا به منظور به دست آوردن زمین و مایملک دشمن به جنگ دست می‌یازد یا برای به کرسی نشاندن ادعاهایش یا برای دفاع از خود در برابر ادعاهای دیگران.

جنگ را ستیزه گروهی "Group Conflict" خوانده‌اند جنگ مبارزه مسلحانه و خونین بین گروه‌های سازمان یافته است که خصلت اساسی گروه‌های درگیر روش‌های به کار رفته در آن و نظم و سازمان یافتگی است.

به علاوه جنگ از نظر مکانی و زمانی محدود است و مقید به قواعد حقوقی‌ای است که برحسب زمان و مکان به شدت متغیرند. آخرین ویژگی جنگ خونین بودن آن است؛

زیرا اگر جنگ به نابودی انسان‌ها نینجامد تنها برخورد یا تهدیدی متقابل خواهد بود. لذا هرگونه ستیزه گروهی جنگ محسوب نمی‌شود، بلکه جنگ فقط به ستیزه‌های گروهی معینی تعلق می‌گیرد. جنگ ستیزه خشن و منظمی است که بین دو یا چند اجتماع مستقل درمی‌گیرد. بنابراین برای تحقق جنگ چند عامل لازم است:

۱. دو یا چند گروه مستقل که هریک در خط معینی سکونت دارند. ستیزه در گروه‌های نامستقل و به هم آمیخته جنگ محسوب نمی‌شود.

۲. ارتباط بین گروه‌ها با یکدیگر وجود داشته باشد. میان گروه‌های بی ارتباط نه جنگ و نه صلح معنا ندارد.

۳. ارتباطات ستیزه‌آمیزی بین آن‌ها برقرار باشد.

۴. ارتباطات ستیزه‌آمیز گروه‌ها انتظام کافی داشته باشد. زد خورد نامنظم جنگ به حساب نمی‌آید. جنگ‌شناسی مطالعه عینی و جامعه‌شناختی پدیده‌های مربوط به جنگ با در نظر گرفتن عوامل و آثار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و اخلاقی آن است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت: جامعه‌شناسی جنگ شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که به بررسی برخورد حکومت‌ها، نحوه درگیری، چگونگی حملات، علل و انگیزه‌های ایجاد و شروع جنگ، دفاع ملت‌ها و حکومت‌ها، شناخت روحیه ملت‌های تحت فشار و حکومت‌های متجاوز و نهایتاً کیفیت دفاع ملت مورد هجوم می‌پردازد.

«محو‌رها و مسایل جامعه‌شناسی جنگ»

از جنگ جهانی اول تاکنون درگیری‌های نظامی در سراسر جهان تلفات وحشتناکی را برای جوامع به دنبال داشت.

شتاب گرفتن دامنه و شدت جنگ به اندازه هرگونه تغییرات نهائی دیگر از زمان ظهور صنعتی شدن یک جنبه مشخص جوامع امروزی را تشکیل می‌دهد. چگونه و چرا جنگ‌های امروزی به اوج رسیده است؟ جنگ چه تأثیری بر توسعه جوامع امروزی داشته است؟

چگونه باید جنگ را از نظر جامعه‌شناختی تحلیل کنیم؟ این‌ها همه مسایلی هستند که در جامعه‌شناسی جنگ به آن پرداخته می‌شود.

«تاریخچه جامعه‌شناسی جنگ»

عدم توجه گسترده جامعه‌شناسان به مسایل جنگ شاید بدین علت باشد که مسأله جنگ امری عادی و

فارغ از ابهام بوده است. اما از زمانی که روابط بین الملل یا مسایل جنگ در جامعه تأثیر مهمی بر جای گذاشت توجه جامعه‌شناسان به آن معطوف گردید و قدمی در جهت شناخت آن برداشته شد.

جنگ در تمدن‌های تاریخی جایگاه والایی داشته و اغلب ستایش عمیق اعمال جنگی که خدایان به آن‌ها مبادرت می‌ورزند یا آن‌ها را تشویق و حمایت می‌کنند به چشم می‌خورد.

در عهد عتیق هنگام پیدایش یکتاپرستی از بین تمام صفات ممکن صفات رزمندگان را به خدای واحد نسبت داده‌اند. عقاید فلسفی درباره جنگ نیز وجود دارد؛

از جمله اینکه فیلسوفان چینی طی قرون متمادی از ستایش جنگ خودداری می‌کنند. یونانی‌ها جنگ را جزئی از مشیت الهی تلقی می‌کنند.

هگل از ستایش‌گران بی‌ارزم خشونت و جنگ است. آثار نیچه سرشار از عبارات‌هایی است که در تمجید جنگ نگاشته شده‌اند.

در دوره قرون وسطی نیز حقوقدانان و اخلاق‌گرایان نه در پی جرایم، چگونگی و ماهیت جنگ، بلکه در پی تدوین مقررات و قواعدی هستند که جنگ‌ها را به سوی نوعی اعتدال بکشاند؛ از جمله ماکیاولی.

هرچند رقابت و ستیزه انسانی در مراحل ابتدایی به رقابت و ستیزه حیوانی شبیه است و افرادی مانند هابز و فریود نیز قوانین تکامل طبیعی را به تکامل انسانی نیز تعمیم می‌دهند.

آنان معتقدند که انسان نیز چون اصلی حیوانی دارد ذاتاً ستیزه‌خواه است. اما در واقع با حیوان متفاوت است. انسان از آغاز پیدایش خود تاکنون همواره از موازین زندگی حیوانی فراتر رفته و خود را از نظامات طبیعی آزادتر ساخته است و اکنون عوامل طبیعی به راستی تابع عوامل انسانی یا اجتماعی شده‌اند.

اگر ستیزه گروهی ذاتی بود باید مانند سایر صفات ذاتی در فواصل منظمی تجلی می‌یافت و بر اثر آن همواره ملت‌ها در جنگ بودند.

حال آنکه بسا قوم‌ها و ملت‌ها که از جنگ بیزار و گریزان‌اند. بنابراین ستیزه گروهی انسان را باید ناشی از مقتضیات زندگی اجتماعی بدانیم و قوانین آن‌ها را با علوم اجتماعی بجویم.

«نظریات جامعه‌شناسی جنگ»

از گذشته‌های دور ریشه‌یابی و بیان علل و عوامل پدیده جنگ از موضوعات مورد توجه علما و فلاسفه جوامع بشری بوده است.

علمای علوم مختلف در صدد تبیین ماهیت جنگ‌ها بر اساس دانسته‌های خود بوده‌اند و هر کس به نوعی





و تا حدی توانسته این علل و عوامل را شناسایی کند. رویکردهای مختلف اقتصادی، روان‌شناختی، سیاسی، حقوقی، زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی. همه این دیدگاه‌ها دارای اهمیت‌اند؛

چون جنگ پدیده فوق‌العاده پیچیده و منحصر به یک عامل و یک علت نیست و به‌وسیله یک نظریه یا از یک دیدگاه خاص نمی‌توان به کل وجودی آن پی برد.

همه نظریات جامعه‌شناختی در مورد جنگ یک اصل مشترک دارند و آن اینکه جنگ را یک پدیده طبیعی زندگی انسان‌ها در نظر می‌گیرند. اما این نظریات از لحاظ نحوه پیش‌بینی آینده با دیگران فرق می‌کنند.

نظریات جامعه‌شناختی در مورد جنگ در دو دسته قابل تقسیم‌اند:

۱. نظریات خوش‌بینانه؛ این نظریات عقیده دارند جنگ زاده ساختار اجتماعی است و باید امیدوار بود و پیش‌بینی کرد که روزی این ساختار دگرگون شود مثل سن سیمون، آگوست کنت، هربرت اسپنسر. از دیدگاه این نظریه پردازان مسایل گوناگون جامعه بشری از جمله جنگ معلول دگرگونی‌های ساختاری است.

۲. نظریات بدبینانه؛ که معتقدند جنگ پدیده‌ای است ابدی و غالباً مفید مثل ایزوله، کمپلویج و ژرژ سورل. در نظریات بدبینانه که از نظریات اجتماعی مارکسیست‌ها ناشی می‌گردد، جنگ ابدی فقر علیه ثروتمندان وجود دارد و منشأ این تعارضات در مسایل رقابت‌های اقتصادی است.

به عقیده آنان ستیزها وسیله دگرگونی‌های اجتماعی هستند و این دگرگونی‌ها را می‌توان موجب ایجاد جامعه متعادل و خوب دانست. این نظریات هیچ یک از جنبه‌های اجتماعی و هیچ پدیده جداگانه‌ای را بدون ارتباط با کل تاریخی و ساختار اجتماعی آن درک نمی‌کنند.

تبیین‌های علل وقوع جنگ

همواره نیاز به یافتن علتی برای جنگ احساس شده و در این میان گاه سرنوشت، گاه شخص و گاه ایدئولوژی خاصی را مسئول آن دانسته‌اند.

در جامعه‌شناسی جنگ بررسی علل پیدایش جنگ از جمله محورهای اساسی محسوب می‌شود. در طی قرون متمادی مؤلفین تبیین‌های گوناگونی درباره جنگ ارائه داده‌اند از جمله:

- نیروی طبیعت یا قانون الهی یا خدایان الهام‌بخش جنگ است یا آنکه جنگ بلایی آسمانی و مظهر امتحان خداوند می‌باشد.

- جنگ نتیجه‌ای است منبعت از هیجانات انسان‌ها، قدرت‌طلبی و غرور انسان. از این دیدگاه جنگ به‌عنوان بیماری روانی همه‌گیر یا بیماری

در جامعه متمدن جنگ معلول عوامل نظری و عملی پیچیده و متعددی است که مهم‌ترین آن را باید در اختلافات طبقه‌ای جستجو کرد. طبقه حاکم برای دفع طبقه محکوم جامعه خود و نیز برای تاراج جوامع دیگر دست به جنگ می‌زند.

مشهورترین نظریه‌پرداز جنگ، متفکر آلمانی قرن نوزدهم کارل فون کلاسیوتس (Carl Philipp Gottfried von Clausewitz ۱۷۸۰-۱۸۳۱) است که جنگ را صرفاً یک عمل سیاسی نمی‌داند، بلکه یک ابزار سیاسی واقعی می‌داند.

آثار جنگ

نتایج و آثار جنگ نیز از محورهای اساسی در جامعه‌شناسی جنگ است. جنگ نتایج و آثار متعددی را به دنبال دارد از جمله:

۱. نتایج اقتصادی؛ جنگ نه تنها به مصرف شتابان ثروت‌ها بلکه به جابجایی ثروت‌ها نیز منجر می‌شود. جنگ برخی ساختارهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تغییر داده و زمینه رشد بعضی از صنایع یا برخی شکل‌های تولید را مساعد می‌کند. جنگ توزیع درآمدها و منبع سرمایه‌ها را عوض می‌کند و وضع بودجه و هزینه‌های عمومی را دست‌خوش تحول می‌کند.

۲. اثرات جمعیتی؛ افزایش مرگ و میر و ویژگی آماری دائم و عمومی جنگ است.

اما این افزایش برحسب جنگ‌ها و حتی مراحل مختلف درگیری به شدت متغیر است. جنگ می‌تواند در زمره نهادهای انهدامی ارادی قرار گیرد که در جهت کاهش زاد و ولد یا کاهش تعداد زندگان می‌کوشند. در تمام جنگ‌ها خسارت مستقیم را مرگ جوانان تشکیل می‌دهد.

۳. ایجاد تحولات اجتماعی؛ جنگ یکی از عوامل اصلی تقلید جمعی است که در تغییرات اجتماعی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. جنگ بسته‌ترین جوامع را وادار می‌سازد تا دیر یا زود دروازه‌های خود را بگشایند.

جنگ نیرومندترین و مؤثرترین شکل تماس تمدن‌هاست. جنگ نوعی تحول شتابان است.

اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

- جنگ شکلی از مبارزه برای بقا و گزینش طبیعی بهترین و مناسب‌ترین افراد است.

- جنگ نتیجه استبداد و جاه‌طلبی انسان‌های در مسند قدرت است.

- جنگ نتیجه اجتناب‌ناپذیر روابط تولیدی و استثمار طبقه‌ای توسط طبقه دیگر است.

- جنگ را دارای نقشی جبران‌کننده به هنگام رشد بسیار زیاد جمعیتی دانسته‌اند یا آنکه آن را وسیله‌ای در تزکیه انسانی تلقی کرده‌اند.

باید خاطر نشان کرد که ستیزه‌گرایی در جامعه ابتدایی دامنه بسیار محدودی داشته و به ندرت بیش از پنجاه تن در یک جنگ شرکت می‌کنند. ستیزه‌گرایی در جوامع ابتدایی اغلب معلول عواملی همچون غنیمت و غارت، بیگانه‌ترسی، خودنمایی و تلافی می‌باشد.

اما ستیزه‌گرایی در جوامع متمدن افزایش می‌یابد. با پیدایش کتابت و افزایش جمعیت و توسعه ثروت و مالکیت خصوصی و توسعه وسایل ارتباطی روابط گروه‌ها نیز توسعه می‌یابد. و در نتیجه ستیزه‌هم‌افزونی می‌گیرند.

جنگ نتیجه غرایز ذاتی پرخاشگرانه نیست. افراد باید برای کشتن تربیت شوند. معمولاً برای به دست آوردن سرزمین یا منابع یا به علت برخوردهای عقیدتی یا مذهبی به جنگ دست زده می‌شود. مهم‌ترین عامل جنگ ظهور جوامع مبتنی بر دولت است.

جنگ در دنیایی که دولتها وسایل اعمال خشونت نظامی را در اختیار دارند، صرفاً احتمالی است که همیشه وجود دارد. جنگ چیزی است که هنگامی رخ می‌دهد که دولت‌ها باهم برخورد پیدا کنند و اختلافات آنان از طریق مذاکره، قرارداد و دیپلماسی حل نشود.

ممکن است حکومتی به دلیل تمایل برای به دست آوردن بخش یا تمام یک قلمر به دلیل مبارزه بر سر منابع یا در نتیجه برخوردهای ایدئولوژیکی و مذهبی به جنگ بپردازد. برای جنگ فقط یک علت وجود ندارد. جنگ آزمون نهایی قدرت در عرصه بین‌المللی است.

زندگینامه شهید مدافع حرم سید حمید طباطبایی مهر

فصل تعبیر آرزوهای سید

○ سیده زینب اسکندریان

به سمت کردستان رفتم و سه سال با هم در آن جا زندگی کردیم.

روزهای سخت

به دلیل وجود دموکرات‌ها و کومه‌له‌ها تردد و زندگی در آن مناطق سختی‌های خاص خود را داشت. حتی گاهی در اطراف خانه‌های سازمانی درگیری‌ها صورت می‌گرفت به صورتی که حیاط خانه پر از پوکه‌های فشنگ می‌شد. در آن شرایط ۲ سال معلم بودم.

چند روز بعد از عقد بود که سردشت را بیماران شیمیایی کرده بودند. ایشان شیمیایی شدند.

دوران بعد از جنگ

رشادت‌ها، لیاقت و شایستگی همراه با مردم‌داری مثال‌زدنی و ارتباط صمیمانه با مردم مظلوم کردستان توسط سید سبب شد تا مسئولیت‌های متعددی در نقاط مختلف کردستان از جمله سقز، مریوان، نوسود و... به ایشان واگذار شود. فرماندهی گردان، فرماندهی محور و فرماندهی عملیات از جمله این مسئولیت‌ها بود.

پس از پایان جنگ تحمیلی با حضور در معاونت آموزش نیروی زمینی سپاه نقش سازنده‌ای را ایفا کرد. شاخص‌ترین دوره مدیریت ایشان در معاونت آموزش، مسئولیت مرکز تحقیقات و فناوری آموزشی نیروی زمینی سپاه به مدت پنج سال بود.

لبیک به «ندای هل من ناصر...»

هرگاه صحبتی از حرم عمه اش، حضرت زینب(س) به میان می‌آمد با غیرت خاصی می‌گفت: «اگر ما نباشیم به حرم ایشان هتک حرمت می‌کنند». از آن‌جا که مسئله سوریه و امنیت ملی کشور را با هم در ارتباط می‌دید می‌کوشید که جنگ به ایران کشیده نشود و دیگر آن که نمی‌توانست نسبت به هتک حرمت حرمین (شام و عراق) بی‌تفاوت باشد. هیچ چیز نتوانست ایشان را نسبت به ندای هل من ناصر... امام ولی‌امر خود بی‌تفاوت کند؛ او به عشق ائمه(ع) و پیوستن به یاران شهید خود راهی جبهه‌های سوریه شد.

مرد روزهای سخت

شهید طباطبایی از نظر تربیت، تقوا، فداکار و... نمونه و گره‌گشای مشکلات بودند. هر وقت مشکلی پیش می‌آمد بسا کمال میل و رغبت در معرکه حضور پیدا می‌کرد و مرد روزهای سخت بود.

مقتدر اما فروتن

تفکرات نظامی و خصوصیات چون دینداری، ولایت‌مداری، ساده‌زیستی و بی‌توجهی به مال دنیا از جمله ویژگی‌هایی بود که سردار طباطبایی مهر را به سرمایه‌ای بزرگ برای نیروی زمینی سپاه تبدیل کرده بود. دارای کردار و گفتار نیک و در عین حال فردی جدی

سید، صدایش می‌کردند. جوانی از تبار حسین(ع)، که سال‌های جوانی عمرش را در انقلاب و جبهه‌های نبرد کردستان برای دفاع از دین و کشورش سپری کرد. سید، خود و اهداف بزرگش را وقف خدمت به اسلام کرده بود و حفظ و صیانت از اسلام را نسبت به مصالح شخصی خود مقدم می‌دانست و گسترش نگاهش او را به فراتر از مرزها کشاند. از آن‌جا که مسئله سوریه و امنیت ملی کشور را با هم در ارتباط می‌دید می‌کوشید که جنگ به ایران کشیده نشود و دیگر آن که نمی‌توانست نسبت به هتک حرمت حرمین (شام و عراق) بی‌تفاوت باشد. به واقع امور ظاهری و منافع زودگذر نمی‌توانست ایشان را نسبت به ندای "هل من ناصر..." امام و ولی‌امر خود بی‌تفاوت کند؛ او با یک هدف و عشق با ارزش زندگی می‌کرد آن‌قدر با ارزش که حاضر شود کل زندگی‌اش را برای آن فدا کند. در این شماره گپ و گفت خواندنی با همسر و هم‌زمان این سردار بزرگوار داریم که می‌توانید در ذیل بخوانید.

انتخاب راه

شهید سید حمید طباطبایی مهر در سال ۱۳۳۸ در منطقه جنوب شهر تهران حوالی میدان خراسان در خانواده‌ای مذهبی و شیفته اهل بیت(علیهم‌السلام) چشم به جهان گشود و پرورش یافت. دوران نوجوانی و جوانی‌اش با شرکت در نهضت انقلاب سپری شد. آغاز جنگ تحمیلی و افزایش همکاری‌های سید با نهادهای انقلابی باعث شد که سید سپاه را برای ادامه فعالیت‌هایش انتخاب کند.

ازدواج

حوالی سال ۶۴ بود که سید حمید در عملیاتی حضور داشت و در لحظات خوش معنوی از خدا ۳ چیز خواستند، اول این که زیارت رودرو با حضرت امام (ره)، زیارت حضرت زینب (س) و بعد کنیز حضرت فاطمه زهرا (س). فردای همان روز مادر با

مهاجرت به مهاباد

دو سه روز بعد از ازدواج چون در منطقه رابط و فرمانده گردان بودند به سردشت برگشتند. ۲ ماه یکبار به مرخصی می‌آمد. یکسال به همین منوال سپری شد تا اینکه به ایشان گفتیم: «که دیگر قادر به تنهایی نیستیم. شما دیگر به سردشت نروید و اگر علاقمند به رفتن هستید من همراه شما می‌آیم». آن زمان سردشت منطقه مناسبی برای حضور خانواده و زندگی نبود. ایشان بعد از رفتن، تماس گرفتند که اگر مایل هستید به مهاباد بیایید هر دو هفته یکبار می‌توانم به شما سرکشی کنم. قبول کردم و از خدا خواسته



سیدحمید مدام می گفتند: «دارد ۳۰ سال خدمتم تمام می شود. خدا کند دچار تصادف و بیماری و ... نشوم. دعا کن خدا مشکلم را برطرف کند و من را در زمره شهدا قرار دهد.»

توانستند این خون را نگه دارند. من نیز امروز به اذن الله چنین تکلیفی را احساس می کنم و در این جهت در حد توان متحمل رنج و مرارت شده و از خون شهید طباطبایی ها پاسداری می کنم و نمی گذارم فراموش شوند.

هست دخترم گفته بود که وقتی مرا به ترمینال می رساند می گفت: «یک موقعی درستان و بالتان نشود. بابا جان! درست را طوری بخوان و فارغ التحصیل شو که برای این مردم رحمت باشد و دست مردم بیچاره را بگیرد. به فکر درآمد و غرور از امتیازات تحصیل نباشید.» ایشان کسی بود که درد را حس می کرد و قشر ضعیف را خوب می فهمید. با قشر ضعیف و پایین بیشتر ارتباط برقرار می کرد.

دلداری

۱۷ روز از ماموریتشان گذشته بود در نیمه های شب حالم دگرگون شد. منتظر ماندم که هوا روشن شود و با ایشان تماس بگیرم. اما هر چقدر تلاش کردم متأسفانه در دسترس نبودند. با چند نفر از همکاران تماس گرفتم و حالشان را پرسیدم. وقتی صدایش را شنیدم و با ایشان صحبت کردم. برای آرامش خاطر، من را دلداری می داد و می گفت: «این جا همش بخور و بخور است! همش راحتی است.» من حرفهایشان را باور کردم و یک درصد احتمال خطر برای ایشان نمی دادم.

شهادت

سرانجام سیدحمید با تلاش های خود در چهارم اسفند ۹۱ در منطقه عملیاتی حومه حلب سوریه به شهادت رسید، مزار این شهید بزرگوار در قطعه ۲۶ ردیف ۵۶ بهشت زهرا (س) واقع شده است.

حرف آخر

گاهی رنج و زحمت زنده نگه داشتن خون شهداء از خود شهادت کمتر نیست که رنج حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) از این نوع است و همسران و خانواده شهدا این را به خوبی در میابند. آنها رنج بردند تا

و سختگیر بود اما در ظاهر همچون یک سرباز ساده مانده بود. در برخورد با سربازان چون پدری دلسوز و مهربان بود که در اوقات فراغت در جمع آنان و پای درد دل آنها می نشست و چه گره گشایی هایی که نمی کرد.

رها از تکبر

او در میدان، صحنه نبرد را خوب می دید و درست تصمیم می گرفت؛ تصمیم هایی چاره ساز و سرنوشت ساز؛ نوع رفتار، اخلاص و تقوای شهید طباطبایی طوری بود که هیچ وقت کبر و غرور در او ندیدیم. او همیشه دنبال مأموریت و انجام وظیفه به نحو احسن بود.

آرزوی شهادت

سیدحمید مدام می گفتند: «دارد ۳۰ سال خدمتم تمام می شود. خدا کند دچار تصادف و بیماری و ... نشوم. دعا کن خدا مشکلم را برطرف کند و من را در زمره شهدا قرار دهد.» از مکه که آمده بود شام که داشت آماده می شد به مادرم گفت: «مادر تو رو خدا دعا کن! تو پاکی و مادری. به آن حرمتی که برای من قائل هستی و من را دوست داری دعا کن گیر کارم برطرف شود و شهید شوم!»

هر جایی توانسته بود توصیه کرده بود. به هر شکلی متوسل می شد که شهادت قسمتش بشود. به خودش نگاه می کرد و می گفت من گیر دارم. در نیمه های شب خیلی زود برای نماز شب بیدار می شد. با اینکه ساعت را برایش کوک می کردم اما یکی دو ساعت قبل از آن بیدار می شد. به ایشان می گفتم: «چه خبر است بخواب که فردا می خواهی سرکار بروی.» می گفت: «باید نواقصم برطرف شود. شب ها زمان مناسبی است برای این مسائل و مناجات با خدای خود. خدا گدا می خواهد. باید گدایی در خانه خدا را یاد بگیرم.»

توصیه های پدرانه

همیشه توصیه هایی برای فرزندانمان داشتند و نکاتی را برایشان یادآوری می کردند. در مسائل عبادی مشوقشان بودند و تأکید می کردند که حتما نماز اول وقت را فراموش نکنید. پشتیبانی از ولایت فقیه و بی توجه نبودن به ارزش های دینی برایش خیلی مهم بود.

دائم به بچه ها می گفتند: «فرصت ها آمدنی نیستند باید دنبالشان برویم. نباید منتظر باشید که بیاید. باید از وقت طوری استفاده کنیم که بهترین نتایج را به دست آوریم. اگر می خواهید در زندگی توفیق نصیبتان شود حرمت پدر و مادران را داشته باشید و دعای آنها را به دنبال داشته باشید.»

ایشان به درس خیلی اهمیت می دادند. یاد م

ارویا

فرانسه

آمریکا



تصویر می‌کشید، سانسور و از پخش آن جلوگیری شد.

آلمان

فیلترینگ اینترنت در آلمان، بر اساس قانون فدرال صورت می‌گیرد و در مواردی خاص، دادگاه‌های این کشور رای به مسدود شدن برخی تارنماها می‌دهند. با این حال، آلمان کشوری است که مسدودسازی محتوای سیاسی در آن به وفور دیده می‌شود. نمونه‌یی از محتوای سیاسی مسدود شده توسط آلمان برای کاربران اینترنت، عبارات و کلیدواژه‌هایی است که به "نفی هلوکاست" مربوط می‌شوند. کاربران اینترنت در کشور آلمان اغلب نمی‌توانند به محتوای مقالات و نوشته‌هایی که به نفی هلوکاست می‌پردازند دسترسی داشته باشند. در اوایل سال ۲۰۱۰ میلادی نیز یک قانون فدرال برای مسدودسازی دسترسی به محتوای غیراخلاقی در آلمان به تصویب رسید.

کانادا

کشور کانادا یکی از ۱۰ کشور برتر در زمینه ارتباط اینترنتی است. تمامی قوانین مربوط به کنترل محتوا در این کشور مربوط به مبارزه با تروریسم است و پس از واقعه ۱۱ سپتامبر شدت یافته است؛ ISPها بر طبق قانون این کشور موظف به ثبت اطلاعات تمامی فعالیت‌های اینترنتی کاربران به مدت ۶ ماه هستند. این مساله مخالفت‌هایی را از میان گروه‌های مختلف به همراه داشته و این افراد آن را نوعی نقض حریم شخصی توسط قوانین دولتی می‌شمارند.

چین

در بخشی از تحقیقی که در دانشکده حقوق دانشگاه "هاروارد" در آمریکا در زمینه فیلتر کردن تارنماهای اینترنتی در سال گذشته انجام شد، مشخص شد کشور "چین" در صدر جدول فیلترینگ تارنماهای اینترنتی قرار دارد این در حالی است که چین با ۱۴۰ میلیون کاربر اینترنتی در صدر بالاترین کاربران اینترنتی در دنیا قرار دارد. از جمله مواردی که دولت چین به آن حساس است، می‌توان به استقلال تایوان و تبت، خشونت پلیس، واقعه تاریخی میدان "تیانمن" در ۱۹۸۹، پورنوگرافی، تارنماهای "بی بی سی" و "ویکی پدیا" اشاره کرد. گفته می‌شود چین اخیراً شیوه خاصی از فیلترینگ را در تارنما "گوگل" اعمال می‌کند. به این نحو که موتور جستجوگر گوگل بنا به تقاضای مقام‌های چین از ارائه برخی تارنماها در جستجوهای کاربران چینی خودداری می‌کند. یعنی ممکن است جستجوی واژه‌ای که در چین ناممکن و بی‌نتیجه است در مکان جغرافیایی دیگری نتایج بسیار متفاوتی داشته باشد. مسدود کردن تارنما اشتراک عکس "فلیکر" به دلیل

جمعیتش را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب مردم فرانسه یکی از آنلاین‌ترین کشورهای دنیا به نسبت جمعیتش است. قوانین اینترنتی در این کشور بیش‌تر شامل قوانین تجارت الکترونیک و رعایت حریم شخصی و جرایم رایانه‌ای آن بیش‌تر مربوط به مسایل امنیت ملی و آسیب‌های اقتصادی است. ضمن اینکه فیلترینگ به طور جدی در مدارس این کشور و با بستن IPها اعمال می‌شود.

انگلیس

در اکثر کشورهای اروپایی از جمله "انگلیس" فیلترینگ بیشتر بر روی مسائلی مانند پورنوگرافی کودکان، نژاد پرستی و مسائل تروریستی اعمال می‌شود.

یک سازمان غیردولتی و غیرانتفاعی در انگلستان به نام "بنیاد نظارت بر اینترنت" (Internet Watch Foundation)، فهرستی از تارنماهای غیراخلاقی را تهیه کرده و بر اساس آن، دسترسی ۹۸ درصد از کاربران اینترنت در انگلستان به این تارنماها مسدود شده است. وزیر کشور انگلیس ورنون کوکر، ضرب‌الاجلی را تا پایان سال ۲۰۰۷ برای همه‌ی سرویس‌دهندگان خدمات اینترنتی در این کشور تعیین کرده بود تا یک سیستم مسدودسازی محتوا بر اساس سبک cleanfeed طراحی و اجرا کنند.

در فاصله‌ی بین سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶، شرکت BT Group فناوری جدیدی به نام Cleanfeed را معرفی کرد که ۸۰ درصد سرویس‌دهندگان خدمات اینترنتی در انگلیس از آن استفاده می‌کنند. کاربری این فناوری به گونه‌یی است که دسترسی به تارنماهای غیرمجازی که توسط "بنیاد نظارت بر اینترنت" فهرست شده‌اند را برای کاربران خانگی قطع می‌کند.

ایتالیا

گفته می‌شود که فیلترینگ و سانسور محتوای اینترنت در کشور ایتالیا بسیار رایج است. این محدودسازی از دسترسی عموم مردم به محتوای تارنماهای خاص و حتی برخی شبکه‌های تلویزیونی جلوگیری می‌کند. بر اساس آمارهای "گزارشگران بدون مرز"، با وجودی که ایتالیا پایین‌ترین رتبه‌ی آزادی رسانه‌ها در میان کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا را دارد و به عنوان کشور "تقریباً آزاد" شناخته می‌شود، اما قوانین ویژه‌یی برای کنترل محتوای رسانه‌ها و اینترنت در ایتالیا به تصویب رسیده‌اند که یکی از آنها مستقیماً به شخص نخست وزیر، سیلویو برلوسکونی برمی‌گردد. در ایتالیا پس از اینکه گروهی از کاربران شبکه‌ی اجتماعی Facebook اقدام به انتشار مطالبی بر علیه برلوسکونی کردند، قانونی برای مسدود کردن این تارنما تحت عنوان Romani Law تصویب شد. در ایتالیا همچنین یکی از قسمتهای یک مجموعه‌ی تلویزیونی که استفاده از مواد مخدر در پارلمان این کشور را به

ارسال تصاویری از کشتار میدان "تیانمن" در سال ۱۹۸۹ یکی از بارزترین تلاش‌های چین برای کنترل تارنماهای اینترنتی است.

ویکی پدیا و جمعی از وب تارنماهای معروف دیگر، اغلب تارنماهای خبری و وبلاگ‌های شخصی نیز مشمول فیلترینگ در این کشور هستند. چین سیستم پیچیده‌ای از فیلترها و ارتشی از ده‌ها هزار کنترل‌کننده انسانی را به کار برده که بر اعمال کاربران اینترنتی این کشور نظارت می‌کنند. دولت این کشور این دستگاه نظارتی را که به نام "دیوار آتش بزرگ" شناخته شده، برای ایجاد یک "محیط سالم اینترنتی" برای مردم این کشور ضروری می‌داند.

عربستان سعودی

عربستان یک و نیم میلیون کاربر اینترنتی دارد که دو سوم آن را زنان تشکیل می‌دهند. با توجه به گستره وسیع تارنماهای سانسور شده اعم از مذهبی، سیاسی، جنسی عملاً دسترسی به بسیاری از تارنماها قطع شده و تنها دسترسی محدود به برخی از منابع و مراجع آزاد است. واحد خدمات اینترنت (Internet Services Unit) نهادی است که وظیفه فیلتر کردن را در این کشور برعهده دارد. تارنماهای فیلتر شده در عربستان علاوه بر تارنماهای غیراخلاقی، برخی تارنماهای مذهبی، پزشکی، فکاهی، فیلم و موسیقی را نیز شامل می‌شوند.

هندوستان

این کشور تقریباً بیش‌ترین تارنماهای خبری و مطبوعاتی را در آسیا داراست. ضمن اینکه جنگ مجازی بین این کشور و کشور پاکستان سال‌هاست که جریان دارد و هرکدام دو کشور وب تارنماهای یکدیگر را مرتباً تهدید می‌کنند. موارد مورد فیلتر در این کشور شامل افترا و اتهام، شرط بندی، نژادپرستی، تروریسم و سوءاستفاده از کودکان و موارد مشابه دیگر است. موارد کنترل دیگر در این کشور کافی‌نت‌ها هستند که بر طبق قانون موظفند تا شماره ملی و آدرس پستی کاربران را ثبت نمایند. همچنین کافی‌نت‌ها ملزم به نصب برنامه‌های فیلترینگ هستند که بر طبق قانون تارنماها را فیلتر می‌کند.

برنامه‌ریزی برای امتحان

○ شیدا حسن‌بخشان

گام به گام تا امتحان

حسن‌های امتحان دادن

دانش‌آموز با امتحان دادن می‌تواند نقاط قوت و ضعف خود را تشخیص بدهد و نمره معمولاً به دانش‌آموز می‌فهماند در کجا اشکال دارد. با امتحان دادن یک دانش‌آموز برنامه‌ریزی و نظم را یاد می‌گیرد. امتحان یکی از درس‌های بزرگ زندگی، یعنی تحمل شکست و تلاش برای جبران آن را به انسان می‌آموزد.

روش مطالعه

هیچ‌وقت برای نمره درس نخوانید، بلکه تلاش کنید مطلب را بفهمید. با دله‌ره و حواس‌پرتی درس نخوانید، چون فایده ندارد و چیزی یاد نمی‌گیرید. هرگز با شکم پر یا خالی درس نخوانید، چون مغز شما را برای ثبت اطلاعات همراهی نمی‌کند. وقت را تلف نکنید، چون پس از آن خود را سرزنش می‌کنید و مشکلات‌تان بیشتر می‌شود. سعی کنید همیشه شاد و خوشحال باشید، چون یادگیری با غم و اندوه جور در نمی‌آید. خود را با دیگران مقایسه نکنید، چون دچار عقده خودکم‌بینی می‌شوید و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهید، در حالی که برای گذراندن هر امتحانی مهم‌ترین عامل اعتماد به نفس است. هرگز تصور نکنید امتحان یک غول وحشتناک است که باید با آن دست و پنجه نرم کنید. امتحان فقط یک ارزیابی است و موفقیت در آن ربطی به

خواندن باید شیوه‌های گوناگون را امتحان و در هر وضعیتی از مناسب‌ترین آن استفاده کرد. یادداشت برداشتن در هنگام مطالعه بسیار مفید است، مخصوصاً اگر در روز چند بار این خلاصه مطالب را مرور کنیم. داشتن برنامه قابل انعطاف نیز بسیار ضروری است. نباید در برنامه‌ریزی چنان به خود سخت بگیریم که از همان ابتدای امر، ذهن ما حالت تدافعی به خود بگیرد. مکان مطالعه نیز بسیار مهم است. باید حتی‌الامکان از جاهای روشن که هوای تازه در آن جریان دارد استفاده کنیم. جای کاملاً ساکت معمولاً کمتر گیر می‌آید، پس بهتر است طوری خود را آموزش بدهیم که با اندکی سر و صدا هم بتوانیم کنار بیاوریم.

آمادگی برای امتحانات

کلمه امتحان اغلب دانش‌آموزان را دچار نگرانی می‌کند. نگرانی در حد معقول اشکال ندارد و انگیزه فرد برای تلاش بیشتر را بالا می‌برد، ولی اگر این نگرانی از حد بگذرد، تبدیل به ترس و اضطراب می‌شود و می‌تواند نتایج بدی به بار بیاورد و باعث شود دانش‌آموز هرچه را هم که خوانده است فراموش کند.

مهم‌ترین اصل برای موفقیت در امتحانات برنامه‌ریزی است، چون با کمک برنامه می‌توان از وقت نهایت استفاده را برد. بدیهی است برای دروسی که در آنها ضعیف هستیم، باید وقت

همه کسانی که به‌نوعی با روان‌شناسی یادگیری آشنایی دارند به‌خوبی می‌دانند یادگیری مؤثر فقط هنگامی اتفاق می‌افتد که شخص از یاد گرفتن موضوع یا مهارتی لذت ببرد و بتواند آن را به شکلی مفید در زندگی خود به کار بگیرد. متأسفانه سال‌هاست درس خواندن و مطالعه به‌جای لذت بخشیدن تبدیل به منشاء استرس و نگرانی شده و کلمه امتحان و شب امتحان حکم کابوس را پیدا کرده است. باید این نکته را از یاد نبریم که استرس مهم‌ترین عامل در فراموش کردن مطالب است، بنابراین قبل از هر چیزی باید آن را کنترل کرد. برای اینکه بتوانیم موضوعات مورد مطالعه را به‌درستی بفهمیم و به خاطر بسپاریم، رعایت نکاتی را در نظر داشته باشیم، چون مغز پس از چند ساعت تمرکز روی یک موضوع خاص کارایی خود را از دست می‌دهد و انسان دچار کسالت می‌شود. بنابراین باید دروس را در طی سال و به‌تدریج یاد گرفت و بخشی را به مطالعه آزاد اختصاص داد. معمولاً درس خواندن جمعی به شرط آنکه همه وقت به شوخی و بازی نگذرد بهتر از مطالعه فردی نتیجه می‌دهد. یکی از مسائلی که امکان تمرکز را کم می‌کند، وسواس و دقت غیرعادی است. افرادی که بیش از حد وسواس به خرج می‌دهند، اغلب با کوهی از مطالب خوانده نشده روبرو می‌شوند. هنگامی که مطلبی را نمی‌فهمیم، باید به سراغ مطالب بعدی برویم و مطالعه آن مطلب را به وقت مناسب‌تری واگذار کنیم. برای مطالعه و درس



طرز تهیه فرنی نارگیل مخصوص ماه رمضان



در ماه رمضان با پودر کاستر یک فرنی خوش طعم برای افطارتان درست کنید.

مواد لازم:

شیر :	دو و نیم پیمانه
تخم مرغ :	۴ عدد
خامه :	سه چهارم پیمانه
شکر :	۶ قاشق غذاخوری
نارگیل :	۴ قاشق غذاخوری
نان :	۳ برش
پودر کاستر :	یک قاشق غذاخوری
وانیل :	کمی
شیر عسل :	۲ قاشق غذاخوری

مطبخ...



طرز تهیه فرنی نارگیلی برای ماه رمضان :

تمامی مواد را در همزن هم بزنید. مواد را در ظرف پیرکس کمی چرب شده بریزید و به مدت ۲۵ دقیقه در فر بگذارید تا با دمای ۱۸۰ درجه بپزد و طلایی رنگ شود. پس از خنک شدن سرو کنید.

لیاقت و بی‌لباقتی کسی ندارد. هنگام مطالعه نکات مهم و کلیدی را یادداشت و هر روز مرور کنید. این کار باعث می‌شود سر جلسه امتحان نکات اصلی به یادتان بیاید و طبیعتاً بقیه مطالب هم یادآوری می‌شوند. قبل از شروع امتحان این نکات کلیدی را یک بار مرور کنید.

اگر تا هنگام امتحانات فرصت کافی باقی مانده است، هر شب نهایتاً نیم ساعت درس بخوانید و از مدت طولانی مطالعه کردن بپرهیزید. تغذیه هم می‌تواند بر عملکرد مغز و حافظه بسیار کمک کند. بیشتر از غذاهای حاوی ویتامین، مقوی و پرانرژی استفاده کنید. میوه‌ها بهترین گزینه هستند. روز قبل از امتحان دو ساعت وقت‌تان را به مرور یادداشت‌های خود اختصاص دهید و مطمئن باشید اگر در طول سال به‌درستی درس خوانده باشید، مرور یادداشت‌ها بیشترین کمک را به شما خواهند کرد.

هنگام مطالعه ابتدا از فصل‌هایی که سر کلاس مهم شمرده می‌شدند شروع کنید و بعد به سراغ فصل‌های دیگر بروید.

به اندازه کافی بخوابید، چون بی‌خوابی یکی از عوامل مهم بالابرنده استرس و فراموشی است.

هنگام مطالعه سعی کنید آرام سر جای‌تان بنشینید و دعا و توکل را از یاد نبرید.

ابتدا کل سئوالات را بخوانید و آنهایی را که کاملاً بلد هستید، جواب بدهید، سپس به آنهایی که کم و بیش شک دارید پاسخ بدهید.

از زمان غافل نشوید تا وقت کم نیاورید. نگذارید پاسخ به سئوالات سخت تمام مدت ذهن‌تان را مشغول نگه دارد.

همیشه در کلاس آخر ترم تحصیلی شرکت کنید، چون اغلب دبیران در این جلسه به نکات اصلی و مهم اشاره می‌کنند.

هیچ‌وقت مطالب و موضوعات شبیه به هم را با هم نخوانید، چون ذهن دچار اشتباه می‌شود. مثلاً گرامر انگلیسی را با صرف و نحو عربی یا دستور زبان فارسی نخوانید.

پس از هر یک ساعت مطالعه ده دقیقه استراحت کنید.

ورقه‌های امتحانی قبلی خود را بررسی و روی نقاط ضعف‌تان کار کنید.

سئوالات را با دقت بخوانید و بفهمید تا پاسخ صحیح بدهید. عجله باعث عدم درک صحیح سؤال می‌شود.

در عین حال که سعی می‌کنید زمان را نگه دارید، دائماً به ساعت نگاه نکنید. اگر پاسخ همه سئوالات را دادید و وقت اضافی داشتید، یک بار دیگر پرسش و پاسخ‌ها را کنترل کنید. هیچ‌کس به خاطر اینکه ورقه‌تان را زودتر می‌دهید به شما نمره اضافی نخواهد داد.

الهی دستان بشکند!

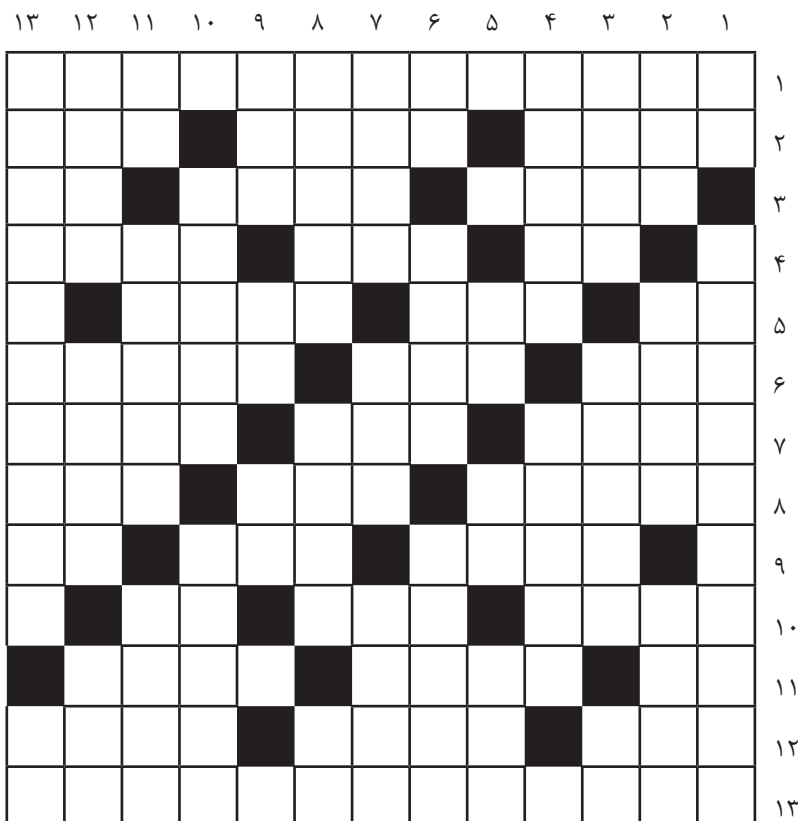
یکبار در جبهه آقای «فخرالدین حجازی» آمده بود برای سخنرانی و روحیه دادن به رزمندگان. وسط‌های حرفاش به یک‌باره با صدای بلند گفت: «آی بسیجی‌ها!» همه گوش‌ها تیز شد که چه می‌خواهد بگوید. ادامه داد: «الهی دستان بشکند...!» عصبانی شدیم. می‌دانستیم منظور دیگری دارد اما آخه چرا این حرف رو زد؟ یک لیوان آب خورد و گفت: «گردن صدام رو!» اینجا بود که همه زدند زیر خنده.

آب یخ

قبل از شروع یکی از حملات، همه فرماندهان لشکر ۲۷، تو جلسه‌ای توجیهی شرکت داشتند. «حاج‌محمد کوثری» فرمانده لشکر پشت به دیگران، رو به نقشه، مشغول توضیح منطقه عملیاتی بود و اون رو شرح می‌داد. «حاج‌محسن دین‌شعاری» معاون گردان تخریب لشکر، تو ردیف اول نشسته بود. یکی از نیروها، یک لیوان آب یخ رو از پشت سر ریخت تو یقه حاج‌محسن. حاجی مثل برق گرفته‌ها از جا پرید و آخش بلند شد. برگشت و به سوی کسی که این کار را کرده بود، انگشتش را به علامت تهدید تکون داد. بعدش، یک لیوان آب یخ از پارچ ریخت و برای پاشیدن، به طرفش نیم‌خیز شد. حاج‌محمد که متوجه سر و صدای حاج‌محسن و خنده‌های بچه‌ها شده بود، یک دفعه برگشت و به پشت سرش رو نگاهی کرد. حاج‌محسن که لیوان آب یخ را به عقب برده و آماده بود تا اون رو به سر و صورت اون برادر بیاششه، با دیدن حاج‌محمد، دستپاچه شد و یک دفعه لیوان را جلوی دهانش گرفت و سر کشید. انگار نه انگار که اتفاقی افتاده باشد، گفت: «با حسین (ع)». با این کار حاج‌محسن، صدای انفجار خنده بچه‌ها، سنگر رو پر کرد و فرمانده لشکر، بی‌خبر از اون چه گذشته بود، لبخندی زد و برا حاج‌محسن سری تکون داد....

ترسیدم روز بخورم ریا بشه

توی بچه‌ها خواب من خیلی سبک بود. اگر کسی تکان می‌خورد، می‌فهمیدم. تقریباً دو سه ساعت از نیمه شب گذشته بود. خوروف بچه‌هایی که خسته بودند، بلند شده بود؛ که صدایی توجهم را جلب کرد. اول خیال کردم دوباره موش رفته سراغ ظرف‌ها، اما خوب که دقت کردم، دیدم نه، مثل این که صدای چیز خوردن یک جانور دو پا است. یکی از بچه‌های دسته بود. خوب می‌شناختمش. مشغول جنگ هسته‌ای بود. آلبالو بود یا گیلان، نمی‌دانم. آهسته طوری که فقط خودش بفهمد، گفت: «آخوی، آخوی! مگه خدا روز را از دست گرفته که نصف شب با نفست مبارزه می‌کنی؟» او هم بی‌معطلی پاسخ داد: «ترسیدم روز بخورم ریا بشه!!!»



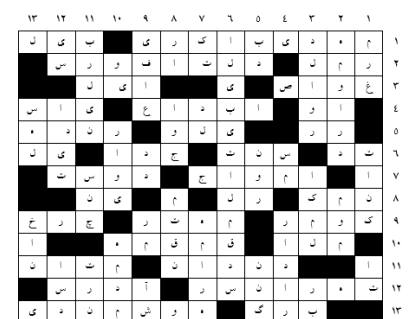
افقی

- ۱- شهید والامقام و مسئول آموزش نظامی لشکر ۲۷ محمد رسول الله
- ۲- اجزای تشکیل دهنده ی سنگ - زره پوش جنگی - ظاهر چیزها
- ۳- سوره ی ۷۴ قرآن - علم ستاره شناسی - برابر
- ۴- علامت جمع - جد - ریاضی دان یونانی
- ۵- اثر چربی - بالا پوش - شهرها
- ۶- فدراسیون دو و میدانی - عملیات شرقی دجله - اسلوب
- ۷- از فروع دین - نسیم - ستاره
- ۸- سرپرستی ولی امر بر مسلمین - جنبش مبارز لبنانی - آبیگر
- ۹- شهر استان مرکزی - اندیشه ها - گلایه
- ۱۰- کند زبان - گل حضرت زهرا(س) - دل آزار کهنه
- ۱۱- آخرین رمق - شهر چهارمحال و بختیاری - از اصول دین
- ۱۲- حرف جحد - رسیدن - فهماندن مطلبی به کسی
- ۱۳- عملیات محور چزابه فکه با رمز یا الله

عمودی

- ۱- آسیب - جانشین شهید گردان مسلم بن عقیل
- ۲- جد رستم - پایتخت افغانستان - شتر بی کوهان
- ۳- استخوان ستون مهره - واحد پول فرانسه - خاندان پیامبر(ص)
- ۴- از خود گذشتگی - خبرگزاری جمهوری اسلامی
- ۵- خرس آسمانی - حرف فاصله - لقب
- ۶- سیلی - کمیاب - پیامبر الهی
- ۷- یار با وفای امام حسین(ع) - تظاهر به نیکی - دردناک
- ۸- ایالت پاکستان - جنبش آزادی بخش فلسطین - صنعت دندان
- ۹- بازگشت صدا - شگرد - از اقوام ایرانی
- ۱۰- وقار - از سور قرآن کریم
- ۱۱- درخت جدولی - وسایل - بلند مرتبه
- ۱۲- دعای شب جمعه - بزرگ ترین اقیانوس - باریک بینی
- ۱۳- رمز عملیات خیبر - حرف ندا

طراح جدول: ابراهیم زارعی
حل جدول شماره گذشته:



کاریکاتور یست: ظاهر شعبانی

خوانندگان عزیز مجله ی شاهد جوان می توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. مجله ی شاهد جوان ضمن اعلام برندگان به بهترین نوشته جایزه می دهد. حتما روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.



برنده شماره گذشته:
فاطمه محبی - رشت

معلمان دانش آموزان را برای زندگی بهتر و پیشرفت در عرصه های مختلف تربیت می کنند. در این تصویر ذهن معلم به آسمانی تشبیه شده که با بارش باران جوانه ها را شکوفاتر بزرگتر می کند. معلم هم دقیقاً همین رسالت را بر عهده دارد و اگر نباشد شکوفایی را شاهد نخواهیم بود.

ماه رمضان ماه نظم‌پذیری و برنامه‌ریزی است، زیرا باید در وقت معینی از آنچه که روزه را باطل می‌کند، خودداری کنیم و فقط در ساعات مشخصی می‌توانیم بخوریم و بیاشامیم.

ماهی برای رویش

ماهی



می‌دزدد.» شیطان در جایی که نور خدا قوی است، راه پیدا نمی‌کند و در ماه رمضان که همه جا قرآن تلاوت می‌شود و همه مشغول گفتن ذکر و دعا هستند، بدیهی است که دست شیطان بسته است.

در ادبیات غنی و ارزشمند فارسی اشعار فراوانی از شعرای سترگی چون مولانا، حافظ، سعدی و... در باره ماه رمضان آمده است که بررسی آنها می‌تواند دریچه‌های فراوانی را به روی معانی لطیف این ماه بگشاید. مولانا در قصیده بلندی می‌گوید با بسته شدن دهان

پوشیده نیست. بدیهی است روزه گرفتن صرفاً لب بستن از طعام نیست، بلکه رعایت تک‌تک موازین اخلاقی بر روزه‌دار واجب است. طبیعتاً اگر فرد در طول یک ماه این تهذیب نفس و پرهیز از ضعف‌های اخلاقی را بر خود هموار سازد، توشه ارزشمندی را از ماه رمضان خواهد برداشت.

ماه رمضان ماه آشنی با خدا و تقویت اراده و تقواست. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «اگر کسی که روزه‌دار است، در جواب کسی که به او فحاشی می‌کند، بگوید من روزه هستم، بنابراین جوابات را نمی‌دهم»، گویی حجابی از نور می‌آید که همان رحمت و لطف خداست و بین او و آتش جهنم حائل می‌شود.

ماه رمضان ماه نظم‌پذیری و برنامه‌ریزی است، زیرا باید در وقت معینی از آنچه که روزه را باطل می‌کند، خودداری کنیم و فقط در ساعات مشخصی می‌توانیم بخوریم و بیاشامیم.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «اگر انسان‌ها می‌دانستند رمضان چه جایگاه و منزلت والایی دارد، از خدا می‌خواستند همه سال رمضان باشد.» از همین روی بزرگان ما در روز اول رمضان دو رکعت نماز شکر می‌خواندند تا خدا را از اینکه زنده مانده و رمضان دیگری را درک کرده‌اند، شاکر باشند. بر اساس آیات قرآن و احادیث بسیار در ماه رمضان شیاطین در غل و زنجیرند و بر مؤمنان دست نمی‌یابند. قرآن می‌فرماید: «هر کسی که نور خدا در دلش ضعیف شود، شیطان ایمان او را

ماه

رمضان را

در احادیث و روایات،

ماه اسلام گفته‌اند زیرا ماه

تسلیم است و بندگی و فرمانبرداری. روزه بر مسلمانان واجب شده است همان‌گونه که بر امت‌های پیشین نیز واجب بود. ماه رمضان ماه خودداری از منکرات است و مبارزه با نفس و حرکت در مسیر سلوک معنوی و خودسازی.

امروزه همه به‌خوبی متوجه این نکته شده‌اند که اغلب بیماری‌های جسمی نتیجه افراط در مصرف و بیماری‌های روحی حاصل انحراف از خوبی‌ها هستند. مردمی که با خوردن و آشامیدن افراطی، خود را گرفتار بیماری‌های خطرناکی چون دیابت، چربی خون، فشار خون و... کرده‌اند، خیلی خوب متوجه می‌شوند وقتی با روزه، خوردن و آشامیدن خود را مهار می‌کنند، چقدر سالم‌تر، سرحال‌تر، خوش‌روحیه‌تر و پرتحرک‌ترند. متأسفانه در کشور ما امراض ناشی از مصرف مواد غذایی بیماری‌زا فراوان‌اند و جالب اینجاست که از یک ماه مانده به ماه رمضان رسانه‌ها، به‌خصوص مطبوعات ما پر می‌شوند از اخباری مبنی بر اینکه در ماه رمضان نگران ذخیره برنج، روغن، قند و... نباشید، انگار قرار است در این ماه به جای امساک و استفاده بهتر و کمتر از مواد غذایی مسابقه خوردن برگزار شود و همین فرصت یک ماهه ارزشمندی هم که در طول سال برای بازگرداندن جامعه به عادات غذایی و روانی صحیح فراهم می‌شود، از دست برود.

نقش دروغ، غیبت، کینه‌ورزی، حسد و سایر رذایل اخلاقی در ایجاد استرس، خشم، پرخاشگری و حال بد جامعه بر کسی



ثواب روزه و حج قبول، آن کس برد
که خاک میکده عشق را زیارت کرد
نماز در خم آن ابروان محرابی
کسی کند که به خون جگر طهارت کرد
ماه روزه در نگاه حافظ ماه نوشیدن شراب
عرفانی و زمانی است که وجود انسان‌های
تهی از عشق سرشار از مهر و لطف خداوندی
می‌شود. بساده‌ای که حافظ از آن سخن
می‌گوید، شراب روحانی عشق است که نه تنها
روزه را باطل نمی‌کند، بلکه نوشیدن آن بر هر
روزه‌داری واجب است تا روزه او واقعی شود.
سعدی نیز شرط قبولی روزه را معرفت و
اخلاص و توجه به شرایط روزه می‌داند که
همانا توجه کامل به خدا و پرهیز از ریاست.
کلید در دوزخ است آن نماز
که در چشم مردم گزاری دراز
اگر جز به حق می‌رود جادوات
در آتش فشانند سجاده‌ات
و در جای دیگری به ضرورت توجه به
درماندگان و ضعیفان اشاره می‌کند و می‌گوید:
خورنده که خیرش بر آید ز دست
به از صائم الدهر دنیاپرست
مسلم کسی را بود روزه داشت
که درمانده‌ای را دهد نان چاشت
و گرنه چه لازم که سعی‌ای بری
ز خود بازگیری و هم خود خوری
بنابراین با توجه به روایات و احادیث و نیز
سخنان بزرگان ادب این سرزمین که همگی
برگرفته از معارف اسلامی هستند در می‌یابیم
نخستین شرط روزه‌داری پرهیز از ریا،
دنیاپرستی، اسراف و تبذیر است. البته پرهیز

در ماه رمضان در واقع دیده انسان گشوده
می‌شود و هر چند روزه باندرکی رنج همراه
است، اما جان و دل آدمی را پاک می‌کند.
او ماه رمضان را ماه معراج آدمی و پرورش
عیسای روح می‌داند و انسان روزه‌دار را به نی
تشبیه می‌کند که با شکم خالی بهتر می‌نوازد.
روزه در ادب فارسی همچون مادری مهربان
است که به سوی اطفال خود می‌آید.
حافظ در توصیف ماه رمضان و روزه‌داری،
همچنان بر زهد ریاکارانه می‌تازد و کبر و ریا
را آفت روزه و شرط قبولی روزه را خلوص
نیت و عشق راستین به آفریدگار می‌داند و
می‌گوید:

از ریا و گام
نهادن در راه اخلاص،
شرط استجابت هر عبادتی
است، اما از آنجا که فرصت روزه‌داری یک
ماه بیشتر نیست، بدیهی است از دست دادن
این فرصت خسران بزرگی است و جامعه با
آگاهی بر معنای حقیقی روزه و خودداری
از منکرات در این ماه می‌تواند به اصلاح
اشکالات و معضلات خود بپردازد و جلوی
خسارت‌های فراوانی را که حاصل افراط و
تفریط‌های جسمی و روحی است بگیرد و
یا دست‌کم از سرعت رشد آنها بکاهد، کما
اینکه آمارها نشان می‌دهند میزان ارتکاب
جرایم گوناگون در این ماه به شدت کاهش
پیدا می‌کند و جامعه از آرامش و نظم بهتری
برخوردار می‌شود.

یکی از معضلاتی که جامعه بشری و نیز
جامعه ما را در معرض خطرات جدی قرار
داده، گرایش به فردگرایی و فردمحوری و
پرهیز از حرکت‌های جمعی سازنده است.
جلسات گروهی قرآن و دعا، سفره‌های
افطاری و سحری جمعی و رونق گرفتن
مساجد، به‌ویژه در شب‌های احیا اتفاق
بسیار پربرکتی است که اگر در طول سالیان
ادامه یابد، جامعه همواره از برکات آن
بهرمند خواهد بود.

دین مبین اسلام سرشار از احکام، عبادات و
معارفی است که آگاهی بر آنها و انجام‌شان
می‌تواند آرامش و رفاه مادی و اعتلای روحی
را برای همه فراهم سازد و اضطراب و نگرانی
را از بین ببرد. باشد که در ماه رمضان به
خوبشستن خویش بازگردیم و بر سر خوان
پر نعمت رمضان غم و اندوه را از دل بزداییم
و هم‌نوا با دیگر روزه‌داران از خدا برای مردم
دنیا رستگاری، شادمانی و مهربانی آرزو کنیم.

ما برای لذت بردن از عبادات مثل نماز و روزه باید عبادت را فرهنگ سازی کنیم و این هم از خانواده و در همان سنین کودکی ممکن می شود. باید قبل از مهمانی رمضان اهل و مقیم دایمی رمضان شد.

باید و نبایدهای ماه رمضان

ضيافت اجباري

○ سیده زینب اسکندریان

رفتار دینی مثل قرص آنتی بیوتیک نیست که شما چه اطلاعی از آن داشته باشید و چه نداشته باشید اثر خودش را بگذارد. بله نماز و روزه و همه عبادات یک حداقل اثری خود به خود دارد اما برای افزایش ثمرات، افزایش معرفت نسبت به عبادت خیلی نقش دارد. چرا نماز می خوانم؟ روزه با من چه می کند که موجب می شود ارتباط مستحکم تری با عبادات برقرار شود.

برای رسیدن به پاسخ این سؤالات به خدمت حجت الاسلام محمدصادق سهیلی رسیده ایم.

راستی سوال پیش می آید که ما از اول خلقت مان همیشه مهمان خدا هستیم و دائما بر سر سفره نعمات او بوده ایم. پس چرا خدا ما را در رمضان به یک ضیافت مضاعف دعوت می کند؟ برای یافتن پاسخ این سؤال باید ابتدا ببینیم ما از مهمانی چه می فهمیم؟ به خصوص وقتی مهمانی را در فرهنگ دینی خودمان ترجمه کنیم.

اولین ویژگی مهمان این است که محترم و گرامی است حتی اگر کافر باشد. این دستور پیامبر گرامی ما است که در این خصوص فرموده اند: «مهمان را گرمی بدار اگرچه کافر باشد» اینکه از ما خواسته اند کافران را هم در زمانی که مهمان ما هستند گرمی بداریم به دلیل ضرورت رعایت حرمت مهمانی است. و حتما آنان که چنین دستوراتی داده اند خود بهتر از هر کسی رعایت می کنند. باید خود را در مهمانی خاص خدا محترم بشماریم. میزبان وقتی می خواهد به مهمانش احترام بگذارد، عیب هایش را پنهان می کند. مهمان که وارد منزل می شود هیچ وقت میزبان نمی گوید: چه لباس نامناسبی پوشیدی و ... ما آنقدر در این ضیافت مورد احترام خلق هستیم که بوی بد دهان روزه دار محبوب ترین بو در عرش او می شود. حتی اگر مهمان سوء پیشینه ای هم داشته است، رفتار میزبان عطف به ماسبق نمی شود و هیچ گاه به خاطر خطاهای سابقه اش توسط میزبان در مهمانی محاکمه نمی شود همه می دانند مهمانی جای این حرف ها نیست.

دومین ویژگی مهمانی این هست که، اگر مهمان در مهمانی زحمتی بکشد تشکری مضاعف از او خواهد شد. حتی اگر استراحت هم کند باز از قدرش کم نمی شود. لذا (خواب شما در رمضان عبادت محسوب می شود) در مهمانی میزبان از لبخند مهمان خرسند می شود و در جریان پذیرایی تنها به فکر بهره برداری مهمانان است تا برداشت های خودش و مدام از سیرایی و لبریزی او سؤال می کند.

در مهمانی به غیر از رابطه میزبان با مهمان، مهمانان هم نیز با هم رابطه خاصی پیدا می کنند. مهمانان با یکدیگر در رفاقت به سر می برند. وقتی در یک مهمانی از همه پذیرایی به عمل می آید دیگر کسی بر سر منافع خودش با دیگران رقابت نمی کند و هیچ کس نگران هیچ کمبودی نیست. اصلا قرار است در این مهمانی خدا، ما با یکدیگر بیشتر آشنا شویم. وقتی دل هایمان به هم نزدیک می شوند گویا بیشتر به خود می آییم و بهتر به خدا می رسیم. در یک مهمانی وقتی مهمانان دور صاحب خانه جمع می شوند، در واقع گردهمایی می کنند و به هم نزدیک می شوند. سفارش های پیامبر اکرم (ص) درباره مهربانی مؤمنان با یکدیگر در این مهمانی معنوی انسان را به تعجب وامی دارد. گویی این ضیافت جز آشتی کنان برای مهمانان چیز دیگری نیست و تمام فلسفه این مهمانی همین

ضعف هایمان عشق بورزیم. و یک ارتباط عملی به این معنا که ادب حضور خاضعانه و مودبانه در این ضیافت را رعایت کنیم.

توصیف مهمانی

شاید مهم ترین وصف رمضان، ضیافت باشد. رمضان یعنی یک مهمانی. در رمضان ما مهمانیم و خدا میزبان ماست. امام خمینی (ره) می فرمودند: «همه عالم تحت رحمت الهی است و هر چه هست رحمت اوست لکن باب ضیافت یک باب دیگری است. دعوت به ضیافت یک مساله دیگری است.» به

ما باید با عبادت سه نوع ارتباط داشته باشیم. یک ارتباط فکری به این معنا که رمز و رازهای ماه مبارک رمضان و روزه داری را با تفکر بیابیم. یک ارتباط قلبی به این معنا که رمضان را با تمام محرومیت های ظاهری اش به خاطر اینکه قرار است از دست محبوب بزرگمان سیراب حقیقی شویم، دوست بداریم نه اینکه با اکراه به استقبال او برویم. عاشقانه در حالی که آب در اختیار داریم ولی لب تر نمی کنیم و به همه

حضرت علی علیه السلام:

خداوند روز را واجب کرده تا به
رسیده آن اخلاص خلق را بیازماید.

"نخ ابدی، کلمه ۲۵۲"

رَضَا بِلَا كَيْفٍ



بهبتر از هزار ماه

در بین شب‌های ماه مبارک رمضان سه شب است که هر کدام آن‌ها از هزار ماه با فضیلت‌تر است. این ارزش زیاد اولین حسی که در انسان باید ایجاد کند یک حس خوف و نگرانی است که قلب من چه قدر آمادگی دریافت برکت‌های این شب را دارد. امام زین‌العابدین علیه‌السلام از اول ماه مبارک رمضان هر روز مقدار قابل توجهی صدقه می‌دادند و می‌فرمودند: «لعلی اصیب لیلۃ القدر. امیدوارم که به این واسطه به شب‌های قدر برسم.» معلوم است که اسرار و فوایدی از جانب خدا برای بندگان در این شب‌ها ذخیره شده است.

یکی از یاران امام صادق علیه‌السلام از حضرت، دستوری خواست برای بهره بیش‌تر از شب‌های قدر، آقا فرمودند: «اذا تری شهر رمضان فات کل الیلۃ ((انا انزلناه فی لیلۃ القدر)) الف مره، فاذا اتت لیلۃ ثلاث عشرین فاشدد قلبک و افتح اذنیک تسمع و تری العجایب» زمانی که ماه رمضان رسید، در هر شب رمضان هزار مرتبه سوره قدر را بخوان تا شب بیست و سوم. وقتی قلبت محکم شد چشم و گوشت باز خواهد شد و عجایب را خواهی دید!

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «انه ينزل فی لیلۃ القدر الی ولی الامر تفسیر الامور سنۃ یوم فیها بنفسه بکذا و کذا و فی امر الناس بکذا و کذا» در شب قدر به ولی امر، امام معصوم هر زمان تفسیر وقایع هر سال نازل می‌شود چه وقایع در مورد خود امام علیه‌السلام و چه امر مردم که چگونه خواهد بود.

امام صادق علیه‌السلام: «فی لیلۃ تسع عشره من شهر رمضان التقدير و فی لیلۃ احدى و عشرين القضاء و فی لیلۃ ثلاث و عشرين ابرام یكون» در شب نوزدهم سرنوشت بندگان تقدیر می‌شود و در شب بیست و یکم حتمی می‌شود و در شب بیست و سوم و امضا و محکم و محتوم می‌شود. این‌شاءالله که خداوند آن چه را که به بهترین اولیای صالح خودش در این ماه پربرکت اعطا می‌کند بر همه ما هم تفضل یفرماید.

در آخر هفته را ندارند و ترجیح می‌دهند در خانه استراحت کنند. کاری که جزو فرهنگ یک کسی شد برایش آسان و لذت‌بخش می‌شود. ما برای لذت بردن از عبادات مثل نماز و روزه باید عبادت را فرهنگ‌سازی کنیم و این هم از خانواده و در همان سنین کودکی ممکن می‌شود. باید قبل از مهمانی رمضان اهل و مقیم دایمی رمضان شد. چرا به ما توصیه کرده‌اند که کودکان خود را از ۷ سالگی امر به نماز کنید؟ در حالی که یک کودک هفت ساله نماز برایش واجب نیست و معرفتی هم به نماز ندارد!

برای این است که نماز جزئی از فرهنگ زندگی‌اش شود. روزه نیز همین‌طور است. این آموزه‌ی تربیتی شامل حال دختران و پسران می‌شود اما دختران در اولویت قرار دارند چون زودتر به سن تکلیف می‌رسند. این نکته را هم بگویم که دخترانی که به سن تکلیف می‌رسند در ۹ سالگی، غالباً به علت ضعف جسمانی توانایی روزه ندارند، نباید روزه بگیرند. زیرا اسلام هر جا که عسر و حرج یا ضرری در کار باشد تکلیف را برمی‌دارد. «لاضر و لاضرار فی الاسلام و یا لا یكلف الله نفسا الا وسعها و لن یجعل الله علیکم فی الدین من حرج» به این معناست که اگر سختی طاقت فرسا و ورای طاقت باشد تکلیف خدا برداشته می‌شود. در مورد دختران هم که روزه گرفتن برایشان مشقت فراوان دارد می‌توانند در ایام دیگر سال که روزها کوتاه‌تر است قضای آن را بگیرند. اما از لحاظ تربیتی مناسب است که برای هرروز قصد روزه بکنند تا از نکته تمرین و فرهنگ روزه‌داری محروم نشوند. و هر موقع احساس ضعف کردند افطار کنند. آن چه به عنوان روزه کله گنجشکی می‌گویند یک امر اختراعی نیست و دستور اهل بیت علیهم‌السلام است و علما هم از قدیم فرزندان و کودکان را تشویق به این امر می‌کردند. شیخ طوسی از علمای بزرگ متقدم می‌گوید دختران را از ۹ سالگی تمرین به روزه‌داری بدهید هر چند که توان روزه کامل ندارند.

مهربانی بوده است. ایشان می‌فرمودند: «به فقرا و مستمندان صدقه دهید، بزرگ‌ترهائیان را احترام کنید و به کودکان محبت بورزید. به خویشان نیکی کنید و زبانتان را حفظ کنید و دیدگانتان را از آنچه گریستن برآن حلال نیست، بیوشانید و گوش‌هایتان را از آنچه شنیدنش حلال نیست باز دارید و به ایام دیگران محبت کنید تا به ایام شما محبت کنند.»

شاید یکی از حکمت‌های پر ثواب بودن افطاری دادن به روزه‌داران، اشاره به همین فایده مهم این ضیافت باشد که رسول اکرم (ص) فرمودند: «ای مردم کسی که مؤمن روزه‌داری را در این ماه افطاری دهد برای او در نزد خدا اجر آزاد کردن یک بنده را خواهد داشت و گناهان گذشته‌اش هم بخشیده گردد» بعضی‌ها گفتند یا رسول‌الله ما توانایی مالی برای افطاری دادن نداریم و پاسخ پیامبر (ص): «حالا که چنین فرصت خوبی برایتان پدید آمده که می‌توانید آن همه گناه خود را با عمل ساده‌ای پاک نمایید پس از آتش عذاب الهی اگر چه با یک دانه خرما یا یک ظرف آب افطاری فاصله بگیرید.»

البته نمی‌دانم گذشتن از یک دانه خرما برای افطاری دادن اینقدر مهم و ارزشمند است -که طبیعی به نظر نمی‌رسد یا خدا می‌خواهد میزان عزیز بودن روزه‌دار را اعلام کند که هرکس به صایم او افطار دهد ولو هر مقدار که کم باشد و به او محبت کند خدا در عوض این همه از گناهان او را می‌آمرزد. دیگر خدا چگونه باید اعلام کند که من مهمان روزه دارم را دوست دارم و او را گرمی می‌دارم؟

با تمام شباهتی که بین رمضان با مهمانی‌های ما وجود دارد، چند تفاوت اصلی بین ضیافت رمضان و باقی مهمانی‌های رایج هست. مهم‌ترین تفاوت این است که رمضان با آن همه لطف و صفا یک مهمانی اجباری است. اما مگر مهمانی هم اجباری می‌شود؟ خدایا! اگر مهمانی داده‌ای، پس دیگر چرا حضور در این مهمانی را واجب کرده‌ای؟

پاسخ این سوال روشن است، گاهی یک رفیقی که خیلی دوست دارد آدم را مهمان کند، انگار می‌خواهد انسان را مجبور کند و اختیار را از انسان سلب کند و او را به زور به مهمانی ببرد. به او می‌گوید: فردا مهمان من هستی، اما و اگر هم ندارد! این اجبار خدا هم از شدت علاقه‌اش است.

اقامت در شهر رمضان

اگر بخواهیم یک کار برای ما سهل شود باید آن را وارد فرهنگ خود کنیم. به عنوان مثال، نحوه غذا خوردن مردم آسیای شرقی که توسط دو چوب است از نظر ما کار خیلی سختی است و چه بسا غیر ممکن باشد اما چون این نحوه غذا خوردن، فرهنگ این مردم است برایشان تبدیل به کار آسانی شده است یا سیزده به در خودمان، که مردم در هر حالی باشند سعی می‌کنند به طبیعت بروند اما همین افراد هفته بعد حوصله بیرون رفتن



مجادله طبّی خواندنی امام صادق(ع) با یک طبیب هندی

غلبه بر طبیب هندی

- چرا بینی میان چشم‌هاست؟
 - چرا سوراخ بینی در زیر آن است؟
 - چرا لب و سیل بالای دهان است؟
 - چرا مردان ریش دارند؟
 - چرا دندان پیشین، تیزتر و دندان آسیاب، پهن و دندان بادم شکن، بلند است؟
 - چرا کف دست‌ها مو ندارد؟
 - چرا ناخن و مو جان ندارند؟
 - چرا قلب مانند صنوبر است؟
 - چرا شش دو تکه است و در جای خود حرکت می‌کند؟
 - چرا کبد (جگر) خمیده است؟
 - چرا دو زانو به طرف پشت خم و تا می‌گردند؟
 - چرا گام‌های پا میان تهی است؟
- طبیب هندی در پاسخ به تمامی پرسش‌های بالا گفت: نمی‌دانم.
- امام فرمود: «من علت اینها را می‌دانم. طبیب گفت: بیان کن.»
- امام فرمود:

- مجموعه به دلیل اینکه میان تهی است، از چند قطعه، آفریده شده است و اگر قطعه قطعه نبود، ویران می‌شد، بنابراین چون چند قطعه است، دیرتر می‌شکند.

- مو در قسمت بالای سر است، چون از ریشه آن روغن به مغز می‌رسد و از سر موها که سوراخ است، بخارها بیرون می‌رود و سرما و گرمایی که به مغز وارد می‌شود، دفع می‌شود.

- پیشانی مو ندارد، برای آنکه روشنایی به چشم برسد.

«می‌پنداری که من این دستورها را از کتاب‌های بهداشته‌ی یاد گرفته‌ام؟» طبیب گفت: آری، امام فرمود: «من اینها را از خدا فرا گرفته‌ام. تو بگو من از جهت بهداشت دانایم یا تو؟» طبیب گفت: البته من. امام(ع) فرمود: «اگر این چنین است من از تو پرسش‌هایی می‌پرسم، تو پاسخ بده.» طبیب گفت: بپرس.

امام صادق(ع) پرسش‌های زیر را از طبیب هندی پرسیدند:

- چرا مجموعه سر چند قطعه است؟
- چرا موی سر بالای آن است؟
- چرا پیشانی مو ندارد؟
- چرا در پیشانی، خطوط و چین وجود دارد؟
- چرا ابرو بالای چشم است؟
- چرا دو چشم، مانند بادم است؟

ربیع حاجب می‌گوید: روزی طبیبی هندی در مجلس منصور کتاب طب می‌خواند، در حالی که امام صادق(ع) در آنجا حضور داشت. چون از قرائت مسائل طب فراغت یافت، به امام ششم(ع) گفت: دوست داری از دانش خود به تو بیاموزم؟ حضرت فرمود: «نه، زیرا آنچه من می‌دانم از دانش تو بهتر است.» طبیب پرسید: تو از طب چه می‌دانی؟ حضرت فرمود: «من حرارت را با سردی و سردی را با گرمی، رطوبت را با خشکی و خشکی را با رطوبت درمان می‌کنم و مسئله تندرستی را به خدا وا می‌گذارم و برای تندرستی دستور پیامبر(ص) را به کار می‌برم که فرمود: «شکم، خانه درد است و پرهیز، درمان هر دردی است و تن را به آنچه خوی گرفته، باید عادت داد.»

طبیب گفت: طب جز این چیزی نیست. امام گفت:





- سیل و لب را بالای دهان آفرید، تا فضولاتی را که از مغز پایین می‌آید، نگه دارد و خوراک و آشامیدنی به آن آلوده نگردد و آدمی بتواند آنها را از آلودگی پاک کند.

- برای مردان محاسن (ریش) را آفرید تا نیازی به پوشاندن سر نداشته باشند و مرد و زن از یکدیگر مشخص شوند. - دندان‌های پیشین را تیز آفرید تا گزیدن آسان گردد و دندان‌های آسیاب را برای خرد کردن غذا پهن آفرید، و دندان نیش را بلند آفرید تا دندان‌های آسیاب را مانند ستونی که در بنا به کار می‌رود، استوار کند.

- دو کف دست را بی‌مو آفرید تا لمس کردن با آنها صورت گیرد. اگر کف دست مو داشت، وقتی انسان به چیزی دست می‌کشد به خوبی آن را حس نمی‌کند.

- مو و ناخن را بی‌جان آفرید، چون بلند شدن آنها زشت و کوتاه کردن آنها زیباست. اگر جان داشتند، بریدن آنها همراه با درد زیادی بود.

- قلب را مانند صنوبر ساخت، چون وارونه است. سر آن را باریک قرار داد تا در ریه‌ها در آید و از باد زدن، ریه خنک شود.

- کبد را خمیده آفرید تا شکم را سنگین کند و آن را فشار دهد تا بخارهای آن بیرون رود.

- خم شدن زانو را به طرف عقب قرار داد تا انسان به جهت پیش روی خود راه رود و به همین علت حرکات وی میانه است و اگر چنین نبود، در راه رفتن می‌افتاد.

- خط و چین پیشانی نیز عرقی را که از سر می‌ریزد، نگه می‌دارد تا وارد چشم‌ها نشود و انسان بتواند آن را پاک کند، مانند رودخانه‌ها که آب‌های روی زمین را نگهداری می‌کنند.

- ابروها بالای دو چشم قرار دارند تا نور به اندازه کافی به آنها برسد. ای طبیب، نمی‌بینی وقتی شدت نور زیاد است، دست خود را بالای چشم‌ها می‌گیری تا روشنی به مقدار کافی به چشم‌هایت برسد و از زیادی آن پیشگیری کنی؟! - بینی بین دو چشم قرار دارد تا روشنایی را بین آنها به طور مساوی تقسیم کند.

- چشم‌ها شکل بادام هستند تا میل دوا در آن فرو برود و بیرون آید. اگر چشم چهار گوش یا گرد بود، میل در آن به درستی وارد نمی‌شد و دوا به همه جای آن نمی‌رسید و بیماری چشم درمان نمی‌شد. - خداوند سوارخ بینی را در زیر آن آفرید تا فضولات مغز از آن پایین بیاید و بواسطه آن بالا رود. اگر سوراخ بینی در بالا بود، نه فضولات از آن پایین می‌آمد و نه بوی چیزی را در می‌یافت.

- پا را از سمت زیر و دو سوی آن، میان باریک ساخت، برای آنکه اگر همه پا بر روی زمین قرار می‌گرفت، مانند سنگ آسیاب سنگین می‌شد. سنگ آسیاب چون بر سر گردی خود باشد، کودکی آن را بر می‌گرداند و هر گاه بر روی زمین بیفتد، مردی قوی به سختی می‌تواند آن را بلند کند.

آن طبیب هندی گفت: اینها را از کجا آموخته‌ای؟ امام (ع) فرمود: «از پدرانم و ایشان از پیامبر (ص) و او از جبرئیل، امین وحی و او از پروردگار که مصالح همه اجسام را می‌داند.» طبیب در آن وقت مسلمان شد و گفت: تو داناترین مردم روزگاری.

راستی چه شگفت‌انگیز است که حضرت صادق (ع) بدون در دست داشتن ابزار امروزی که وسیله شناخت درون و برون انسانند، در گوشه‌ای از شهر «مدینه» برای یک طبیب هندی، شگفتی‌های خلقت انسان را با دلایل محکم بیان می‌فرماید.

منبع: ماهنامه موعود شماره ۱۱۲



هدف عمده این کلینیک‌ها بررسی بیماران مبتلا به دردهای مزمن است. بنابراین، بسیاری از بیماران گرفتار دردهای مزمن، به این مراکز ارجاع می‌شوند.

آشنایی با کلینیک درد

درد از هر طرف درد است

○ یوسف موسوی

بیمار را تجویز می‌کنند.

«» تاریخچه کلینیک‌های درد

سابقه کلینیک‌های درد در جهان به بیش از ۲۵ سال می‌رسد، اما در ایران سابقه ای ۸-۷ ساله دارد.

«» اهداف کلینیک درد

دکتر محمد شریفی عضو انجمن درد و بررسی درد در ایران در یادداشتی می‌نویسد: کلینیک‌های درد مراکزی هستند که با ارزیابی، تشخیص و درمان دردهای حاد و مزمن، به بهبود بیماران دچار درد کمک می‌کنند. هدف عمده این کلینیک‌ها بررسی بیماران مبتلا به دردهای مزمن است. بنابراین، بسیاری از بیماران گرفتار دردهای مزمن، به این مراکز ارجاع می‌شوند.

گرچه به صورت ظاهری، هزینه بررسی بیماران در این کلینیک‌ها کمی بالا به نظر می‌رسد، اما نهایتاً با تشخیص و درمان سریع‌تر، به اقتصاد بیمار و جامعه کمک شایانی خواهد شد.

انجمن دردشناسی آمریکا (American Pain Society) می‌گوید، یک کلینیک درد که بطور صحیح خدمات خود را ارائه می‌دهد، می‌تواند تأثیرات ذیل را از نظر درمانی بوجود آورد:

۱. مصرف دارو را کم نماید (در نتیجه عوارض دارو و هزینه‌های آن کمتر خواهد گردید).

۲. فعالیت عمومی بیمار را افزایش دهد (در نتیجه از ناتوانی و از کار افتادگی بیمار و تبعات آن جلوگیری خواهد شد).

۳. شدت درد بیمار را کاهش دهد (در نتیجه بیمار با آرامش بیشتری زندگی خواهد کرد و اطرافیان بیمار نیز آرامش خواهند داشت).

۴. بازگشت به کار بیمار را حدود ۳۵ الی ۴۵ درصد افزایش دهد (در نتیجه غیبت بیمار از محل کار کمتر خواهد شد و خسارت اقتصادی کمتری به بیمار و محیط کاری او وارد می‌شود).

۵. بیمار کمتر از سیستم درمانی استفاده خواهد کرد (در نتیجه به او و سیستم درمان خسارت کمتری وارد می‌شود).

۶. وضع کلی و روحی بیمار بهبود قابل توجهی خواهد یافت (در نتیجه از افسردگی ناشی از درد کاسته شده و به روحیه بیمار و خانواده او کمک شایانی خواهد شد).

۷. تأثیرات بالینی و اقتصادی مناسبی برای بیمار و در نتیجه، جامعه ایجاد خواهد شد.

دکتر آرمان طاهری فوق تخصص درد، رئیس انجمن اینترونشن درد شاخه ایران نیز می‌نویسد: درد یک تجربه حسی یا احساسی ناخوشایند است که با آسیب بافتی واقعی یا بالقوه همراه است.

علم پزشکی به طرز شگفت‌انگیزی در حال پیشرفت است و خدمات درمانی نیز روز به روز افزایش می‌یابد. تمام تلاش دانشمندان حوزه سلامت خدمت به سلامت بشریت و ارتقاء آن است. امروزه بسیاری از دردهای بی‌درمان به راحتی درمان می‌شود و تخصص‌های این علم روز به روز جزئی‌تر می‌شود و دغدغه‌های بیماران برای درمان کمتر شده است. مراکز درمانی مختلفی در جای جای شهر می‌بینیم که به شهروندان خدمات ارائه می‌دهند. یکی از این مراکز کلینیک‌های درد است که شاید برای خیلی‌ها نام آشنایی نباشد، در این شماره قصد داریم به معرفی این کلینیک بپردازیم.

«» کلینیک درد

کلینیک‌های درد (Pain Clinic) مراکز درمانی هستند که جهت درمان انواع دردهای حاد و مزمن مفصلی، ماهیچه‌ای - استخوانی، سرطانی و سایر انواع دردهای مزمن بنیانگذاری شده‌اند. در کلینیک‌های درد پزشکان فوق تخصصی درد به کمک متخصصین پزشکی ورزشی، طب فیزیکی و توانبخشی و روانپزشک یا روانشناس بالینی تلاش می‌کنند درد بیمار را درمان کنند یا به اندازه‌ای کاهش دهند که بیمار هرچه بیشتر به توانایی پیشین خود بازگردد و شرایط زندگی راحت‌تر برای بیمار فراهم گردد. در کلینیک‌های درد نخست پزشکان فوق تخصص درد با انجام ارزیابی و معاینه دقیق، علت درد بیمار را شناسایی می‌نمایند و سپس تلاش می‌کنند با ترکیبی از

درمان‌های دارویی، درد بیمار را کاهش دهند و در صورت نیاز با تغییر میزان و نوع داروی مصرفی نتیجه بهتری ایجاد نمایند. در صورت نرسیدن به نتیجه مناسب، گام بعدی درمان‌های مداخله‌ای (Interventional) هستند. این درمان‌ها در اتاق عمل استریل و با راهنمایی فلوروسکوپی و پرتونگاری انجام می‌شوند تا دقت و ایمنی افزایش یابد.

پس از کنترل کامل یا نسبی درد، بیمار به همکاران پزشکی ورزشی یا طب فیزیکی و توانبخشی معرفی می‌گردد تا با دریافت نسخه‌های ورزشی، توانایی‌های بدنی وی بهبود یابد.

در مرحله بعد، همکاران متخصص روانپزشک یا روانشناس بالینی بیمار را ویزیت نموده اقدامات یا درمان‌های لازم برای بهبود وضعیت روحی-روانی





نگیرد. استفاده از عمل‌های جراحی مداخله‌ای یا اینترنشنال در این رشته سبب می‌شود تا بافت‌های طبیعی بدن تا حد ممکن دستکاری نشوند. در زمینه درمان درد در صورت لزوم از تخصص‌های دیگر پزشکی کمک گرفته می‌شود. در واقع درمان صحیح درد مزمن همواره حالت چند جانبه دارد و استفاده از روش‌های مختلف موفقیت را افزایش خواهد داد.

شیوه‌های کنترل درد

دکتر همایونی در مورد شیوه‌هایی که برای کنترل درد در کلینیک درد استفاده می‌شود، گفت: برخی از این موارد عبارتند از: استفاده از دستگاه‌های لیزر و مگنت و فیزیوتراپی و همچنین روش‌هایی مانند مانیپولاسیون (مانورهای خاصی که با دست انجام می‌شود، مانند جا انداختن مفاصل نیمه در رفته)، ماساژ درمانی، طب فشاری، طب سوزنی، تزریق در نقاط دردناک، تی پینک (استفاده از چسب‌های مخصوص)، آموزش ورزش درمانی، تجویز آب درمانی و آموزش‌های لازم برای تغییر شیوه زندگی.

کلینیک‌های درد

در ایران چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی کلینیک‌های درد بسیاری در حال فعالیت هستند. اما یکی از بهترین کلینیک‌های درد، کلینیک درد بیمارستان خاتم‌الانبیا است که از سال ۸۳-۸۲ کار خود را به منظور خدمت به جانبازان و معلولین با بهره‌گیری از بهترین متخصصان کشور آغاز کرد. و مسئولین این بیمارستان مدعی هستند که بهترین کلینیک درد در جهان را دارا هستند.

- دردهای لگنی و ناحیه نشیمنگاه
- دردهای عضلانی اسکلتی در اندام‌ها
- دردهای مزمن به دنبال اعمال جراحی در نواحی مختلف بدن
- درد پاها در بیماران دیابتی
- درد مزمن به دنبال بیماری زونا
- درد به دنبال قطع عضو در نواحی مختلف بدن
- درد اندام‌ها ناشی از اختلالات عروقی و خون‌رسانی ناکافی
- دردهای ناشی از سرطان‌ها در نواحی مختلف بدن از جمله احشای داخل شکمی و لگنی

یک سوال

دکتر مجید حیدریان، فوق تخصص درد در پاسخ به این سوال: آیا شما قبل از به کارگیری روش‌هایی برای تسکین درد بررسی‌هایی در زمینه شناسایی و برطرف کردن علت درد دارید؟

می‌گوید:

درد یک حس ناخوشایند است که از یک آسیب خبر می‌دهد. اقدامات انجام شده در رشته درد در جهت پاک کردن صورت مساله نیست. ما تصمیم به تشخیص کنترل و درمان علتی داریم که درد را ایجاد نموده است. به همین دلیل بیماران مراجعه‌کننده به کلینیک درد به دقت معاینه می‌شوند و در صورت لزوم اقدامات تشخیصی مانند رادیو گرافی- ام آر آی-آزمایشات و... درخواست می‌گردد. پس از مشخص شدن علت درد برنامه‌ریزی جهت درمان آن انجام می‌شود. تفاوت روش انتخابی برای درمان درد در مراجعه بیماران به این کلینیک‌ها با سایر تخصص‌ها نحوه بررسی درد و تمرکز بر پایه روش‌های درمانی است که حتی الامکان بیمار تحت جراحی باز قرار

نگیرد. اما عدم کنترل مناسب آن می‌تواند درد را از یک علامت به یک بیماری تبدیل کند.

با مراجعه بیمار به کلینیک درد پس از انجام معاینات کامل و در صورت نیاز اقدامات تشخیصی، سعی در شناسایی و برطرف کردن عامل ایجاد درد می‌شود.

با توجه به گستردگی مفهوم درد و بیماری‌های ایجاد کننده آن روش کار در کلینیک درد بصورت "چند تخصصی" است. بدین معنی که در واقع از مشاوره و همکاری سایر رشته‌های تخصصی بهره گرفته می‌شود.

مشخص شده است که این روش بهترین نتیجه و بیشترین سود را برای بیمار به ارمغان خواهد آورد. در کلینیک درد روش‌های متنوع درمانی برای بیماران قابل انجام است که به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

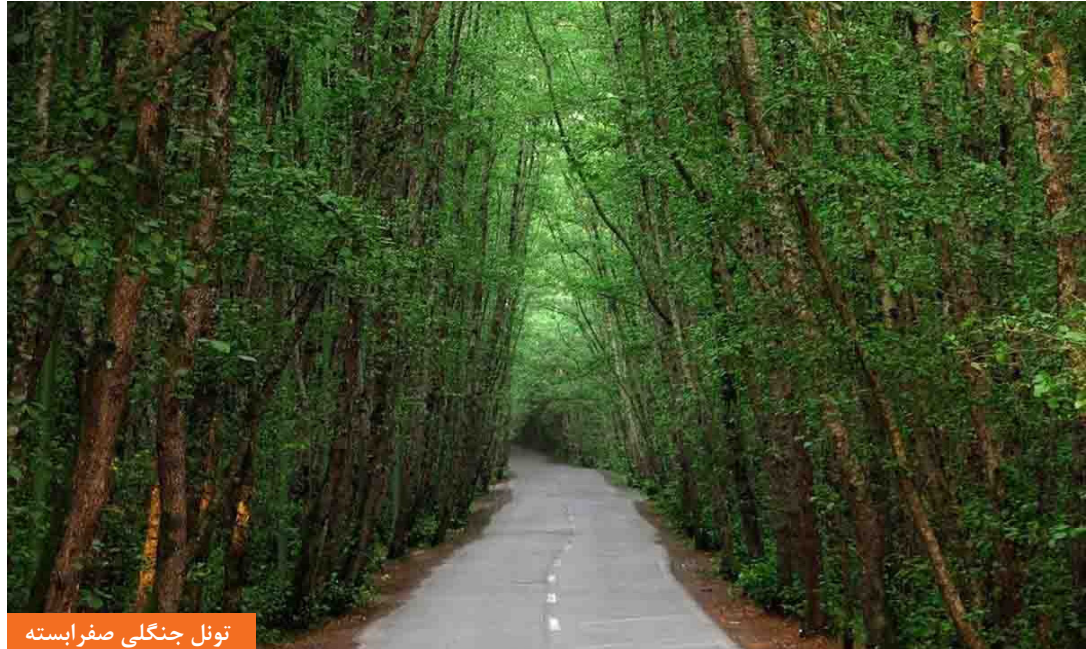
درمان‌های دارویی، رفع فشار و التهاب از روی اعصاب یا شبکه‌های عصبی، کنترل و محدود کردن فعالیت بیش از حد اعصاب سمپاتیک (گروهی از اعصاب خودکار در بدن)، تزریقات در نقاط حساس عضلانی اسکلتی، روش‌های متنوع درمان فیزیکی و توانبخشی، روش‌های شناختی- رفتاری. این روش‌ها به طریقه غیرجراحی، بدون نیاز به بیهوشی و با استفاده از بی‌حسی موضعی و به صورت سرپایی انجام خواهند شد.

انواع دردهایی که در کلینیک مورد بررسی و درمان قرار می‌گیرند

- انواع سردردها و دردهای صورت
- دردهای گردن و شانه
- انواع کمر درد



آرامگاه آقا سید جلال الدین اشرف



تونل جنگلی صفرابسته

آستانه اشرفیه، بارگاه کرامت

شهرستان آستانه اشرفیه از شهرستان‌های استان گیلان در شمال ایران است. این شهر را در گذشته کوچان می‌نامیدند که پس از تدفین پیکر سید جلال‌الدین اشرف پسر امام موسی کاظم (ع) در این شهر نام آن به درگاه (آستانه) ورود به بارگاه سید جلال الدین اشرف یا "آستانه اشرفیه" تغییر یافت. آب و هوای آستانه مانند دیگر نقاط گیلان از نوع آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای با رطوبت کمی بیشتر می‌باشد. در بعضی از سال‌ها، چنانچه توده هوای سرد شمال، این ناحیه را تحت تأثیر قرار دهد، نظم و اعتدال چند ساله به هم خورده و شدت سرما، زیاد می‌شود. از محصولات زراعی این شهرستان می‌توان بادام زمینی که در واقع مرغوبترین بادام ایران است، انواع برنج‌های معطر و طارمی، دمسپاه و...، گوجه سبز و تخمه آفتابگردان و مرکبات نام برد. به دلیل کیفیت و سبکی خاک این منطقه که بیشتر حاصل رسوبات سفیدرود است هویج نیز از محصولات آن است. این شهرستان از مراکز عمده تولید فلفل سبز است. ضمناً این شهرستان دارای نوعی کدو تنبل است که از نظر ارزش تغذیه در سطح بالایی قرار دارد. آستانه اشرفیه از مراکز اصلی تولید نهال صنوبر است. همچنین صید ماهی در دهستان دستک و بندر کیشهر در سواحل خزر رونق فراوان دارد.

بزرگان علمی و دینی و هنری آستانه اشرفیه
دکتر محمد معین، آیت‌الله وحید، دکتر دشتستانی، آیت‌الله امینیان، آیت‌الله زین‌العابدین قربانی.

اماکن دیدنی

پارک ساحلی آستانه اشرفیه، پارک ملی بوجاق بندر کیشهر، پارک جنگلی بندر کیشهر، آرامگاه آقا سید جلال‌الدین اشرف، بقعه‌های آپیر جنگلی آقا سید حسن، آقا سید حسین و امامزاده محمد، بقعه‌های آقاسید محمد کماچال، آرامگاه دکتر محمد معین، پل چوبی کیشهر، پل خشتی نیاکو و کیسم، تونل جنگلی صفرابسته، سواحل دستک، منطقه ی زیبای عسگر آباد دهکاء، بازار هفتگی، گلزار شهدای استان اشرفیه



آرامگاه دکتر محمد معین



بازار هفتگی

پل خشتی نیاکو و کیسم





پارک ملی بوجاق بندر کباشهر



گلزار شهدای آستان اشرفیه



پارک جنگلی بندر کباشهر



پل چوبی کباشهر





گفتگو با پدر و مادر شهیدان عباس، احمد و محمود میرمحکم

مادر! شانه‌ام را ببوس

○ سیده زینب اسکندریان

حضورش در جبهه کم بود. فقط یک‌بار به مرخصی آمد.

شهادت احمد؟

پدر: ۱۸ سالش بود که برای دومین بار به جبهه اعزام می‌شد. احمد و محمود، در عملیات فاو حضور داشتند. محمود در عملیات چشمش مجروح شد و احمد او را سوار قایق می‌کند، او را به عقب برمی‌گرداند و خودش به خط مقدم برمی‌گردد. در آخرین پاتک‌های «ام‌القصر»، ترکش به زیر جمجمه‌اش اصابت می‌کند و احمد شهید می‌شود.

چطور از شهادت احمد مطلع شدید؟

پدر: دوستش «عباس کاشی» به ما خبر شهادتش را داد. بدنش صحنه و سالم بود. وقتی جنازه را تحویل گرفتم دنبال این می‌گشتم که کجای بدنش تیر خورده. وقتی دست کشیدم پشت سرش، دستم خونی شد. محمود در بیمارستان «لیافی‌نژاد» بستری بود که به او خبر شهادت احمد را دادیم.

برویم سراغ شهید دوم خانواده، آقا محمود ...

پدر: محمود چهارمین فرزند خانواده که در سال ۱۳۴۴ متولد شد. محمود در مدرسه «۲۵ شهریور» درس می‌خواند اما چون به هنرستان علاقه داشت به «هنرستان تهران» رفت، او دانشگاه سمنان هم قبول شد اما طولی نکشید که درس را رها کرد و به جبهه رفت.

از فعالیت‌های محمود بگویید؟

پدر: همه بچه‌هایم با مسجد ارتباط داشتند اما محمود فعالیت بیشتری داشت. او فرمانده بود و تمام بچه‌های محل را می‌برد کوه‌های افسریه آموزش می‌داد و تمرین تیراندازی می‌کردند.

از حضور محمود در جبهه برایمان تعریف کنید؟

با گذشت سی و شش سال از دفاع مقدس، هنوز کشورمان میزبان پدر و مادرانی است که سال‌های عمر خود را با خاطرات شیرین دردانه‌های خود سپری می‌کنند. اینان قهرمانان واقعی هستند که این جدایی را با جان دل تحمل کرده‌اند و سخن‌شان این است که فرزندم فدای امام حسین (ع). در این شماره افتخار هم‌صحبتی با پدر و مادر شهیدان عباس، احمد و محمود میرمحکم داشته‌ایم.

بود. خانواده میرمحکم افتخار تربیت و پرورش سه شهید را دارند.

احمد آقا اولین شهید خانواده میرمحکم هستند، از ایشان بگویید؟

پدر: احمد پنجمین فرزند خانواده در سال ۱۳۴۶ به دنیا آمد. با سن کمی که داشت مسجد رفتن را ترک نمی‌کرد و بیشترین وقتش را در مسجد سپری می‌کرد.

احمد تا چه مقطعی ادامه تحصیل داد؟

پدر: احمد و محمود هر دو در مدرسه «۲۵ شهریور» بودند بعد از گرفتن دیپلم. گفتن رفتن به جبهه واجب‌تر است و ادامه تحصیل را رها کردند. و به جبهه رفتند.

از حضور احمد در جبهه بگویید؟

پدر: احمد با همان سن کم‌اش در گردان عمار، لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله خط‌شکن شد. زمان

محمد میرمحکم در سال ۱۳۱۱ در محلات به دنیا آمد. پدرش کشاورزی مؤمن بود که در گرمای تابستان روزهای مستحباتش را ترک نمی‌کرد. و در ۱۲۰ سال زندگی‌اش همیشه وجود خدا را به فرزندانش یادآوری می‌کرد. محمد تا ۱۸ سالگی همپای پدر کشاورزی می‌کرد؛ اما بعد از آن برای زندگی و کار در کنار دایی‌هایش که همگی معمار بودند به تهران مهاجرت کرد. بعد از مدتی داوطلبانه به خدمت سربازی اعزام شد، بعد از ۲ سال سربازی در یک مغازه آهنگری مشغول به کار شد. گروه «فداییان اسلام» هم در این مغازه رفت و آمد داشتند و همین زمینه‌ای شد تا وارد این گروه شود و فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد. بعد از آهنگری به واسطه آقای «احمد کاشانی» فرزند آیت‌الله کاشانی در قسمت تاسیسات راه‌آهن مشغول کار شد و ۲۵ سال در راه‌آهن خدمت کرد. در سن ۲۲ سالگی با دختر عموی خود زندگی مشترکشان را آغاز کردند. حاصل این ازدواج پنج فرزند پسر و یک دختر

خواستم صورتش را ببوسم، گفت: «نه مادر! شانهام را ببوس، می‌ترسم مهر مادری‌ات غلبه کند و نتوانم بروم و بعدا جواب حضرت زهرا(س) را نمی‌توانیم بدهیم.» من خندیدم او هم خندید. وقتی هم جنازه‌اش را آوردند انگار هنوز می‌خندید

از لحظه خداحافظی با فرزندان تا خاطره‌ای دارید؟

مادر: یکی از ماندگارترین خاطرات عمرم لحظه خداحافظی با احمد بود که هیچ وقت فراموش نمی‌کنم. روزی که داشت می‌رفت خواستم صورتش را ببوسم، گفت: «نه مادر! شانهام را ببوس، می‌ترسم مهر مادری‌ات غلبه کند و نتوانم بروم و بعدا جواب حضرت زهرا(س) را نمی‌توانیم بدهیم.» من خندیدم او هم خندید. وقتی هم جنازه‌اش را آوردند انگار هنوز می‌خندید.

آمادگی برای شنیدن خبر شهادتشان را داشتید؟

مادر: شب قبل از شهادت همه‌شان، من خوابشان را می‌دیدم و همین برای آماده شدن من کافی بود. قبل از شهادت محمود خواب دیدم، دارد سینه‌خیز می‌رود، گفتم: «اینجا بیابان است کجا می‌روی؟» گفت: «باید بروم.»

شب قبل از شهادت عباس هم در خواب خانمی را با چادر مشکی دیدم، یک روسری بست سرم و گفت: «شما مادر سه شهید هستی. جنازه هایشان را خودم در قبر گذاشتم.»

هر چند فرزندانم را به اندازه جانم دوست داشتم اما خداوند صبری به من عطا کرد که در فراق آن عزیزان خم به ابرو نیاوردم.

مزار بچه‌ها کجاست؟

مادر: قطعه ۵۳ بهشت زهرا.

در برابر شهادت سه پسر تان، احساس ناراحتی نداشتید؟

پدر: خداوند به من شش امانت سپرد که سه امانت را از من پس گرفت و من که امانتدار خوبی بودم چرا باید ناراحت شوم. افتخار ماست که در راه دفاع از انقلاب و آرمان‌های آن قدم بگذاریم و جان فدا کنیم.

جنازه هر کدامشان را که جلویمان گذاشتند گفتیم خدایا راضی‌ام به رضای تو.

هوایی را برعهده داشت، با شلیک گلوله‌های دشمن از ناحیه هر دو کلیه مجروح شد.

شهادت عباس

پدر: بعد از تحمل ۶ سال رنج جانبازی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۶، در محل کار حالش بد می‌شود و او را سریع به بیمارستان می‌برند. که همانجا به مقام والای شهادت نائل آمد.

حاج خانم، نحوه تربیت شما چگونه بود که سه فرزندان به مقام والای شهادت رسیدند؟

مادر: از همان اول آن‌ها را با مسایل مذهبی و هیئت و مسجد آشنا کرده بودیم. جلسات مذهبی من ترک نمی‌شد و دائم به مسجد می‌رفتم. هر وقت پدرش می‌ایستاد برای نماز خواندن، عباس و اصغر می‌ایستادند کنار دستش و نماز می‌خواندند البته فقط دولا و راست می‌شدند. تمام تلاشم را می‌کردم که همه فرزندانم را به نحوه احسن تربیت کنم که موجب افتخارم شوند.

از کودکی فرزندان تان بگویند؟

مادر: چون پسر بودند شیطنتهای خاص خودشان را داشتند. داخل کوچه بازی می‌کردند و گاهی با توپ شیشه‌های مردم را می‌شکستند، همسایه‌ها می‌آمدند در خانه و شکایت می‌کردند. با همان سن کم‌شان پول جمع می‌کردند و شیشه می‌گرفتند تا شیشه را عوض کنند. کافی بود ناراحت شوم می‌آمدند و بوسه‌بارانم می‌کردند. در کارهای خانه کمکم می‌کردند. تمام تلاششان این بود تا ناراحتی را فراموش کنم.

از رفتن بچه‌ها به جبهه ناراحت نمی‌شدید؟

مادر: هر مادر در این مواقع بخاطر احساس مادرانه‌اش ناراحت می‌شود اما می‌گفتند: «مگر دوست نداری کربلا بروی؟ ما می‌خواهیم راه کربلا را باز کنیم.» اگر باز ناراحت بودم، می‌گفتند: «اگر ما نرویم بعدا جلوی حضرت فاطمه(س) چه جوابی می‌دهی؟» با همین حرف من قانع می‌شدم.

پدر: محمود به خاطر احساس تکلیفش به انقلاب دانشگاه خود را رها کرد و به جبهه رفت. در عملیات والفجر ۸ جانباز شد، بعد از بهبودی برادرش اصغر، که ۸ سال در کردستان بود. به محمود زنگ زد که برای ساخت پادگان احتیاج به نیروی کمکی داریم. که محمود راهی جبهه شد. البته ۶ ماه قبل از شهادت ۴۵ روز در پادگان آموزشی «کامیاران» مسئول آموزش بود. به همراه یکی دیگر از دوستانش قسمت آموزش پادگان را راه اندازی کردند و رفتند. سپس و در سال ۶۵ در عملیات کربلای ۵ در شلمچه به شهادت رسید.

آخرین دیدار با محمود را به خاطر دارید؟

پدر: وقتی محمود داشت برای آخرین بار به راه‌آهن می‌رفت، من از شهریار برمی‌گشتم. با خودم دو گونی سیب آورده بودم. گفتم: «بابا کجا می‌روی؟ تو چشمات را از دست دادی»، گفت: «اگر اجازه بدهی این دفعه آخر است، بگذار بروم.» گفتم پس یکی از این کیسه سیب‌ها را هم ببر تا بچه‌ها بخورند، گفت این خیلی زیاد است، بعد در کیسه را باز کرد، یک سیب قرمز برداشت و انداخت بالا. گفت: «بابا دیدی چقدر قشنگه؟» گفتم آره گفت: «دیگه نمی‌بینی!» از حرفش چیزی متوجه نشدم. خداحافظی کرد و رفت. بعدا فهمیدم همان روز، قبل از رفتن، استخاره گرفته بود که آیه شهادت برایش می‌آید.

از عباس، فرزند اولتان و سومین شهید خانواده میرمحکم بگویند؟

پدر: عباس فرزند بزرگمان بود که در سال ۱۳۳۶ به دنیا آمد. آدم بسیار آرام و غیرتی بود. در مدرسه «دهخدا» که انتهای خیابان «نبرد» بود درس می‌خواند. عباس دیپلمش را گرفت در گل‌فروشی که در چهار راه «وحدت» داشتم کار می‌کرد. اولین دفعه‌ای که رادیو اعلام نیاز کرد برای اعزام به جبهه، عباس فوراً رفت. به تپه قوچ علی اعزام شد و من هم به کرمانشاه رفتم.

شما در جبهه حضور داشتید؟

پدر: بله، با جهادسازندگی همکاری داشتم و معمولاً به ایلام و کرمانشاه اعزام می‌شدیم. معمولاً بچه‌ها که اعزام می‌شدند منم در مناطق جنگی بودم.

از مجروحیت عباس چطور مطلع شدید؟

پدر: در کرمانشاه بودم که خبر دادند عباس مجروح شده و کلیه‌هایش را از دست داده، بعدا از شنیدن خبر به تهران برگشتم.

عباس از نحوه مجروحیتش برای شما چیزی تعریف کرد؟

پدر: عباس و همزمانش در منطقه‌ای بودند که شهید کشوری با هلی‌کوپتر برایشان غذا می‌برد، بعد از اینکه ایشان شهید می‌شوند کسی برای آن‌ها تا چند روز غذا نمی‌برد و آن‌ها در این مدت برف و بلوط می‌خورند. عباس مسئولیت پدافند



اصل برای من گرفتار شدن در چنبره شغل محافظ نبود. بلکه پی یک مفهوم جهان شمول تر و عام تر بودم. یعنی وقتی دفاع می‌کنیم، دفاع از آن کسی است که، شخصیت نظام را متجلی می‌کند

تحلیل فیلم بادبگارد از زبان ابراهیم حاتمی‌کیا

بادبگارد از نگاه کارگردان

شخصیت نظامی است که در این نظام کار می‌کند. «تردید» حاج حیدر به دلیل همراهی نکردن روحش با وظیفه اش بود.

اما به نظر می‌رسد حاج حیدر با یک بازیابی به نتایج روشن تری می‌رسد و دریافت دقیق تری پیدا می‌کند و بعد از رسیدن به این دریافت بالاخره آسوده می‌خواهد. توضیحی در این مورد بفرمایید؟

یک اتفاقی اول فیلم رخ می‌دهد که حاج حیدر می‌گوید من دست تنها هستم و نباید هلی‌کوپتر فرود بیایید و کنترل اوضاع سخت است. گوش نمی‌کنند و در آخر هم آن اتفاق رخ می‌دهد.

آنچه که انتظار است، این است که حاج حیدر باید سر و صدا راه می‌انداخت و در نتیجه آن، این اتفاق نباید رخ می‌داد و اشکال از دیگران بود ولی او به خودش برمی‌گردد که نه من نتوانستم به وظیفه‌ام درست عمل کنم. این لایه اول است.

ولی لایه دوم این است که حاج حیدر می‌پرسد چرا نتوانستم این کار را انجام بدهم؟ یک جا احساس کردم (حاج حیدر احساس کرد) که روحم (روح حاج حیدر) نمی‌خواهد یا او هماهنگی کند. وقتی گلوله‌ها و ترکش آمد ناخودآگاه من (حاج حیدر) آن شخصیت را جلوی خودش گرفت.

اتفاقاً در نامه ای که می‌نویسد این را به عنوان یک خوداظهاری می‌گوید و اینکه من با این نزول درجه باید کنار بروم. فرمانده‌اش می‌گوید که اینها احوالات شخصی است و بین خودت و خدای توست. این مسائل را وارد کار حرفه‌ای نکن و لازم نیست بازش کنی. اتفاقاً بحران و نقطه داغ قصه من، همین است که شخصیت قصه من، در یک لحظه ناخودآگاهش یک عمل دیگری می‌کند؛ نه خودآگاهش؛ نه تحلیل سیاسی صرفش؛ بلکه جانش که باید واکنش نشان دهد این گونه می‌کند. مثل اینکه جسم داغی را به دست تو نزدیک کنم، تو فکر نمی‌کنی که تصمیم بگیری که حالا چه کنم؟ بلکه غریزه عمل می‌کند.

در این قضیه هم این شده که وجه عرفانی، معرفتی و ناخودآگاه حاج حیدر عمل می‌کند و خودش از این وضع حیرت می‌کند و می‌پرسد چرا به این وضع دچارم؟ برای اینکه دیگر اتفاق نیفتد می‌گوید من را از این مقام بردارید که من کنار بایستم چون من نمی‌توانم آنها را نگه دارم.

رستگاری این آدم در جایی است که با میثم (با بازی بابک حمیدیان) می‌رسد و در موقعیت برخورد با او قرار می‌گیرد و می‌فهمد که اگر به جایش برسد، پای آنچه که باید، هم جانش را می‌دهد. او همچنان فدایی است و خودش را فدایی می‌داند ولی بیرون باید یک چیزی رخ

– با توجه به صحبت‌هایی که گفته شد، «بادبگارد» نوع حرفه‌ای‌اش – professional – است. لفظ دیگرش مزدور است. در حالیکه ما باید ایمان داشته باشیم و اگر این اعتقاد گرفتار و دچار شک شود، مسأله پیدا می‌کنیم. برای برخی مسئولان، نگاه حرفه‌ای دردرسش کمتر از نگاه اعتقادی است؟

آفرین. این همان چالشی است که درون سازمانی هم هست. یعنی سازمان‌ها به دلایل کاری‌شان با این چالش مواجه هستند. مثل همان زمانی که در سپاه بحث درجه دادن، مطرح شد و یک اختلاف دیدگاهی درباره‌اش ایجاد شد.

این چالش فیلم من است. این برخوردی که بین قیصری (با بازی فرهاد قائمیان) و حیدر (بابازی پرویز پرستویی) خودمان شکل می‌گیرد که در فیلم هم از خودش به عنوان «کنترل‌چی» تعبیر می‌کند.

– شخصیت مسئول نظام با شخصیتی که در نظام مسئولیت دارد، دوتا است. آنچه از برخوردها و حرفه‌های حاج حیدر دیده می‌شود نمونه بارز آن است. حاج حیدر همراه با عالم سیاست است ولی اینجا دوگانگی وجود دارد. انگار حاج حیدر تفاوتی قائل است بین اینکه از شخصیت نظام دفاع می‌کند یا از یک شخصیت سیاسی.

این همان بحث دوگانگی است که گفتیم. دوگانه بودن‌ها درباره مفهوم شخصیت. یکی شخصیت به مفهوم انسانی که شخصیت نظام است یا اینکه شخصیت به مفهوم فردیت. حاج حیدر به این می‌رسد که من دارم جسم نظام را مراقبت می‌کنم یا روحش را؟ همان دوگانه مصطلح حقیقی و حقوقی.

با پرویز پرستویی در اجرای این دیالوگ بحث کردیم که تأکید روی کدام آکسان (تأکید لفظی) باشد که بگوید «شخصیت» نظام یعنی شخصیت خود نظام یا مطلوب نظام یا «شخصیت» نظام یعنی صرفاً شخصیتی که در این نظام مسئولیت دارد.

اصل برای من گرفتار شدن در چنبره شغل محافظ نبود. بلکه پی یک مفهوم جهان شمول تر و عام تر بودم. یعنی وقتی دفاع می‌کنیم، دفاع از آن کسی است که، شخصیت نظام را متجلی می‌کند. یا او صرفاً

«یک جا احساس کردم (حاج حیدر احساس کرد) که روحم (روح حاج حیدر) نمی‌خواهد با او هماهنگی کند. وقتی گلوله‌ها و ترکش آمد ناخودآگاه من (حاج حیدر) آن شخصیت را جلوی خودم گرفتم.»

این جمله‌ای است که ابراهیم حاتمی‌کیا، کارگردان «بادبگارد» در پاسخ به یک سؤال به زبان می‌آورد.

ناخودآگاه بدون آنکه بدانند، نه پشت سر حیدر که دقیقاً در جای او می‌ایستد و می‌گوید: «یک جا احساس کردم که روحم نمی‌خواهد با او هماهنگی کند. وقتی گلوله‌ها و ترکش آمد ناخودآگاه من آن شخصیت را جلوی خودم گرفتم.» و این شاید واضح‌ترین توصیف برای توصیف وضعیت هجدهمین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیاست. کارگردان، فیلمی ساخته است و در توصیف شخصیت اولش از ضمیر «من» استفاده می‌کند و این در دوران جدید، در دوران جدید حاتمی‌کیا، گزاره خوبی است برای اینکه نشان‌مان دهد حاتمی‌کیا به چه فکر می‌کند.

– دو قطبی‌ها از همان ابتدا با جدال بر سر معنای متفاوت «بادبگارد» – محافظ – آغاز می‌شود و در نمونه‌های دیگری مانند «حیدر – قیصری»، «نامزد میثم – مادر میثم» و ... ادامه پیدا می‌کند. این نگاه و تعریف از کجا شکل گرفت؟ قدری درباره این فضا صحبت کنید؟

این را از خود بچه‌های محافظ گرفتم و می‌گفتم فرق شما با بقیه محافظ‌ها در چیست؟ اینکه مثلاً در یک کنفرانس عمومی، هر کشوری برای خودش محافظ‌هایش را می‌آورد. سؤال این بود که فرق محافظ‌های ما با محافظ‌های آنها چیست؟ می‌گفتند که آنها بادبگارد حرفه‌ای هستند و انتخاب می‌شوند و اصطلاحاً لژیونری بودند برای خودشان و تمام تلاششان را هم می‌کردند از آن چیزی که وظیفه دارند، پاسداری کنند.

لژیونما هم اعتقادی به آن چیزی که از آن دفاع می‌کنند، نداشتند. اما کاری که ما می‌کنیم این نیست و در واقع اعتقاد به دفاع و پاسداری است که از آن شخصیت دفاع می‌کنیم و بابت چیزی باید کشته بشویم که به آن اعتقاد داریم. اگر این نسبت ایجاد نشود، دچار گیجی می‌شویم.

گفتم چون هوایی می‌شوم، وقتی می‌بینم که بچه‌ها سوریه می‌روند و وقتی خبرش را شنیدم، غصه برم داشت. سر فیلم «هویت» ۶۵ همین غصه بود. دقیقا خجالت کشیدم که فیلم من در جشنواره فجر بود و همه بچه‌ها به منطقه رفته بودند. عملیات کربلای ۵ بود. ۲۳ بهمن یعنی روز بعد از جشنواره رفته منطقه

- گفته شده بادیگارد مقابل مردم است

این فراکنی دوستانی که است حالا، به مردم فکر می‌کنند. سر آژانس هم، همین بحث را راه انداختند. این‌ها می‌گویند ایدئولوژیک فیلم نسازید یا می‌گویند آدم ایدئولوژیک فیلمساز فاسدی می‌شود و فیلمساز خوبی نیست. ولی تماما تفکر ایدئولوژیک در «قلم» دارند.

وقتی می‌خواهند یک فیلمی مثل آژانس شیشه‌ای را توصیف کنند می‌گویند این فیلم جلوی مردم ایستاده است. در حالی که می‌گویم که شما حداقل اول این فیلم را به عنوان فیلم بودن تعریف کن و بگو این تخصصش است و این فیلم، ساختار درست سینمایی دارد، بعد به انتقاد بشین.

نمی‌خواهم آژانس را با بادیگارد مقایسه کنم. اما احساس می‌کنم دنیای آرمانی حاج حیدر و حاج کاظم، وجوه مشترک بسیاری دارند. این دنیای آرمانی دشمنان بسیاری دارد.

جمهوری اسلامی ایران بیشتر از هر چیز به حاج حیدرها نیاز دارد. بابت این موضوع باید خون داد. برای چنین امری باید حاج حیدری فدا شود تا بگوید این راه باز است و این راه بسته نیست. همیشه باید باشد و اگر نباشد فساد می‌شود. این همان چیزی است که حیدر می‌گوید. او می‌گوید می‌ترسم این کشتی سوراخ شود.

ندارد اما استقلال دارد از آدم‌هایی که می‌خواهند از این نظام و موقعیت‌هایی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، سوءاستفاده کنند. او برای رسیدن به آرمانش باید مستقل باشد. آرمان‌خواهی او اگر گرفتار وابستگی‌ها شود، دچار اختلال و انحراف می‌شود. اما این استقلال و مستقل بودن، هزینه مادی و معنوی زیاد دارد. تلقی من این است که خود شما هم چنین فردی بودید و در این مسیر خیلی هزینه دادید.

آدمی که در این موقعیت باشد، احساس تنهایی می‌کند. هیچ کسی این تراز از آرمان‌خواهی، این سطح از مطالبه‌گری و ... را نمی‌فهمد مگر فردی مانند شهید سید مرتضی آوینی، فردی که در این مسائل خودش چند قدم از بقیه جلوتر باشد. اتفاقا همین تنهایی برای خود شهید آوینی هم پیش آمد.

- امروز دیدم که متأثر از این فضا به سوریه هم گریز زدید.

گفتم چون هوایی می‌شوم، وقتی می‌بینم که بچه‌ها سوریه می‌روند و وقتی خبرش را شنیدم، غصه برم داشت. سر فیلم «هویت» ۶۵ همین غصه بود. دقیقا خجالت کشیدم که فیلم من در جشنواره فجر بود و همه بچه‌ها به منطقه رفته بودند. عملیات کربلای ۵ بود. ۲۳ بهمن یعنی روز بعد از جشنواره رفته منطقه.

بدهد. اتفاقا جایی که از میثم دفاع می‌کند مسئولیت رسمی ندارد و همه چیزهایش را هم گرفتند.

این نوع نگاه مقداری هزینه‌دار هم هست. نگاهی که حاج حیدر پشتش ایستاده است هم بین طرفدارهایش و هم بین مخالفانش هزینه‌دار است. کسی اگر بخواهد در این مسیر بیاید، نباید رنگ تعلقات بگیرد. تعلقاتی که میان این جریان و آن جریان دیگر وجود دارد، وابستگی‌هایی که مانع این مسیر هست نباید داخل شود و او فقط باید بر باور راستین متکی باشد.

- می‌گویند حاتم‌کیا فیلم‌هایش را بر اساس نگاه خود به جریان و یا دیدگاه خاصی می‌سازد. آیا این صحت دارد؟

اگر این فرض را بپذیریم که فیلم‌هایی که ساختم محاکات فردی من نسبت به زمان و آن چیزی که اتفاق می‌افتد، است؛ اصرار دارم که این اتفاق بیافتد. مُصرم که هیچ جناح و جریان مشخصی آن را به نفع خودش مصادره نکند. این یک مفهوم کلی است و توجه به آن برای کل کشور و نظام ضروری است. این مفهوم اگر کلی باشد، ارزش است و این جناح و آن جناح نباید آن را مصادره کنند. حاج حیدر آدمی است که استقلال از نظام



زندگی زیباست اما شهادت از آن زیباتر است. سلامت تن زیباست اما پرنده عشق، تن را قفسی می‌بند که در باغ نهاده باشند. مگر نه آنکه گردن‌ها را باریک آفریده‌اند تا در مقتل کربلای عشق، آسانتر بریده شوند؟ و مگر نه آنکه از پسر آدم، عهدی ازلی ستانده‌اند که حسین را از سر خویش بیشتر دوست داشته باشد

جنگ پایان گرفته بود و مرتضی آوینی تصمیم گرفت مجموعه‌ای ده قسمتی به نام "شهری در آسمان" بسازد. نگاه دوربین سید به قلب دفاع مقدس و پایتخت دفاع یعنی خرمشهر چرخیده بود و او تصمیم گرفت روایت محاصره، سقوط و فتح خرمشهر را بسازد.

سید در خاطراتش همیشه از خرمشهر گفته بود به خصوص اوایل جنگ و مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر: "وقتی به خرمشهر رسیدیم هنوز خونین‌شهر نشده بود شهر هنوز سرپا بود، اگرچه احساس نمی‌شد که این حالت زیاد پر دوام باشد، و زیاد هم دوام نیاورد ما به تهران بازگشتیم و شبانه‌روز پای میز موویلا کار کردیم تا اولین فیلم مستند جنگی درباره‌ی خرمشهر از تلویزیون پخش شد؛ بنام فتح خون.

اواخر سال ۱۳۷۰ "موسسه‌ی فرهنگی روایت فتح" به فرمان مقام معظم رهبری تأسیس شد تا به کار فیلم‌سازی مستند و سینمایی درباره‌ی دفاع مقدس بپردازد و تهیه‌ی مجموعه‌ی روایت فتح را که بعد از پذیرش قطع‌نامه رها شده بود ادامه دهد. شهید آوینی و گروه فیلم‌برداران روایت فتح سفر به مناطق جنگی را از سر گرفتند و طی مدتی کم‌تر از یک سال کار تهیه‌ی شش برنامه از مجموعه‌ی ده قسمتی "شهری در آسمان" را در سال ۱۳۷۱ به پایان رساندند و مقدمات تهیه‌ی مجموعه‌های دیگری را درباره‌ی آبادان، سوسنگرد، هویزه و فکه تدارک دیدند. شهری در آسمان که به واقعه‌ی محاصره، سقوط و باز پس‌گیری خرمشهر می‌پرداخت در ماه‌های آخر حیات زمینی شهید آوینی از تلویزیون پخش شد، اما برنامه‌ی وی برای تکمیل این مجموعه و ساختن مجموعه‌های دیگر با شهادتش در روز جمعه بیستم فروردین ۱۳۷۲ در قتلگاه فکه ناتمام ماند. نقل قول از کلام شهید اهل قلم آوینی در وصف خرمشهر بعد از ۱۲ سال از آرایش از دست دژخیمان بعضی:

خرمشهر، شقایقی خون‌رنگ است که داغ جنگ در سینه دارد داغ شهادت. ویرانه‌های شهر را قفسی در هم شکسته بدان که راه به آزادی پرندگان روح گشوده است تا بال در فضای شهر آسمانی خرمشهر باز کنند.

زندگی زیباست اما شهادت از آن زیباتر است. سلامت تن زیباست اما پرنده عشق، تن را قفسی می‌بند که در باغ نهاده باشند. مگر نه آنکه گردن‌ها را باریک آفریده‌اند تا در مقتل کربلای عشق، آسانتر بریده شوند؟ و مگر نه آنکه از پسر آدم، عهدی ازلی ستانده‌اند که حسین را از سر خویش بیشتر دوست داشته باشد؟ و مگر نه آنکه خانه تن راه فرسودگی می‌پیماید تا خانه روح، آباد شود؟ و مگر این عاشق بی‌قرار را بر این سفینه سرگردان آسمانی که کره زمین باشد برای ماندن در اصطیل خواب و خور آفریده‌اند؟ و مگر از درون این خاک اگر نردبانی به آسمان نباشد، جز کرمهایی فربه و



خرمشهر به روایت سید مرتضی آوینی

روایت آسمانی از شهری در آسمان

○ الیا حسینی



تن پرور برمی آید؟

پس اگر مقصد را نه اینجا، در زیر این سقفهای دلتنگ و در پس این پنجره‌های کوچک که به کوچه‌هایی بن‌بست باز می‌شوند، نمی‌توان جست بهتر آنکه پرند روح، دل در قفس نبندد. پس اگر مقصد پرواز است قفس ویران بهتر. پرستویی که مقصد را در کوچ می‌بیند از ویرانی لانه‌اش نمی‌هراسد.

اگر قبرستان جایی است که مردگان را در آن به خاک سپرده‌اند پس ما قبرستان‌نشینان عادات و روزمرگی‌ها را کی راهی به معنای زندگی هست؟ اینجا زمزمی از نور پدید آمده است و در اطراف آن، قبیلای مسکن گزیده‌اند که نور می‌خورند و نور می‌آشامند. زمزم نور در عمق خویش به اقیانوسی از نور می‌رسد که از ازل تا ابد را فرا گرفته است و بر جزایر همیشه سبز آن، جاودانان حکومت دارند. این نامها که بر زبان ما می‌گذرند تنها کلماتی نگاشته بر شناسنامه‌هایی که بر آن مهر باطل شد خورده است نیستند. ما جز با صورتی موهوم از عالم رازآمیز مجردات سر و کار نداریم و از درون همین اوهام سراب مانند نیز تلاش می‌کنیم تا روزنی به غیب جهان بگشاییم و توفیق این تلاش جز اندکی نیست. پروانه‌های عاشق نور، بال در نفس گل‌هایی می‌گشایند که بر کرانه‌های سبز این چشمه‌ها رسته‌اند و نور در این عالم، هر چه هست از آن نورالانوار تابیده است که ظاهرتر و پنهانتر از او نیست و مگر جز پروانگان که پروای سوختن ندارند دیگران را نیز این شایستگی هست که معرفت نور را به جان ببازمایند؟ و مگر برای آنان که لذت این سوختن را چشیده‌اند در این ماندن و بودن، جز ملالت و افسردگی چیزی هست؟

کتابخانه مسجد امام جعفر صادق بر تقوا اساس گرفته بود و این است زمزم نور و اینانند قبیله نورخواران و نورآشامان. و قوام این عالم اگر هست در اینان است و اگر نه باور کنید که خاک، ساکنان خویش را به یکباره فرو می‌بلعد.

مسجد جامع خرمشهر، قلب شهر بود که می‌تپید و تا بود مظهر ماندن و استقامت بود. مسجد جامع خرمشهر، مادری بود که فرزندان خویش را زیر بال و پر گرفته بود و در بی‌پناهی پناه داده بود و تا بود مظهر ماندن و استقامت بود و آنگاه نیز که خرمشهر به اشغال متجاوزان درآمد و مدافعان ناگزیر شدند که به آن سوی شط خرمشهر کوچ کنند باز هم مسجد جامع، مظهر همه آن آرزوهایی بود که جز در پاز پس‌گیری شهر برآورده نمی‌شد. مسجد جامع، همه خرمشهر بود.

خرمشهر از همان آغاز، خونین‌شهر شده بود. خرمشهر خونین‌شهر شده بود تا طلعت حقیقت از افق غربت و مظلومیت رزم‌آوران و بسیجیان غرقه در خون ظاهر شود. و مگر آن طلعت را جز از منظر این آفاق می‌توان نگریست؟ آنان در غربت جنگیدند و با مظلومیت به شهادت رسیدند

و پیکرهاشان زیر شنی تانکهای شیطان تکه تکه شد و به آب و باد و خاک و آتش پیوست. اما راز خون آشکار شد. راز خون را جز شهدا در نمی‌یابند. گردش خون در رگهای زندگی شیرین است اما ریختن آن در پای محبوب، شیرین تر است؛ و نگو شیرین تر، بگو بسیار بسیار شیرین تر است.

راز خون در آنجاست که همه حیات به خون وابسته است. اگر خون یعنی همه حیات و از ترک این وابستگی دشوارتر هیچ نیست پس، بیشترین از آن کسی است که دست به دشوارترین عمل بزند. راز خون در آنجاست که محبوب خود را به کسی می‌بخشد که این راز را دریابد. آن کس که لذت این سوختن را چشید در این ماندن و بودن جز ملالت و افسردگی هیچ نمی‌یابد.

آنان را که از مرگ می‌ترسند از کربلا می‌رانند. مردان مرد، جنگاوران عرصه جهادند که راه حقیقت وجود انسان را از میان هاویه آتش جسته‌اند. آنان ترس را مغلوب کرده‌اند تا فتوت آشکار شود و راه فنا را به آنان بیاموزد. و مؤانسان حقیقت آنانند که ره به سرچشمه فنا جسته‌اند.

کربلا مقر عشاق است و شهید سید محمد علی جهان‌آرا چنین کرد تا جز شایستگان کسی در آن استقرار نیابد. شایستگان، آنانند که قلبشان را عشق تا آنجا آکنده است که ترس از مرگ، جایی برای ماندن ندارد. شایستگان جاودانند؛ حکمرانان جزایر سرسبز اقیانوس بی‌انتهای نور که پرتوی از آن همه کهکشان‌های آسمان دوم را روشنی بخشیده است.

ای شهید، ای آنکه بر کرانه ازل و ابدی وجود برنشسته‌ای، دستی بر آرو ما قبرستان‌نشینان عادات سخیف را نیز از این منجلاب بیرون کش.



که ما مانده ایم و دشوارتر از آن است که ما مانده ایم
سید مرتضی آوینی

دستاوردهای ایران زمین

دستاوردهای جدید صنعت هسته‌ای رونمایی شد

رئیس جمهوری طی مراسمی، دستگاه‌های جدید زونال سانتریفیوژ، اولتراسانتریفیوژ و مجتمع‌های سوخت تست راکتورهای قدرت و سوخت تست راکتور مدرن شده اراک رونمایی کرد. زونال سانتریفیوژها بیشتر در تولید محصولات ژن درمانی و واکسن‌های ویروسی به کار می‌رود و می‌تواند به مدت طولانی به کار گرفته شود. از این نوع سانتریفیوژ در تولید انبوه واکسن‌هایی مانند هاری، آنفلوآنزا، هپاتیت ب و مننژیت استفاده می‌شود. اولترا سانتریفیوژها برای دوران در دورهای خیلی بالا (۵۰۰۰ دور بر دقیقه) طراحی شده‌اند و از آنها برای جداسازی در مقیاس تحقیقاتی و در زمینه‌های بیولوژی و بیوشیمی مانند جداسازی ذرات ریز در حد و اندازه ویروس‌ها، پروتئین‌ها، RNAها و DNAها استفاده می‌شود. رئیس جمهوری همچنین در این مراسم از سه عنوان کتاب دانشنامه حفاظت و امنیت هسته‌ای، صنعت هسته‌ای؛ شاهکار ایرانی و برخوردهای دو گانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با کشورهای مظنون به فعالیت در زمینه تسلیحات هسته‌ای و یا داشتن خطاهای پادمانی رونمایی کرد.



پروژکتور خورشیدی هوشمند با ۷۲ عدد لامپ SMD ساخته شد

سیستم هوشمند الکترونیک به منظور ایجاد امنیت، مراقبت و حفاظت در اطراف محدوده چراغ خورشیدی در طول تاریکی شب است. این سیستم در خیابان‌ها، میادین، پارک‌ها، تمامی مناطق و فضاهای سبز و تفریحی، پروژه‌های ساخت و ساز به صورت موقت، تمامی محوطه‌های پارکینگ روباز، مزارع، پادگان‌های نظامی و هر محیطی که نیاز به روشنایی شب دارد قابل نصب است.

این محصول هیچگونه مشابه داخلی نداشته و با استفاده از بروزترین و آخرین تکنولوژی انرژی خورشیدی در مجموعه‌ای تحت نظارت و پشتیبانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دانشگاه شیراز فعالیت می‌کند.

با استفاده از ۷۲ عدد لامپ SMD و توانایی تولید روشنایی، حتی در روزهای ابری تا حداقل سه شبانه روز متوالی با استفاده از باتری خشک لیتیوم-ایون و پلیمری پیشرفته را دارد و در تمام طول هر شب از غروب آفتاب تا سپیده دم کاملاً روشن می‌ماند. همچنین در هر محیط تاریکی به صورت اتوماتیک روشن خواهد شد. علاوه بر آن یک برج نور و روشنایی سریع و آسان در مراکز تجمع گروهی و سایت‌های در حال احداث و یا پروژه‌های در حال ساخت و ساز نیز بسیار کاربرد دارد و به عنوان یک سیستم روشنایی اضطراری کاملاً ایمن و مستقل، به صورت ثابت و یا سیار و با خودروهای مختلف آتش نشانی و امداد در شرایط و حوادث غیر مترقبه کاملاً قابل اعتماد خواهد بود و دارای مشخصات انحصاری زیر می‌باشد:

- صفحه خورشیدی پلی کریستالین و ۷۲ عدد لامپ SMD
- باتری لیتیوم آیون و پلیمری پیشرفته
- سیستم کنترل هوشمند روشنایی و سیستم هوشمند شارژ باتری
- ضد آب و باران، مقاوم در برابر طوفان با سرعت ۱۵۰ کیلومتر و ۲ سال گارانتی کامل.

سیستم پروژکتور خورشیدی با استفاده از انرژی خورشیدی پاک و برای کاربرد در محیط‌های باز استفاده شده و هیچگونه هزینه‌ای بابت خرید سیستم چراغ، خرید کابل و خرید تمامی اتصالات برقی و اجرای کابل کشی و شبکه اتصال به زمین و همچنین هیچ گونه صورت حساب قبوض برق ماهیانه و هزینه‌های عملیات برق‌رسانی ندارد. از جمله مزایای این سیستم استفاده از کنترل





بازدید از لوله‌های سوخت رسانی با ربات خرچنگی

دانشجویان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی با الگوبرداری از ساختار آناتومی خرچنگ دریایی موفق به طراحی و ساخت ربات لابستر برای استفاده در صنایع پتروشیمی شدند. این ربات همزمان با یازدهمین دوره مسابقات بین‌المللی روبوکاپ آزاد ایران توسط تیم Octagon Robotech رونمایی شد. سرپرست تیم رباتیک واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی اظهار کرد: در این ربات چهار جفت پا در طرفین و یک دم انتهایی وجود دارد که نیروی پیشران ربات را تأمین می‌کند. همچنین با حرکت ترکیبی پاها بر اساس الگوریتم حرکتی جاندار آبی، این ربات توانایی تغییر جهت با مانوری بالا را دارا است. بخش کنترلی ربات لابستر دارای سه مفصل حرکتی و با استفاده از ضرایب حرکتی موجی بدن ماهی قزل‌آلا تعبیه شده است که این امر بر سرعت نسبی ربات خواهد افزود. همچنین تغییر عمق و حرکت در بستر دریاها از جمله ویژگی‌های بارز این ربات است که موجب افزایش کارایی آن شده است. با توجه به طراحی و کارایی تعریف شده برای ربات لابستر، این ربات در صنایع پتروشیمی به منظور بازدید از لوله‌های سوخت رسانی، جانورشناسی، فعالیت‌های تحقیقاتی به منظور تصویربرداری و آنالیز محیط در زیر آب کاربرد فراوانی خواهد داشت. سرپرست تیم رباتیک واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی با بیان این که طراحی و ساخت ربات لابستر از مهرماه سال گذشته آغاز شده و در حال حاضر در مرحله آزمایشگاهی قرار دارد، تصریح کرد: بر اساس برنامه و با یاری خداوند متعال این ربات تا شش ماه آینده وارد مرحله ساخت نمونه صنعتی خواهد شد.

تولید دستگاه تطبیق ماسک در ایران

این دستگاه، به طور خاص برای متخصصانی پر کاربرد است که در حوزه ادوات MEMD، فیزیک و نانو الکترونیک فعالیت می‌کنند. این محصول، تماماً توسط خودمان طراحی شده است ضمن آن که بخش‌های مختلف این محصول توسط متخصصان داخلی به مرحله ساخت رسیده‌اند. صرفاً معدود قسمت‌هایی که در داخل قابل ساخت نیستند وارد می‌شوند که در کم‌تر از ۱۰ درصد کل محصول نهایی سهم داشته و بیش از ۹۰ درصد چرخه تولید در کشورمان صورت می‌گیرد. مدیرعامل قیمت پایین‌تر دستگاه ایرانی، نسبت به نمونه مشابه خارجی را از مزیت‌های رقابتی آن دانست و گفت: گرچه این کیفیت به طور مطلق با نمونه خارجی برابری نمی‌کند، اما وقتی توانمندی و امکانات در دسترس دستگاه، بررسی می‌شود، خرید این محصول را به صرفه می‌کند.

دستگاه‌های خارجی نیازمند خدمات نصب، خدمات پس از فروش، قطعات جانبی هستند که طی سال‌های گذشته به سختی محقق می‌شد، اما این قبیل خدمات و امکانات توسط شرکت‌های داخلی که کم از توانمندی شرکت‌های اروپایی و آمریکایی ندارند، آسان‌تر و با هزینه‌ای به مراتب پایین‌تر میسر می‌شود.



لود بانک یا تسترژنراتور در ایران بومی سازی شد

لود بانک دستگاهی برای نگهداری و تعمیر باتری‌های صنعتی است که قیمت نمونه خارجی آن از ۵۰۰ هزار تومان به بالا است. در صنایعی چون نفت، گاز و پتروشیمی باتری‌هایی استفاده می‌شود که برای سیستم‌های اضطراری مورد استفاده قرار می‌گیرند، با توجه به طول این باتری‌ها نگهداری از آنها به دستگاهی به نام لود بانک نیاز دارد. طول عمر باتری‌ها در صورتی که درست نگهداری شوند، بیشتر از ۳۰ سال خواهد بود؛ به همین دلیل قیمت این باتری‌ها بسیار زیاد است. اجرای این پروژه تحقیقاتی بر اساس بهینه‌سازی دستگاه‌های لود بانک موجود در کشور بوده است. دستگاه لود بانک می‌تواند تعمیر و نگهداری باتری‌های صنعتی را انجام دهد؛ اما چون تعداد دستگاه‌هایی که برای این محصول مورد نیاز است، کم هستند؛ به این دلیل تولیدکنندگان این محصول هم در دنیا کم بوده و در داخل کشور نیز کمتر شرکتی در این حوزه فناوری سرمایه‌گذاری می‌کند.

در دستگاه بومی‌سازی شده در این پروژه مواردی به آن اضافه کردیم که عملکرد آن نسبت به نمونه‌های خارجی ارتقاء یافته است. به گونه‌ای که در نمونه‌های خارجی لازم است اطلاعات مربوط به باتری‌ها شامل میزان ولتاژ، جریان، زمان، دما و تعداد مقاومت‌های موجود در سرویس از طریق اپراتور ثبت شود که این امر همراه با خطاهای اپراتور خواهد بود. در دستگاه بومی‌سازی شده در کشور اطلاعات مربوط به باتری‌ها در داخل دستگاه ذخیره می‌شود که بر اساس این اطلاعات اقدام به تست باتری‌های صنعتی می‌کند. تمام اطلاعات مربوط به باتری‌ها در یک فایل ذخیره و توسط پورت USB در کامپیوتر ذخیره می‌شود.

نمونه بومی‌سازی شده در کشور هر دو قابلیت دستی و اتوماتیک را دارد. در نمونه دستگاه لود بانک بومی شده، اگرچه قسمت دستی آن کاملاً مجزا از قسمت اتوماتیک عمل می‌کند، اما در صورت بروز مشکل در بخش دستی، قسمت اتوماتیک این دستگاه به انجام ماموریت‌ها ادامه می‌دهد. دستگاه لود بانک در تمام صنایعی که با باتری سروکار دارند، کاربرد دارد. این دستگاه در دو کارخانه کاشی‌سازی و سرامیک‌سازی کاربردی شده است.



با شلیک اولین گلوله به سمت ایران، پدرم در قالب تشکیلات محلی و چریکی رفت تا از سرزمین و اعتقاداتش دفاع کند، و من افتخار دارم که پدرم در اولین پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات باز پس گیری میمک از دست دشمن بعثی حضور داشته ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹ روز بزرگی در تاریخ جنگ است

گفتگو با مدیر موفق شاهد، مهندس علی تردست

پدریابو برای کودکان پدر بزرگی کن

و اکدی و بابلی در دوره پیش از اسلام، چه در دوره اسلام و حمله اعراب و چه جنگ هشت ساله تحمیلی، ایلام همواره در معرض خطر بوده است. من نیز همچون اجدادم در معرض این خطرات بوده‌ام و جنگ تحمیلی را تجربه کرده‌ام، با چشم خود دیدم که مردمان ایل و دیارب تا پای جان از سرزمین خود دفاع کردند تا ایران با ایلام ایران بماند. تاریخ می‌تواند شهادت بدهد که این مردمان نجیب اجازه ندادند یک وجب از خاک ایران در دست دشمن بماند و هرگز شهر و دیار خود را ترک نکردند. آمار و ارقام هم نشان می‌دهند که نسبت به جمعیت بیشترین رزمنده را در جبهه‌های حق علیه باطل داشته و با ایمان و اعتقاد از ۴۲۰ کیلومتر مرز مشترک با دشمن پاسداری کردند. با همه این تفاسیر از لحاظ اقتصادی این استان همیشه در محرومیت بوده، پیش از انقلاب به دلیل عدم توجه حکومت شاهنشاهی مردم با محرومیت دست و پنجه نرم می‌کردند، بعد از انقلاب جنگ و خسارت‌های آن مانع از رشد و توسعه این استان شد. علی رغم تلاش مسئولین و نظام برای کم کردن این محرومیت‌ها، اما هنوز شهر و استان ما از محرومیت رنج می‌برد. تصویر سرزمین تبار و رنج کشیده‌ام مرا وا داشت تا با مدرک ارشد مدیریت منابع انسانی و پیشنهادهای مختلف کاری در حوزه‌های مختلف وارد حوزه اقتصاد شوم، بلکه بتوانم با بضاعت اندک گرهی از صدها گره مردمان دیارب باز کنم. برای کار کردن بهانه لازم نیست.

نقطه آغاز

جنگ که تمام شد، تازه مشکلات اقتصادی خود را نشان دادند، تا جنگ بود تمام فکر و ذکر مردم مقاومت و پیروزی در برابر ارتش چند ملیتی عراق بود و حالا گرد و خاک جنگ نشسته بود و ما با کشوری روبرو بودیم که ویرانه‌های بسیار داشت. تحصیلات دانشگاهی من مصادف با دوران بازسازی بود و بعد از فارغ التحصیلی درست موقعی که باید وارد بازار کار می‌شدم، کشور با رکود اقتصادی عجیبی روبرو بود. مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای مقابله با تورم دو سازمان تعزیرات و سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات تأسیس کرد که من در سال ۷۵ وارد سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات استان ایلام شدم. تأمین امنیت اقتصادی مردم را وظیفه خودم می‌دانستم، در کارگروه‌های مختلف برای حل مشکلات عضو بودم، وقت می‌گذاشتم تا به هدفم برسم و خدا را شکر با انجام طرح‌های مختلف و آرایه ایده‌های درست که به سرانجام می‌رسیدند بارها و بارها مورد تشویق و تقدیر قرار گرفتم.

هر چه داریم همه ...

این موفقیت‌ها و هر چه دارم اول از لطف خدا، دوم مدد از روح پدر شهیدم و سوم مادر بزرگوaram که جان و جوانیش را داد تا پنج فرزندش، بعد از پدر احساس خلاء نکنند و رشد کنند و به ثمر بنشینند. خدا را شکر

مردی از سرزمین کهن

زادگاه من سرزمینی است با تمدنی دیرینه که از دیرباز مورد هجوم اقوام مختلف بوده، چه مهاجمان سومری

روزی روزگاری پدرش در جبهه میمک و مهران و... می‌جنگید تا برای مردمان سرزمینش امنیت بیاورد و امروز او در جبهه اقتصاد تلاش می‌کند تا برای مردمان سرزمینش امنیت بیاورد. به زعم وی اگر رزمندگان روزی برای آبادی و آزادی ایران عزیز از جان گذشتند، امروز بر همگان واجب است که برای رشد و اعتلای ایران در همه حوزه‌ها شبانه‌روزی تلاش کنیم و از لحاظ اقتصادی به قدرتی بی‌بدیل در منطقه تبدیل شویم تا دشمن نتواند به بهانه‌های مختلف ما را با تحریم‌های اقتصادی رو به رو کند. علی تردست به جمله «ما می‌توانیم» باور قلبی دارد و می‌گوید: چطور جوانان و دانشمندان ما در حوزه موشکی، هسته‌ای و علوم بنیادی می‌توانند و در سایر علوم نمی‌توانند؟ ما اگر بخواهیم از غیر ممکن، ممکن می‌سازیم.

او شعار نمی‌دهد و در عمل نشان داده است که مرد کار و عمل است و شاهد این ادعا؛ ۵ بار کارمند نمونه استانی، معاون نمونه ملی در حوزه فرش، کارمند نمونه ملی در جشنواره شهید رجایی و دریافت چندین و چند عنوان و جایزه در سطح کشور و استان است. در سال جدید، "سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل" پای صحبت این مدیر جوان موفق در حوزه اقتصاد نشستیم تا شاعرانه با او و دغدغه‌هایش آشنا شویم.





مادرم این میراثدار رسالت سنگین پدرم روسپید و شریف، امروز فرزندان موفق و تحصیلکرده‌ای را به جامعه تحویل داده که من کمترین آن‌ها هستم.

«بی حضور پدر با خطر بزرگ شدیم»

با شلیک اولین گلوله به سمت ایران، پدرم در قالب تشکیلات محلی و چریکی رفت تا از سرزمین و اعتقاداتش دفاع کند، و من افتخار دارم که پدرم در اولین پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات باز پس‌گیری میمک از دست دشمن بعثی حضور داشت. ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹ روز بزرگی در تاریخ جنگ است که شهید تر دست هم سهمی در آن دارد، بالاخره پدر در سال ۶۲ به درجه رفیع شهادت نائل آمد. ما ماندیم و مادر و جنگ و بمباران و سختی‌های بی‌شمار در مناطق محروم، که همه را تاب آوردیم و ایستادیم، شکستیم اما قد خیم نکردیم تا دشمن شاد نشویم.

و امروز از هیچ کس طلبکار نیستیم. آن‌ها با خدا معامله کردند. ارزشمندترین سرمایه خود را دادند، سرمایه‌ای که با هیچ چیز برابری نمی‌کند و جبران نمی‌شود. امروز ما هم باید صادقانه مانند شهدا در راه اعتلای وطن تلاش کنیم و راه شهدا را با کار و تلاش عزتمندانه ادامه دهیم.

رسالت ما نسبت به سایرین بیشتر است. اما اگر هم خدماتی به جامعه ایثارگران ارائه می‌شود ناشی از قدرشناسی جامعه است. در تمام جوامعی که درگیر جنگ بوده‌اند و در تمام ادیان، به بازماندگان کشتگان جنگ احترام می‌گذارند و هر وجدان آگاهی بر خود واجب می‌داند به کسانی که رفته‌اند و از جان گذشته‌اند تا بقیه در امنیت و آسایش باشند احترام بگذارد. امروز در کشورهایی مثل آلمان، کانادا، آمریکا و... خدمات شایان توجهی به این قشر می‌دهند. اما آیا جان و جوانی با ریال و پوند و دلار قیمت‌گذاری می‌شود؟

«فرهنگ و اقتصاد»

مقوله اقتصاد از زمان ظهور اسلام تا به امروز یکی از مباحث اساسی بوده است که به طور صریح به آن اشاره شده است تا آنجا که پیامبر اسلام می‌فرمایند: لا معاش له لا معاد له، کسی که نان ندارد دین ندارد. و یا امام سجاد (ع) که می‌فرمایند: از فقر به خدا پناه می‌برم که اگر فقر آمد کفر هم به دنبالش می‌آید.

همواره تلاش‌های بسیاری شده است که معیشت مردم مورد غفلت واقع نشود، چرا که مشکلات اقتصادی بستر بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و حتی سیاسی است. کشوری که اقتصاد قدرتمند دارد، کشور توانمندی است و قدرت مقابله با خطرات بیرونی و درونی را دارد. مقام معظم رهبری نیز در سالیان اخیر توجه ویژه‌ای به این حوزه دارند و بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند که نقشه راه ما برای برون رفت از مشکلات اقتصادی کشور است. ایشان نه تنها به مساله اقتصاد بلکه به مساله فرهنگ نیز توجه شایانی دارد و حتی سال ۱۳۹۳ را سال اقتصاد

یکروزه مرغ مادر تخم‌گذار، تولید صد‌ها هزار تن خوراک دام و طیور و آبیان و بیش از ۵۰ درصد جوجه یکروزه تخم‌گذار تجاری و نیز ادوات، تجهیزات و ماشین آلات موردنیاز صنعت دام، طیور و آبیان مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند.

علاوه بر آنچه ذکر شد شرکت توجه شایانی به آبیاری پروری، محصولات دارویی، زراعت، باغبانی، کشت فراسرزمینی و محصولات گلخانه‌ای دارد. انتشار کتب و نشریات علمی مرتبط با صنعت طیور و آموزش مدیران و کارشناسان، مدیریت با هدف افزایش سطح ارتقا هلدینگ از طریق شرکت توسعه و پژوهش انجام می‌شود. در کنار شرکت‌های تولیدی زیر مجموعه، آزمایشگاه تخصصی کوثر با هدف پاسخگویی به نیازهای صنعت دامپروری کشور نیز احداث شده است.

همه ما در این مجموعه تلاش می‌کنیم با نگاه به نقشه راه مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد به بخش کشاورزی کشور کمک کنیم. تأمین امنیت غذایی مردم اولویت ما است. شعار ما هم این است از مزرعه تا سفره با شما هستیم. این شرکت دستاوردهای زیادی دارد که در این مقال نمی‌گنجد. یکی از پروژه‌های ما پروژه آبیاری اکسیر بود که در صد روز با مدیریت و تلاش جمعی از فرزندان شهید و با حضور حاج آقا شهیدی محلاتی افتتاح شد. قراردادهای مهمی نیز با شرکت‌های فرانسوی در حضور ریاست محترم جمهور دکتر روحانی امضا شد.

«پدر بزرگ جوان پسرانم»

حتی اگر پدر باشی باز هم دلت پدر می‌خواهد و فکر می‌کنم پسران عزیزم محمد صدرا و محمد سینا هم دلشان پدر بزرگ بخواهد، پدر بزرگی که توی قاب عکس از پدرشان جوانتر است.

«حرف آخر...»

همسر مهربانم، ممنون که همیشه با من همراهی می‌کنی و راه را برای من هموار. خدا تو و مادر و خواهران دلسوزم را در پناه خود حفظ کند که همیشه به دعای خیرتان محتاجم.

و فرهنگ نامگذاری کردند. مارکس اقتصاد را زیر بنا و اندیشمندان مکتب فرانکفورت فرهنگ را زیر بنا می‌دانند، اما رهبر و راهبر ما هر دو مقوله را لازم و ملزوم هم می‌داند. وقتی از اقتصاد صحبت می‌کند به مولفه‌های فرهنگی آن توجه دارد و مساله مقاومت را که یک مفهوم فرهنگی است را مطرح می‌کند و ابزار اقتصاد را در فرهنگ می‌بیند. ما چطور می‌توانیم به اقتصاد مطلوب برسیم اگر مردم ما ذهنشان با فرهنگ اقتصاد آشنا نباشد، اگر رسانه به عنوان یک ابزار فرهنگی در اختیار اقتصاد نباشد، چطور اقتصاد مقاومتی محقق می‌شود. اقتصاد و فرهنگ و مولفه‌های آن‌ها همانند یک زنجیره هستند که تکمیل کننده هم هستند. امسال هم که سال اقدام و عمل نامگذاری شده، تکلیف ما بیشتر و سنگین‌تر است.

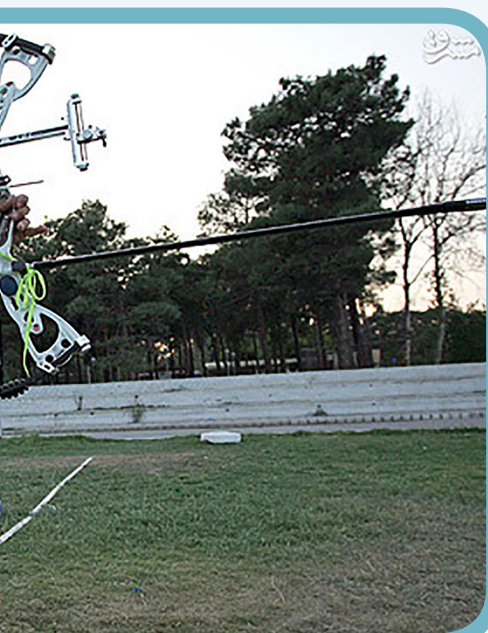
«خدمت، خدمت و خدمت»

هر کجا باشم برایم توفیری ندارد، در دامنه‌های زاگرس باشد یا کوهپایه‌های البرز. من سرباز هستم و وظیفه‌ام خدمت است. در حال حاضر توفیق دارم در هلدینگ کشاورزی کوثر از شرکت‌های سازمان اقتصادی کوثر وابسته به بنیاد شهید و امور ایثارگران به عنوان مدیر بازرگانی خدمت کنم. خدمت صادقانه برایم ارزشمند است به خصوص اگر خدمت به جامعه ایثارگران باشد.

«اقتصاد مقاومتی الگوی راهبردی»

شرکت سرمایه‌گذاری کشاورزی کوثر در سال ۱۳۶۲ به عنوان یکی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری مادر وابسته به سازمان اقتصادی کوثر مشغول به فعالیت است. موضوع فعالیت اصلی شرکت، سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌های تولیدی کشاورزی و دامپروری، مرغداری، پرورش و صید آبیان، خوراک دام و طیور و صنایع تولید و فراوری مواد اولیه محصولات واسطه‌ای و محصولات نهایی وابسته به این فعالیت‌ها است که توسط ۲۴ شرکت زیر مجموعه انجام می‌پذیرد. این شرکت یکی از بزرگترین شرکت‌های ایرانی است که در راستای اجرای زنجیره تأمین گام‌های بلندی بر داشته است. در حال حاضر حدود ۸۰ درصد جوجه یکروزه مرغ مادر گوشستی، بیش از ۵۰ درصد جوجه

ورزش برای ورزشکاران خاص



۳- تنیس روی میز:

شرکت در این رشته برای تمام افراد معلول قطع نخاع ممکن است حتی افرادی که توانایی در دست گرفتن راکد را ندارند. می‌توان با استفاده از نوار راکت را در دست ثابت نمود. تنیس روی میز ورزش ایده‌آل برای شروع در مرکز توانبخشی و ادامه آن در خانه است. در این ورزش فرد معلول می‌تواند در مقابل یک فرد عادی هم بازی کند و مسابقه بدهد. قوانین این ورزش جهت تطابق با حرکت ویلچر تغییرات مختصری یافته‌اند. برای افزایش ارتفاع نشیمن‌گاه می‌توان از بالشکت حداکثر تا ۱۰ سانتیمتر بر روی ویلچر استفاده کرد.

۴- تیراندازی با کمان:

این ورزش مطابق قوانین بین‌المللی انجام می‌شود و به استثنای افراد کوادری پلژیک (قطع نخاع گردنی) بقیه شرکت‌کنندگان در یک گروه قرار می‌گیرند در این ورزش نیز فرد معلول قادر است با افراد سالم رقابت کند. بنابراین باعث اعتماد به نفس زیادی می‌شود.

۵- ویلچررانی:

ویلچررانی از ورزش‌هایی است که مقاومت شخص را زیاد می‌کند. این ورزش باعث افزایش قدرت عضلانی و ظرفیت ریوی می‌شود. انجام مستمر آن مخصوصا در مسافت‌های طولانی باعث افزایش

۲- بسکتبال روی ویلچر:

این ورزش یکی از قدیمی‌ترین ورزش‌های معلولین است که هر روز هم مشتاقان بیشتری پیدا می‌کند. این ورزش تقریبا تمام جنبه‌های یک ورزش ایده‌آل را دارا می‌باشد و مجموعه‌ای از ورزش‌های مختلف است. چون در هنگام انجام بسکتبال روی ویلچر ورزشکار نه تنها ویلچررانی می‌کند بلکه تمام عضلات و مفاصل بدن از جمله تنه، سر و گردن حرکات زیاد و متعددی پیدا می‌کند. همچنین مزایای یک ورزش و کار دسته جمعی را نیز دارد. چون در این ورزش شخص به سرعت ویلچررانی می‌کند. این عمل باعث افزایش ظرفیت ریوی و قدرت عضلانی و تعریق بیشتر می‌شود که همگی برای بدن بسیار مفید هستند. این ورزش همچنین از هیجان و فشار زیادی برخوردار است که باعث شادابی ورزشکار می‌شود.

جانبازان نخاعی و ورزش‌های مطلوب

۱- شنا:

شنا مهارت‌هایی را به شخص آسیب دیده عرضه می‌کند که امنیت وی را داخل و کنار آب تامین می‌کند. شنا همچنین حضور جانباز را همپای افراد سالم در فعالیت‌های ورزشی، تفریحی، امکان‌پذیر می‌کند و آنان را به سوی اجتماعی شدن سوق می‌دهد. اثرات ثمربخش شنا بر روی بدن از میزان و نوع فعالیت‌های انجام شده مایه می‌گیرد حتی فعالیت ملایم در آب برای افراد قطع نخاع گردنی که از نظر حرکت به شدت محدود هستند اثرات خوبی دارد. از اثرات شنا می‌توان به بهبود عملکرد دستگاه گردش خون و افزایش قدرت عضلات اشاره کرد. از آنجا که حرکت مفاصل در آب بهتر امکان‌پذیر است. از این رو افرادی که در اثر درد و سخت شدن مفاصل محدودیت حرکتی دارند از شنا بهره بسیار می‌برند.



عملکرد فدراسیون جانبازان و معلولین در سال ۹۴ ره آورد سالی که گذشت

- کسب سهمیه المپیک در رشته تیر و کمان توسط زهرا نعمتی. این بانوی کماندار، اولین ورزشکار زن دارای معلولیت ایرانی است که همزمان موفق به کسب سهمیه المپیک و پارالمپیک شده و علاوه بر این، پرچم داری کاروان المپیک جمهوری اسلامی ایران نیز به وی واگذار شده است.

زهرا نعمتی علاوه بر این افتخارات، در نظر سنجی وب سایت رسمی کمیته بین المللی پارالمپیک موفق شد با کسب بیش از ۴ هزار رای به عنوان ورزشکار برتر ماه نوامبر سال ۲۰۱۵ انتخاب شود.

- حضور سه رشته جدید در کاروان ایران برای بازی های پارالمپیک ریو ۲۰۱۶. رشته والیبال نشسته بانوان که برای اولین بار حضور پارالمپیک خواهد داشت و سهمیه این بازی ها را با کسب عنوان نایب قهرمانی از رقابت های پارا آسیایی اینچئون دریافت کرده است.

- رشته پاراکانو در قایقرانی که برای اولین بار است ایران در آن نماینده دارد و شهلا بهروزی را با کسب عنوان ششم از مسابقات جهانی ایتالیا موفق شد به عنوان اولین بانوی ایرانی سهمیه حضور در رقابت های پارالمپیک را از آن خود کند.

- رشته کامپوند در تیر و کمان نیز در زمره سهمیه اولی های ایران است، هادی نوری از مسابقات جهانی آلمان موفق شد سهمیه این ماده را از آن خود کند.

- تصویب آیین نامه ترویج فرهنگ حضور و حمایت از سلامتی، نشاط، توانمند سازی و افتخار آفرینی جانبازان و معلولین توسط شورای فرهنگ عمومی کشور و در دست اقدام بودن تصویب این آیین نامه در شورای عالی انقلاب فرهنگی. در همین راستا، اولین جلسه شورای عالی توسعه در خصوص ابلاغ وظایف دستگاه ها و سازمان ها، به میزبانی وزارت ورزش و با حضور معاون وزیر برگزار شد و پس از آن اولین نشست شورای هماهنگی با حضور رؤسای فدراسیون های مرتبط و نمایندگان سازمان ها تشکیل گردید.

- امسال اولین سالی است که روز ملی پارالمپیک به صورت رسمی در تقویم کشور به ثبت رسیده بود و ۲۴ مهر، همانند سال های گذشته، جشن بزرگ روز ملی پارالمپیک همزمان در سراسر کشور برگزار شد.

به نقل از فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولین، سال ۹۴ برای فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولین به دلیل کسب سهمیه های پارالمپیک ریو و نیز اعزام های متعدد برون مرزی که به همین منظور انجام شد، سالی پرکار و پر بار بود.

از اولین ماه سال ۹۴ اعزام های برون مرزی آغاز شد که ماحصل آن تاکنون کسب ۵۴ نشان رنگارنگ و ۷۸ سهمیه بازی های پارالمپیک است.

از ۷۸ سهمیه کسب شده، بخشی مربوط به فدراسیون ورزش های نابینایان و کم بینایان است و در رشته قایقرانی نیز اعزام کسب سهمیه توسط فدراسیون قایقرانی انجام گرفت و فدراسیون جانبازان و معلولین نیز در این زمینه مشارکت داشت.

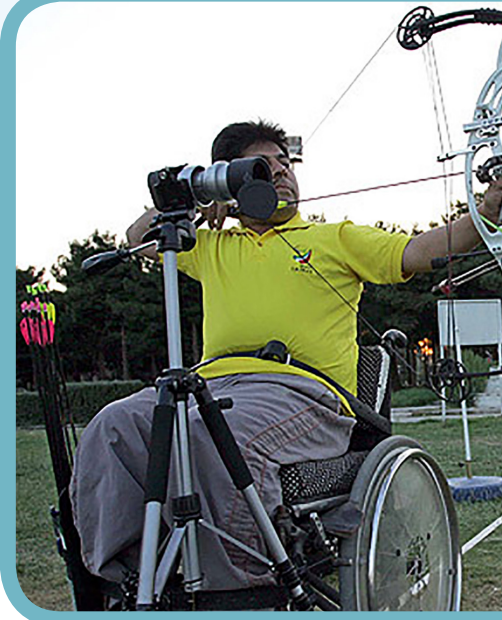
با وجود نزدیک شدن به روزهای پایان سال، پرونده اعزام های برون مرزی و به دنبال آن کسب مدال و سهمیه همچنان باز است و ملی پوشان کشورمان در اسفند ماه و نیز فروردین سال جدید در مسابقات متعددی از جمله رقابت های والیبال نشسته جام بین قاره ای، رقابت های دو و میدانی قهرمانی آسیا و اقیانوسیه، مسابقات دو و میدانی فراع امارات، مسابقات قهرمانی دوچرخه سواری ایتالیا و نیز مسابقات قهرمانی جهان بوچیا در چین، حضور می یابند.

در ادامه به گزیده ای از دستاوردها و رویدادهای مهم فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولین در سال ۹۴ اشاره می شود:

- کسب ۵۴ نشان رنگارنگ از ۱۵ اعزام برون مرزی تا پایان بهمن ماه شامل ۱۵ نشان طلا، ۲۸ نقره و ۱۱ برنز.

- کسب ۷۸ سهمیه تا پایان بهمن ماه در ۳ رشته تیمی، والیبال نشسته مردان و زنان و بسکتبال با ویلچر، تیمی فوتبال پنج نفره (بخش نابینایان و کم بینایان)، و رشته های دو و میدانی، قایقرانی، تیراندازی، تیر و کمان، وزنه برداری، دوچرخه سواری، شنا، جودو (نابینایان و کم بینایان)

- برگزاری جشنواره فرهنگی ورزشی مهر رضوی با حضور نزدیک به ۲ هزار ورزشکار دارای معلولیت زیر ۲۵ سال به منظور استعدادیابی و شناسایی نیروهای جوان و پشتوانه سازی برای تیم های ملی جانبازان و معلولین.



استقامت دستگاه گردش خون و تنفس و نیز اعتماد به نفس ورزشکار می شود.

۶- دو و میدانی:

شاید بتوان گفت که پر جاذبه ترین ورزش در بین معلولین این رشته است. به عنوان نمونه می توان ویلچرانی سرعتی، نیمه استقامتی و استقامتی را در بخش دوها و پرتاب دیسک، وزنه، نیزه و چکش (کلاب Club) را در بخش میدانی ها نام برده و در تمامی رشته های دو و میدانی ورزشکار می تواند از قدرت استقامت و بعضا چابکی برخوردار شود. لازم به یادآوری است که ورزش دو و میدانی از پرطرفدارترین رشته های ورزشی، در بین جانبازان و معلولین ضایعه نخاعی کشور اسلامی مان می باشد که تا به حال افتخارات بسیاری برای میهن اسلامی ایران نیز کسب نموده اند.

ورزش هایی برای نابینایان

پاورلیفتینگ:

پاور لیفتینگ را به عنوان وزنه برداری قدرتی ترجمه می کنند! پاور لیفتینگ سه حرکت انجام می دهد: پرس سینه، اسکات و لیفت؛ در حالی که وزنه بردار فقط وزنه را بلند می کند.

گلبال:

گلبال ورزشی طراحی شده برای نابینایان می باشد. در این بازی که دو نیمه ده دقیقه ای دارد چشمان همه بازیکنان بسته است. در هر تیم ۳ نفر در زمین حاضرند که در نزدیکی دروازه خودی مستقرند و باید سعی کنند توپ را با دست به درون دروازه تیم مقابل بیاندازند. فوتبال ۵ نفره، جودو، دو و میدانی، شنا، شطرنج و دوچرخه سواری ۲ نفره، ورزش هایی هستند که در ایران امکان انجام آن برای ورزشکاران نابینا مهیا است.





ایران در آستانه المپیک

به سوی برزیل

حرکت...

سجاد مردانی در وزن به اضافه ۸۰ کیلوگرم بر اساس رنکینگ سه سهمیه در تکواندو مردان و کیمیا علیزاده در وزن ۵۷- تکواندو بانوان به عنوان جوانترین عضو کاروان ایران که در ریو حضور دارند، سهمیه کسب کردند.

در تیراندازی هم پنج سهمیه از سوی الهه احمدی و نجمه خدمتی در تفنگ ۱۰ متر بادی، گلنوش سبقت‌الهی - تپانچه، پوریا نوروزیان - تفنگ بادی و مه لقا جام بزرگ در تفنگ سه وضعیت در مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۱۶ دهلی نو کسب شد.

در کشتی آزاد نیز شش سهمیه کامل از سوی حسن رحیمی در وزن (۵۷)، میثم نصیری (۶۵)، حسن یزدانی (۷۴)، علیرضا کریمی (۸۶)، عباس طهمان (۹۷) در رقابت‌های جهانی سال ۲۰۱۵ جهان در لاس وگاس آمریکا بدست آمد و کیمیل قاسمی نیز در وزن (۱۲۵) کیلوگرم در رقابت‌های گزینشی قاره آسیا در قزاقستان سهمیه المپیک را کسب کرد. سعید عبدولی، حسین نوری و قاسم رضائی در

چهار سال پیش کاروان المپیک کشورمان در المپیک ۲۰۱۲ لندن با ۵۳ ورزشکار در ۱۴ رشته ورزشی حضور پیدا کرد و نتیجه این حضور ۱۲ مدال شامل ۴ طلا، ۵ نقره و ۳ نشان برنز بود. این بهترین نتیجه از نظر تعداد مدال برای کشورمان در تاریخ حضور در المپیک به شمار می‌آید که باعث شد تا کاروان کشورمان در جایگاه هفدهم دنیا قرار بگیرد که نتیجه‌ای درخور و مناسب برای ورزش کشورمان بود.

حالا در فاصله حدود سه ماهه تا شروع المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو ۴۲ سهمیه در ۱۲ رشته ورزشی برای کاروان کشورمان کسب شده و رقابت‌های کسب سهمیه در رشته‌هایی مانند والیبال و بسکتبال ادامه دارد و این امیدواری برای ورزشکاران کشورمان وجود دارد که تعداد ورزشکاران حاضر در برزیل از المپیک قبلی عبور کند و کاروانی پر تعداد و در عین حال پرامید به این رقابت‌ها پا بگذارد.

چراغ اول

چراغ اول را احسان روزبهانی در بوکس روشن کرد. در بهمن سال ۹۳ بود که احسان با فراموش کردن غم شکست بازی نیمه‌نهایی بازی‌های آسیایی پوسان - با وجود اینکه مدال برنز کسب کرده بود - پا به مسابقات ستارگان جهان در بلغارستان گذاشت و با قهرمانی در این مسابقات علاوه بر

کسب کمر بند طلایی، اولین سهمیه المپیک ایران را هم کسب کرد.

پس از آن ایران در رشته دو و میدانی ۷ سهمیه کسب کرد که نخستین کسب

سهمیه در این رشته از

سوی رضا قاسمی در

ماده ۱۰۰ متر بدست

آمد. همچنین تفتیان

در دو ۱۰۰ متر، لیلا

رجبی پرتاب وزنه،

احسان حدادی و

محمود صمیمی در

پرتاب دیسک، محمد جواد

مرادی، حمید رضا زورآوند

از جمله ورزشکاران دوومیدانی

کار هستند که در رقابت‌های جام

کازانف قزاقستان، قهرمانی آسیا در

ژاپن، مسابقات آزاد دویی و مسابقات

لوکزامبورگ موفق به کسب سهمیه

شده‌اند.

دوچرخه سواری با کسب یک سهمیه از

سوی حسین عسکری دوچرخه سوار کهنه

کار در بخش تایم تریل جاده در رقابت‌های

آسیایی تایپند و دو سهمیه تیمی ره آورد این رشته ورزشی برای ریو ۲۰۱۶ بوده است.

در جودو، جواد محسوب در وزن منهای ۱۰۰

کیلوگرم، سعید ملایی در وزن منهای ۸۱ کیلوگرم

و علیرضا خجسته سه سهمیه برای کشورمان به

ارمنان آوردند. فرزاد عاشورزاده در وزن منهای ۵۸

کیلوگرم، مهدی خدابخشی در وزن منهای

۸۰ کیلوگرم و





قایقرانی انتخابی آسیا در کره جنوبی و در بخش روئینگ مردان (۲ سهمیه)، شنا (یک سهمیه آزاد) و والیبال، فرصت برای کسب این سهمیه‌ها وجود دارد. چنانچه بخشی از این سهمیه‌ها محقق شود می‌توان امیدوار بود با کاروانی در حد و اندازه‌های المپیک لندن در برزیل حاضر شد.

کمیته المپیک کشورمان هم در آستانه این رقابت‌ها پاداش مدال‌آوران این رقابت را مشخص کرد تا انگیزه ورزشکاران حاضر در رقابت‌ها را افزایش دهد. سید نصرالله سجادی گفت: به مدال‌آوران طلای بازی‌های المپیک و پارالمپیک ریو ۳۰۰ سکه، مدال نقره ۲۰۰ و مدال برنز ۱۲۰ سکه تمام اهدا خواهد شد.

این در حالی است که در المپیک ۲۰۱۲ لندن برای مدال طلا، نقره و برنز به ترتیب ۲۰۰، ۱۵۰ و ۱۰۰ سکه اهدا شده بود و این دوره حجم پاداش‌ها قابل توجه است.

معاون وزیر ورزش درباره پرداخت پاداش سرمربیان تیم‌های شرکت کننده در این بازی‌ها که ورزشکارانشان مدال کسب کنند، افزود: برای مدال طلا ۱۵۰، نقره ۱۰۰ و برنز ۷۵ سکه تمام به سرمربیان اهدا می‌شود.

البته برای مدال دوم این پاداش پنجاه درصد خواهد شد و شامل مدال سوم به بعد نخواهد شد. المپیک ۲۰۱۶ از ۱۵ مرداد افتتاح خواهد شد و بیش از ۱۰ هزار ورزشکار از سراسر دنیا در ۲۸ رشته ورزشی در آن حضور خواهند داشت. در المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو ۳۰۶ مدال طلا در مجموع ۲۸ رشته ورزشی توزیع خواهد شد که بیشترین توزیع مدال‌ها به دوومیدانی اختصاص دارد. در رشته‌های شرکت کننده مانند دیگر سال‌ها رشته‌های مادر مانند دوومیدانی و شنا بیشترین توزیع مدال را دارند که در ریو نیز مستثنی نیست. در این دوره از مسابقات در دوومیدانی ۴۷ مدال و در شنا ۳۴ مدال طلا توزیع می‌شود. در رتبه‌های بعدی کشتی، دوچرخه‌سواری و ژیمناستیک قرار دارند که در هر کدام ۱۸ مدال طلا توزیع می‌شود.

هم

سهمیه
پارالمپیک

ریو را کسب

کرد. تنیس روی میز

نیز شاهد حضور برادران، نیما و نوشاد عالمیان و ندا شهسواری در المپیک برزیل خواهد بود.

در رشته شمشیربازی و در بخش اسلحه سایر مجتبی عابدینی و علی پاکدامن، دو سهمیه ریو را کسب کردند.

در آخرین کسب سهمیه تا اواسط اردیبهشت مهسا جاور بانوی ملی پوش تیم ملی روئینگ با راه یابی به فینال مسابقات انتخابی المپیک روئینگ در قاره آسیا و اقیانوسیه، جواز حضور در المپیک ریو را کسب کرد.

به این ترتیب تاکنون ۴۳ سهمیه از سوی کاروان اعزامی ایران به ریو ۲۰۱۶ کسب شده که از این تعداد ۹ سهمیه متعلق به بانوان است. این تعداد سهمیه بانوان در واقع رکورد تعداد بانوان شرکت کننده در المپیک را شکست.

سهمیه باقی مانده

با روشن شدن مشعل المپیک در دوم اردیبهشت در جنوب یونان به عنوان خواستگاه سنتی رقابت‌های المپیک تب المپیک نه تنها در ایران که در دنیا داغ شد. این مشعل در مدت سه ماه از ۸۳ شهر دنیا مسیر خود را به سمت برزیل طی خواهد کرد و هزاران نفر آن را حمل خواهند کرد تا به مراسم افتتاحیه در نیمه مرداد ماه در شهر ریودوژانیرو برسد.

در رشته بوکس در رقابت‌های انتخابی جهان به میزبانی باکو (۲ سهمیه)، دوومیدانی (۱ سهمیه)، کشتی فرنگی در وزن‌های ۵۰ و ۱۳۰ در رقابت‌های گزینشی مغولستان و ترکیه (۲ سهمیه)، تیرو کمان در بخش تیمی مردان (یک سهمیه)،

اوزان ۷۵، ۸۵،

و ۹۸ کیلوگرم در

رقابت‌های قهرمانی سال

۲۰۱۵ جهان در لاس وگاس آمریکا و

امید نوروزی در وزن ۶۶ کیلوگرم در

رقابت‌های گزینشی المپیک در قاره

آسیا در قزاقستان در کشتی فرنگی

چهار سهمیه برای کشتی ایران

کسب کردند. امیر قاسمی منجزی

در مسابقات انتخابی مغولستان

توانست تعداد فرنگی کاران را به

پنج نفر برساند ولی حمید سوریان

پر افتخارترین ورزشکار تاریخ ایران

در این رقابت ناکام بود تا سرنوشت

آخرین سهمیه کشتی فرنگی به آخرین

رقابت انتخابی یعنی رقابت‌های استانبول

موکول شود.

در رشته وزنه برداری هم بر اساس

امتیازات، پولادمردان ایران در

رقابت‌های قهرمانی سال‌های ۲۰۱۴

و ۲۰۱۵ موفق به کسب ۵ سهمیه

المپیک شدند.

زهرا نعمتی بانوی کماندار تیم

ملی جانبازان و معلولین در بخش

انفرادی در رقابت‌های قهرمانی آسیا

تایلند برای نخستین بار موفق شد به

عنوان یک ورزشکار دارای معلولیت ایرانی،

سهمیه المپیک را نیز کسب کند و در مسابقات

قهرمانی آسیا ویژه پارالمپیک‌ها هم نشان طلا و

این اقدام آمریکا پیامدهای سنگینی در روابط پرتنش دوجانبه تهران-واشنگتن و همچنین روابط بین الملل دارد. مهمترین آن این است که دیوار بی اعتمادی بین دو کشور مرتفع تر می شود، از وجهه آمریکا به عنوان کشور خائن در امانت در افکار عمومی ایران و جهان کاسته خواهد شد

گزینه های ایران در برابر مصادره دو میلیارد دلار

علی امیدی،

دانشیار روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

گزینه به سختی افکار عمومی ایرانیان را قانع خواهد کرد.

۲- ارجاع پرونده به دیوان دادگستری لاهه یا محاکم داوری: در هر دو مورد، رضایت طرفین دعوا برای رسیدگی قضایی ضروری است. جلب رضایت آمریکا در محاکم داوری غیرممکن است. تنها می ماند دیوان دادگستری بین المللی که با توجه به قرارداد مودت ۱۹۵۵ بین دولتین ایران و آمریکا و عطف به ماده ۲۱ این معاهده، امکان ارجاع پرونده به دیوان مزبور وجود دارد. ولی با توجه به سابقه دیوان در خصوص پرونده سکوها نفتی ایران که در آن، دیوان نابودی این سکوها را از سوی آمریکا مورد تایید قرار داد ولی آمریکا را ملزم به پرداخت خسارت طبق مفاد عهدنامه مودت ۱۹۵۵ ندانست؛ در اینجا نیز ممکن است این داستان تکرار شود. ولی با توجه به اینکه دعوی سکوها بعد از درگیری محدود نظامی ایران و آمریکا در خلیج فارس صورت گرفته بود و در دعوی جدید، طرف ایرانی کاملاً مظلوم واقع شده ممکن است رأی جدید متفاوت باشد. ولی هیچ چیزی قابل پیش بینی نیست. حسن این گزینه آن است که ایران به عنوان کشور قانونمدار تبلیغ می شود و شاید هم توسل به چنین گزینه ای برای دول با عدم توازن قدرت اجتناب ناپذیر است.

۳- گزینه آخر، اقدام قهری است: در این گزینه طبق اصل مقابله به مثل (reciprocity) و تلافی (reprisal) در حقوق بین الملل، دولت ها مجاز هستند در برابر اقدام غیرقانونی دولت دیگر، مقابله به مثل کرده هر چند ظاهر تلافی، ممکن است غیر قانونی به نظر برسد. این تلافی و مقابله مثل صرفاً جهت توقف عمل غیرقانونی و خصمانه دولت دیگر صورت می گیرد. این گزینه که بر اساس منطق رئال پلیتیکس است در حادثه مزبور می گوید که دزد، زبان آرام و متمدانه نمی فهمد؛ دزد را باید به بند کشید و او را وادار به استرداد اموال مسروقه کرد. مصداق این گزینه می تواند توقف و مصادره یکی از شناورهای آمریکایی در خلیج فارس و گرو گرفتن آن باشد تا دولت آمریکا در ازای آن، ملزم به استرداد اموال ایران شود. البته عملیاتی کردن این گزینه خیلی خطرناک و خطر تصعید بحران به جنگ را در خود دارد. ولی اگر امکان مدیریت بحران باشد شاید این گزینه قابل بررسی باشد.

عنوان کشور خائن در امانت در افکار عمومی ایران و جهان کاسته خواهد شد، یاس و ناامیدی از ایجاد تنش زدایی در روابط تهران-واشنگتن سایه خواهد افکند و ریل گذاری تجاری جهت بسترسازی روابط دو کشور به این ترتیب خنثی خواهد شد. از سوی دیگر، تصویر منفی آمریکا نزد ایرانیان به قوت خود ادامه پیدا خواهد کرد.

علی ایحال، این حادثه ای است که اتفاق افتاده و پول ایران عملاً رفت. حالا ایران چه گزینه هایی جهت مقابله با آن در اختیار دارد. نگارنده صرفاً قصد تحلیل گزینه ها را داشته و تجویز خاصی نمی کند:

۱- گفتگوی دیپلماتیک با واسطه یابی واسطه: مصداق این گفتگوها، مذاکرات آقایان ظریف و کری در آمریکا در حاشیه مراسم امضای موافقت نامه تغییرات آب و هوایی در سازمان ملل (۲۲ آوریل ۲۰۱۶) است که در خصوص موانع اجرایی برجام و غیره صورت گرفته است. همچنین این گفتگوها می تواند با پایمردی دول ثالث و غیره ادامه یابد. ولی با توجه به اینکه حکم دیوان عالی آمریکا قابل نقض از سوی قوه مجریه نیست، نهایتاً دولت آمریکا اگر حسن نیت داشته باشد احتمالاً در زمینه های دیگر، محدودیت تجاری و مالی علیه ایران را تعدیل خواهد کرد؛ وگرنه روی این دو میلیارد دلار عملاً کاری نمی تواند انجام دهد. این

در بیستم آوریل ۲۰۱۶، بعد از کلی کش و قوس های حقوقی و سیاسی، دیوان عالی آمریکا با اکثریت آراء حکم دادگاه بدوی آمریکا در خصوص مصادره اوراق قرضه دو میلیاردی ایران که در یک حساب سیتی بانک در نیویورک به صورت امانت بود، صادر کرد. این تصمیم دیوان عالی و متعاقباً حمایت وزارت خارجه آمریکا از آن، چنان تلخ بود که آقای حسن روحانی، ریاست جمهوری اسلامی ایران آن را به دزدی آشکار شبیه دانستند. قبل از این، آقای ظریف در مصاحبه با نیویورکر آن را به دزدی خیابانی همانند دانستند. وی طی دو دور مذاکره با جان کری، وزیر خارجه آمریکا در حاشیه اجلاس آب و هوایی سازمان ملل در ۲۱ و ۲۲ آوریل ۲۰۱۶ در نیویورک، این اقدام دیوان عالی را محکوم کرده و خواستار لغو آن شد. از قرائن چنین بر می آید که کری قولی در این خصوص به ظریف نداده است؛ چون با توجه به قانون اساسی و اصل تفکیک قوا در آمریکا، قوه مجریه صلاحیت لغو احکام دیوان عالی را ندارد. بنابراین، این حکم قطعی است و عملاً پول و دارایی ایران رفته است.

این اقدام آمریکا پیامدهای سنگینی در روابط پرتنش دوجانبه تهران-واشنگتن و همچنین روابط بین الملل دارد. مهمترین آن این است که دیوار بی اعتمادی بین دو کشور مرتفع تر می شود، از وجهه آمریکا به



واقعیت این است که سعودی‌ها در پنج سال گذشته تقریباً از هر تصمیم و سیاست باراک اوباما در خاورمیانه نگران شده‌اند، از انفعال در سوریه گرفته تا حمایت نکردن از دولت حسنی مبارک در مصر و توافق هسته‌ای با ایران



موازنه جدید خاورمیانه: به نفع ایران، به ضرر عربستان

یا حماس در غزه) که ایران خود نیز در عصر مدرن در هیچ جنگی شکست نخورده است. برعکس آمریکا که تقدیر جنگ‌های اخیرش، اغلب شکست بوده است. جنگ عراق آمریکایی‌ها را خسته کرد و به همین دلیل این کشور را در دست دولتی شیعی (نزدیک به ایران) رها کردند. حزب الله اسرائیل را از لبنان بیرون کرد و تنها نیروی عرب شکست نخورده در منطقه باقی ماند. حماس نیز به رغم تمام تلاش‌های اسرائیل و اختلافات داخلی فلسطینی‌ها همچنان اداره نوار غزه را در دست دارد.

اما دومین مشکل بزرگ برقراری توازن مجدد در منطقه این است که صلح سرد و موازنه میان ایران و عربستان نمی‌تواند در بلندمدت ادامه داشته باشد؛ چرا که برخلاف ایران و متحدانش، ائتلاف سنی در منطقه فوق‌العاده ضعیف شده است. تنها در یک مورد، دو قدرت از سه قدرت بزرگ منطقه، یعنی مصر و ترکیه، در این تقابل از پا افتاده و شدیداً درگیر مسائل داخلی خود هستند. ترکیه امروز بیش از هر زمان دیگری نگران مسئله کردهاست و مصر هم مثل همیشه با تمام توان تلاش دارد تا امنیت داخلی خود را حفظ کند. در عراق هم که روزگاری حیات خلوت عربستان سعودی بود، ریاض پس از سقوط صدام، این کشور را به طیف‌های سیاسی نزدیک به ایران (از جمله نوری المالکی) باخت. در این میان به نظر می‌رسد که سیاست اوباما تقسیم هژمونی در منطقه نیست بلکه تسلط یافتن تنها یک طرف است: تهران. اما ایالات متحده و دستگاه سیاست خارجی‌اش، این مسئله که "منطقه تحت تسلط ایران چگونه جایی خواهد بود" را تبیین نکرده‌اند. (به اعتقاد بسیاری) خاورمیانه تحت تسلط ایران جایی خواهد بود که تهران می‌تواند با دیپلماسی یا تهدید قیمت نفت را تعیین کند؛ جایی خواهد بود که فلسطینی‌ها احتمالاً دیگر زیر بار مذاکرات صلح و پیمان اسلو نخواهند رفت و جایی خواهد بود که عمان و قطر (حتی اگر به متحدان تهران تبدیل نشوند) با احترام بیشتری با ایران رفتار خواهند کرد.

منبع: روزنامه هیل / ترجمه: بهار محبی

موازنه جدید و صلح سرد در خاورمیانه این است که متحدان عربی به روش‌های غیرقابل پیش بینی از امنیت منطقه کاسته و در برابر این موازنه جدید مانع تراشی می‌کنند. دوم، در بلندمدت، وزنه این موازنه جدید به نفع ایران سنگین خواهد شد و سپس ما در برابر قلمرویی کاملاً ناشناخته قرار خواهیم گرفت. از زمان آغاز «عصر نفت» هیچ دولتی به تنهایی بر خلیج فارس تسلط نداشته است و هیچ کس نمی‌داند که ایران در قامت یک قدرت بزرگ (منطقه‌ای و جهانی) چطور رفتار خواهد کرد. البته این بازگشت هژمونی (ایران) یک شبه اتفاق نخواهد افتاد و اوباما برای جلوگیری از سنگین‌تر شدن وزنه ایران در این موازنه باید به نصیحت‌های ملک سلمان گوش کرده و از یمن شروع کند.

برای آمریکایی‌ها با وجود حضور گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه، یمن تقریباً جنگی فراموش شده است. در یمن، نیروهای هوایی عربستان انقلابیون حوثی را که از متحدان ایران به شمار می‌روند بمباران می‌کنند. در عوض در سوریه نیروهای ایرانی در کنار نیروهای دولت بشار اسد با شورشیان (تروریست‌های) مورد حمایت عربستان مبارزه می‌کنند.

زمانی که جنگ یمن در اوایل سال ۲۰۱۴ آغاز شد، (انقلابیون) حوثی‌ها، همانند حزب الله در لبنان، شکست ناپذیر به نظر می‌رسیدند. حوثی‌ها اما شکست ناپذیر نبودند و این تنها باری است که نیروهای نزدیک به ایران شدیداً تحت فشار قرار گرفته‌اند. در باقی موارد (نه فقط حزب الله در لبنان

اندرو لی . پیک

سفر اخیر باراک اوباما به عربستان سعودی در ماه‌های پایانی ریاست جمهوری وی را می‌توان یکی از بی‌حاصل‌ترین اقدامات سیاست خارجی او برشمرد. این چهارمین سفر اوباما به ریاض در قامت رئیس‌جمهوری ایالات متحده و احتمالاً آخرین سفرش بود. اوباما در این سفر قرار بود به متحد قدیمی خود در منطقه خلیج فارس اطمینان دهد که به رغم مصاحبه‌ها، سیاست‌ها، نظرات شخصی و سخنرانی‌های انتقادی‌اش، امنیت عربستان سعودی عمیقاً برایش اهمیت دارد. اما این اتفاق نیفتاد.

واقعیت این است که سعودی‌ها در پنج سال گذشته تقریباً از هر تصمیم و سیاست باراک اوباما در خاورمیانه نگران شده‌اند، از انفعال در سوریه گرفته تا حمایت نکردن از دولت حسنی مبارک در مصر و توافق هسته‌ای با ایران. از نگاه سعودی‌ها تمامی این تصمیم‌ها باعث تقویت ایران و تضعیف نظم موجود عرب سنی در منطقه شده است. البته سعودی‌ها چندان هم بیراه نمی‌روند. باراک اوباما به صراحت اعلام کرده که به اعتقادش ایالات متحده برای باد کردن این نظم سنی عرب و حفظ آن برای متحدانش، بیش از اندازه در منطقه هزینه کرده است. به همین دلیل است که اوباما با هدف ایجاد یک موازنه جدید منطقه‌ای میان سعودی‌ها و ایران، عقب نشینی را آغاز کرده، موازنه‌ای که آن را «صلح سرد» می‌خوانند. اما این یک خیال است. نخستین مشکل بزرگ طرح اوباما برای برقراری

Options گزینه اول با نام Notify for download and notify for install را انتخاب کنید.

« برنامه های پیش فرض

یکی از مشکلاتی که چه در ویندوز ۸/۱ و چه در ویندوز ۱۰ وجود داشته و دارد، باز کردن فایل ها بدون استفاده از برنامه پیش فرض تنظیم شده است. برای مثال ما نرم افزاری را به عنوان برنامه پیش فرض باز کننده تصاویر در ویندوز ۱۰ انتخاب کرده ایم اما در زمان ورود به فایل، تصویر با نرم افزار دیگری (معمولا نرم افزار پیش فرض ویندوز) باز می شود.

برای رفع این مشکل، شما می توانید به بخش Settings وارد شوید، بر روی System کلیک کنید و Default apps را انتخاب کنید. یا به جای اینکار بر روی فایل که می خواهید باز شود راست کلیک کنید، گزینه Open with و سپس Choose another app را انتخاب کنید. در همین زمان با انتخاب نرم افزار دلخواه، تیک گزینه Always use this app را هم بزنید تا همیشه این نوع خاص فایل با همین برنامه مخصوص باز شود.

« نرم افزارهای ناسازگار

ویندوز ۱۰ زمان زیادی است که در حال آزمایش های مختلف است اما هنوز برنامه هایی هستند که با این نسخه سازگار نشده اند و ممکن است در زمان اجرا کرش کنند.

یکی از راه حل های رفع این مشکل علاوه بر ارائه بروزرسانی ها جدید برای این نرم افزارها احتمالا حالت سازگاری یا Compatibility Mode است که در ویندوز ۱۰ نیز حضور دارد. بنابراین شما می توانید فایل های اجرایی (با پسوند .exe) را بر اساس نسخه های مختلف ویندوز اجرا کنید. برای اینکار بر روی همین فایل اجرایی راست کلیک کنید، در انتهای لیست باز شده Properties

بدترین مشکلات ویندوز ۱۰ و راه حل و رفع آن ها

است.

با این حال، اگر پس از بروزرسانی به ویندوز ۱۰ شاهد مشکلاتی همچون تخلیه سریع شارژ باتری هستید، ممکن است شرکت تولید کننده سخت افزار دستگاه شما، فرمور یا درایوری برای حل کردن این مشکل و بهینه گی بیشتر نرم افزار و سخت افزار دستگاه ارائه کند.

بر اساس آزمایش هایی که انجام دادیم، معمولا دانلود و نصب آپدیت های جدید ویندوز ۱۰ انرژی زیادی از باتری مصرف می کند و در نتیجه شاهد کوتاه شدن عمر باتری لپ تاپ یا تبلت ویندوز ۱۰ خود خواهید بود. بهتر است زمان بندی دانلود و نصب بروزرسانی های جدید ویندوز ۱۰ را خودتان به دست بگیرید و در زمان مناسب اقدام به دانلود و نصب آپدیت های جدید کنید.

برای کنترل زمان دانلود و نصب آپدیت های جدید ویندوز ۱۰ به بخش جستجوی دستگاه مراجعه کنید، عبارت Edit Group Policy را وارد کنید و به برنامه مورد نظر با همین اسم وارد شوید. پس از ورود به Edit Group Policy به مسیر Administrative Templates > Windows Update > Windows Components بروید و فایل تنظیمات Configure Automatic Updates را باز کنید. در بخش بالای پنجره ای که باز شده Enabled را انتخاب کنید و سپس در زیر بخش

اگر سیستم خود را به ویندوز ۱۰ ارتقا داده اید، ممکن است به دلیل وجود برخی باگ های اذیت کننده، هنوز تجربه ای روان و عالی از آخرین نسخه سیستم عامل مایکروسافت کسب نکرده باشید. نمی توان گفت ویندوز ۱۰ از مشکلاتی عمیق و جدی رنج می برد اما همچنان باگ هایی در این نسخه وجود دارند. خوشبختانه راه حل یا راهنمایی برای رفع این باگ ها نیز موجود است که در ادامه به آن ها خواهیم پرداخت.

همانطور که می دانید ویندوز ۱۰ مدت زیادی در مراحل آزمایشی یا به گفته مایکروسافت در «نسخه های پیش نمایش فنی» در حال رفع اشکال بوده و آزمون های زیادی را پشت سر گذاشته است. اما همچنان غول نرم افزاری دنیا بر روی سیستم عامل بسیار کامل و قوی خود در حال کار است تا مشکلات کنونی را نیز رفع کند. در حال برای آشنایی یا رفع باگ های مهم ویندوز ۱۰ در ادامه با ما همراه بمانید.

« طول عمر باتری

پس از هر بروزرسانی نرم افزاری برای دستگاه های مختلف، معمولا طول عمر باتری یکی از مشکلاتی است که کاربران با آن درگیر می شوند. اما خوشبختانه ویندوز ۱۰ زیاد چنین مشکلی برای لپ تاپ یا تبلت های مبتنی بر این سیستم عامل ایجاد نکرده و خوشبختانه در این مورد بهینه شده

ws 10



One platform One store



صفحه اصلی | دوستان | آرشیو | تماس با ما | عناوین مطالب

سردار شهید علیرضا خلوص دهقان پور فرمانده گردان سلمان

علیرضا در آخرین روزهای خرداد ۱۳۳۸ در روستای ازگم از توابع شهرستان صومعه سرا متولد شد. او پنجمین فرزند خانواده خلوص دهقان پور بود که در محیطی صمیمی پرورش یافت.



دوران تحصیل را در روستای محل تولد سپری کرد و از سنین نوجوانی فعالیت‌های مذهبی خود را آغاز کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی وارد فعالیت‌های سیاسی شد. قبل از ورود به منظور بالا بردن توان رزمی و فراگیری فنون نظامی در ۱۷ آبان ۱۳۵۹ به پایگاه آموزشی چالوس اعزام شد و بعد از اتمام دوره آموزشی به عضویت رسمی سپاه صومعه سرا درآمد و در یگان حفاظت سپاه مشغول به کار گردید.

در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ در بحث‌ها و مناظره‌ها با گروهک‌های الحادی شرکت می‌جست و با منطق و استدلال نظراتشان را رد می‌کرد. وقتی که آن‌ها اعلان جنگ مسلحانه کردند او نیز دوشادوش نیروهای انقلاب در سرکوب و جنگ‌های مسلحانه شرکت داشت.

در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۱ به منطقه جنگی اعزام شد و در لشکر ۲۵ کربلا به انجام وظیفه پرداخت و با شرکت در عملیات رمضان مجروح و در بیمارستان بستری گردید. دکتر معالج به او گفته بود

نباید از تخت بیمارستان حرکت کند و باید چند هفته در بیمارستان بستری باشد ولی پس از چند روز از بیمارستان فرار کرد و راهی جبهه شد.

۴۹

در سال ۱۳۶۱ در سن ۲۳ سالگی از خانم هاجر فکوری خواستگاری کرد و در کمتر از یک هفته با انجام مراسمی ساده زندگی مشترک خود را آغاز کردند. ۳ ماه بعد از ازدواج در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۶۱ عازم جبهه‌های جنوب شد. در عملیات محرم شرکت کرد و در این عملیات مجروح شد و به مدت ۲۴ ساعت در یکی از بیمارستان‌های اهواز بستری بود اما فردای آن روز با لباس بیمارستان و بدون اجازه، بیمارستان را ترک کرد و عازم منطقه جنگی شد. بعد از بازگشت از منطقه جنگی به فرماندهی یگان سپاه صومعه سرا منصوب شد و مدت سه سال عهده دار این مسئولیت بود. بعد از گذشت دو سال و نیم از ازدواج او، اولین فرزندش "اسماعیل" به دنیا آمد.

علیرضا، همواره اصرار داشت به مناطق جنگی اعزام شود اما مسئولین سپاه با اعزام وی مخالفت می‌کردند. به همین خاطر از سمت خود استعفا کرد تا بار دیگر بتواند در جبهه حضور یابد. در روز ۵ اردیبهشت ۱۳۶۵ بعد از اعزام به جبهه، فرماندهی گروهانی گردان میثم لشکر قدس را بر عهده گرفت و همراه با نیروهای تحت امر در عملیات کربلای ۲ شرکت کرد که مجروح شد.

بعد از بهبودی در عملیات کربلای ۵ شرکت جست و در این عملیات نیز مجروح شد. هنوز زخم‌های بدنش التیام نیافته بود که به جبهه بازگشت و بیش از دو سال در مناطق عملیاتی غرب و جنوب کشور حضور داشت. پس از بازگشت به پشت جبهه، مدتی در دوره آموزش فرمانده‌های گردان در تهران شرکت کرد و بعد از آن به فرماندهی گردان سلمان از لشکر قدس گیلان منصوب گردید.

در تابستان ۱۳۶۷ شش‌زده روز قبل از قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی، علیرضا در مرخصی بود که مکرراً از لشکر قدس با او تماس می‌گرفتند هر چه زودتر به منطقه رفته و گردان خود را تحویل بگیرد. وقتی آماده حرکت شد، با حالتی ناراحت به همسرش می‌گوید: «اگر شهید شدم می‌دانم که برایت خیلی سخت می‌گذرد و بچه‌ها کوچکند، اما تو باید مثل حضرت زینب (س) صبر کنی.»

علیرضا خلوص دهقان پور فرمانده گردان سلمان با بیش از ۳۶ ماه حضور در جبهه سرانجام در بلندی‌های قامیش در ماووت در ۲۶ خرداد ۱۳۶۷ به شهادت رسید و پیکرش در منطقه باقی ماند. سرانجام در سال ۱۳۷۳ پیکر او توسط گروه تفحص نور در منطقه حاج عمران شناسایی و به ایران منتقل شد و با تشییع باشکوه در زادگاهش، ازگم صومعه سرا به خاک سپرده شد.

را انتخاب و تب Compatibility را باز کنید. اکنون می‌توانید برنامه را بر اساس نسخه‌های مختلف ویندوز اجرا کنید. با اینکه حالت سازگاری، راه حل صد درصد این مشکل نیست اما ممکن است کمک کند.

کرش‌های مرورگر مایکروسافت اج

مایکروسافت به کلی اکسلوررا فراموش کرد و مرورگری سریع و ساده با نام مایکروسافت اج را از پایه طرح‌ریزی کرد تا در ویندوز ۱۰ کاربران به سمت دیگر مرورگرهای موجود کشیده نشوند. اما هنوز نمی‌توان گفت مایکروسافت اج توانایی جایگزینی مرورگرهای محبوبی همچون فایرفاکس یا کروم را پیدا کرده است.

مایکروسافت اج گاه و بیگاه با کرش‌های حسابی رو به رو می‌شود. برای مثال پس از چند بار به خواب رفتن و بیدار شدن دستگاه، اج نمی‌تواند برگه‌های باز مانده را بازیابی کند و شما را مجبور به بستن این نرم‌افزار می‌کند. مایکروسافت اج هنوز از افزونه‌های کاربردی و قابلیت‌های کاملی که در دیگر مرورگرها حضور دارد، بهره نمی‌برد و بر روی سرعت مرورگری وب شما تاثیر منفی می‌گذارد. بنابراین باید به فکر راه چاره‌ای برای رفع این مشکل بود.

متأسفانه مرورگر کروم گوگل با ویندوز ۱۰ هماهنگ نیست و منابع زیادی از سیستم را به خود اختصاص می‌دهد و لپ‌تاپ یا تبلت شما را بسیار داغ می‌کند. بنابراین کروم زیاد گزینه خوبی برای استفاده در ویندوز ۱۰ مخصوصاً برای باتری تبلت یا لپ‌تاپ‌ها نیست. اما فایرفاکس به مراتب گزینه بهتری نسبت به کروم به حساب می‌آید. با نصب افزونه Memory Fox حتی می‌توانید مصرف حافظه رم فایرفاکس را بیش از این بهینه کنید.

دیگر مشکلات ویندوز ۱۰

ویندوز ۱۰ قرار است با سخت‌افزار و نرم‌افزارهای زیادی سازگاری نشان دهد. بنابراین مشکلات زیادی در این میان برای سازگاری نرم‌افزارهای مختلف توسعه داده شده برای این سیستم عامل و سخت‌افزارهای زیادی که توسط تولیدکننده‌های متفاوت ساخته شده ممکن است پیش آید. اگر به مشکل عمیقی با ویندوز ۱۰ خود برخورد کردید، حذف نرم‌افزارهای مختلف نصب شده می‌تواند یک راه حل باشد. اما راه حل اساسی تر قطعاً ریست کردن ویندوز است. برای ریست کردن ویندوز ۱۰ و بازگشتن به تنظیمات اولیه این سیستم عامل به بخش Settings بروید. تب Update & security و سپس گزینه Recovery را انتخاب کنید. در زیر بخش Reset this PC می‌توانید به تنظیمات اولیه ویندوز بازگردید.

منبع: namehnews.ir



Window



One product family

جزیره

هادی خورشاهیان

نمی‌دانست من با خودم اسلحه آورده‌ام که حالا بدانند کجا گم و گور شده است. همه‌ی بدبختی‌هایم کم بود، حالا عزا گرفته‌ام که اگر کشت دریایی آمد، حتی یک نفر را هم نمی‌توانم از این بالا بزنم، دل و جرات پیدا کنند جوان‌های شهر.

بابا گفت مگر نان نخورده‌ای یوسف؟ چهار تا آجر می‌خواهی پرت کنی‌ها. خوب شد عقلم رسید نگفتم برو کوه بیستون را بکن. خدای نکرده این سقف تو هم هست. من و مادرت که یک عمر زیر آفتاب و باران خوابیده‌ایم و سقف به دردمان نمی‌خورد خیلی. می‌خواهم سقفی باشد که یک چراغ از آن آویزان کنم، زیر نورش چهار کلمه چیز یاد بگیری، نشوی بابای کارگرت که روز خویش جنس قاچاق از آن ور آب می‌آورد این طرف؛ آدم قاچاق می‌برد آن ور. انصاف هم خوب چیزی است انصافا.

آجرها کف دستم را داغان کرده بودند به خدا. به کف دست خودش نگاه می‌کرد که سال‌ها بود پینه بسته بود و دیگر پینه روی پینه برایش فرقی نداشت. ولی من که پوست

آن همه اعلامیه را یک شبه توی شهر به این کوچکی پخش نمی‌کردم که ژاندارمری مثل آب خوردن ردم را بزند.

حالا خدایی بود که از دست‌شان قسر در رفته بودم، ولی مگر تا کی می‌شد توی این جزیره ماند؟ بالاخره یکی رد آدم را می‌زد و خبر می‌داد. آمده بودیم که زندگی را کمی کش بدهیم و بقیه‌ی جوان‌ها جرات پیدا کنند وگرنه اگر همان روز اول گیر می‌دادیم، که همه ترس‌ورشان می‌داشت و ژاندارمری گربه را دم حجله کشته بود و زورش را به همه نشان داده بود که این هم آدم پر دل و جگر تان. یک روزه گرفتیمش و حالا هم توی پوستش کاه می‌ریزیم و آتش می‌زنیم تا دیگر کسی علیه مملکت اعلامیه پخش نکند.

می‌گویم یحیی جان دقت کن ببین اسلحه چی شده است؟ همه‌ی وسایل را آورده‌ایم پشت صخره، دست نخورده. فقط این وسط اسلحه گم شده است. یعنی تو ندیدی‌اش؟ نمی‌دانی چی شد؟ می‌گوید از کجا بدانم؟ راست هم می‌گوید طفلکی. از کجا بدانند؟ اصلا یحیی که

می‌گوید از کجا؟ راست هم می‌گوید، ولی من چه می‌توانم بکنم که در این جزیره، دستم به جایی بند نیست. آوردمش که تنها نباشم، که کمکم باشد ولی مگر همیشه هر چه بخواهی می‌شود، که این بار هم این قدر سمج توقعش را دارم. برادرم که نه، اما یحیی از برادر برایم عزیزتر است و از چشم‌هایم به او بیشتر اطمینان دارم، ولی می‌گوید از کجا بدانم و من مانده‌ام که چطور باور کنم نمی‌داند اسلحه را چه کرده‌ام. هر چه را فکر می‌کردم لازم است برداشتم و ریختم توی دو سه تا کیسه گونی و یک چمدان بزرگ و با یحیی آوردیم گذاشتم توی قایق. تا خبر به ژاندارمری برسد که ردمان را بزنند، رد گم کرده بودیم. فکرش را باید می‌کردم آن همه اعلامیه را که توی یک شهر کوچک پخش کنی، بالاخره یک شیر پاک خورده‌ای پیدا می‌شود، لو بدهدت برای حتی اگر شده یک لقمه‌ی نان. که همین طور هم شد.

باز خدا پدر ابوحامد را بیامزد که به خاطر خاطرخواهی مادرم هم شده خبر را از ژاندارمری راست آورد گذاشت کف دستم، که تا فرصت داری فرار کن یوسف جان که اگر بگیرندت من جواب مادرت را چگونه بدهم مادرت مگر طاقت چقدر غصه را دارد توی این سن و سال. یحیی هم طفلکی آمد و محکم هم پای برادری‌اش با من ایستاد و ابوحامد هم که عمویم بود و نبود، کم‌تر از پدر نبود انصافا که خاطر مادر را از بچگی می‌خواست و مردانگی کرده بود، سرعشق و عاشقی بابا، پایش را کشیده بود کنار. اما حالا می‌خواست محکم پای عشقش بایستد و پایش را کنار نکشد از حتی خون‌خواهی رقیقش که سوراخ سوراخ شده بود برای وطن.

یحیی گفت آتش روشن کنیم. گفتیم مگر مغز خر خورده‌ایم. اما انصافا اگر نخورده بودم که



دستم هنوز کلفت نشده بود که یک بند آجر پرت کنم. بالا، بابا دیوار راست بسازد. پانصد تا هم بیشتر آجر پرت کرده بودم، ولی چشمش نمی آمد. تا سقف خانه را نمی زد، باورش نمی شد اصلا کاری شده است که حالا من یک سهمی هم در آن داشته باشم.

هنوز یک ماه از زدن سقف نگذشته بود که جنازه اش را آوردند. باران می بارید که آمد توی اتاق و گفت زن یک لقمه شام بده بخورم بروم. مادر گفت کجا می خواهی بروی توی این باران؟ گفت اتفاقا چون باران می آید به این شدت می شود این کار را کرد و گرنه گشتی ها می ریزند و می گیرند جوان مردم را. گفت نمی خواهم خون این یکی هم بیفتد گردن من. تا حالا خیلی ها را می توانستم رد کنم بروند، نکردم. عذاب وجدان دارم زن. شبها کابوس می بینم. می بینم یوسف خودم را دارند مامورها می برند تیر باران کنند. این جوان امشب از تهران آمده طفل معصوم. باید بپرشم. باید همین امشب ببرمش آن طرف آب. وگرنه فردا معلوم نیست جنازه اش را با چند تا سوراخ به مادر مادر مرده اش تحویل بدهند. اگر بدهند نامردها! می برند شبانه دفن می کنند، جایش را هم نمی گویند خیلی وقتها به پدر و مادر بدبختش.

یک لقمه شام خورد و یک استکان چای داغ هم رویش. مادر گفت غیر از پول قاچاق تا حالا پول آورده ای توی این خانه؟ بابا گفت نه انصافا، یا جنس آورده ام، یا آدم برده ام. پولش هم زندگی را هر طور بوده چرخانده. این یکی هم پول خوبی می دهد ولی این را به خاطر جوانی اش می برم. آدم نکشته فراری باشد.

پول مردم را هم نخورده. سیاسی است طفل معصوم. پول قاچاق حرام است والله. من هم می دانم، ولی پول این جوان حلال است. پول حرام را هم از راه حلال باید به دست بیاورد آدم.

گشتی ها جنازه ی بابا و آن جوان را سوراخ سوراخ از آب گرفتند. جنازه ی بابا را دادند خاک کردیم. ژاندارمری خودش گفت اسماعیل نمی دانسته این جوان سیاسی است. به مرکز هم گفتیم این جا همه قاچاق می آورند و آدم می برند. همه هم می دانند. وگرنه مرکز جنازه اش را هم نمی داد به خدا دفن کنید، شبهای جمعه بروید سرخاکش گریه کنید.

می گویم یحیی انصافا اسلحه را ندیدی؟ یعنی چی شد این صاحب مرده؟ می گوید از کجا بدانم؟ دیگر به عمو ابوحامد و یحیی اگر اعتماد نکنم به کی می توانم اعتماد کنم. طفل معصوم از جانش گذشته، پا شده با من آمده روی این تخته سنگها، پشت صخره می لرزد از ترس، من هم گیر داده ام که ندیدی اسلحه کجا افتاده یحیی؟

مادر گفت نگفتی حالا بعد بابایت فقط تو مانده ای برایم یوسف جان؟ این چه کاری بود کردی مادر؟ می خواهی با چهار تا کاغذ پاره دولت عوض کنی یوسف جان؟ این همه تفنگ به دست را مگر ندیدی مادر؟ می زند با دو دست توی سرش و موهایش را می کشد. موهایش جو گندمی شده اند توی همین سن و سال. دلم می سوزد وقتی ناخن می کشد و پوست و گوشت صورتش را می خراشد و خون می ریزد همه ی صورتش را پر می کند مثل شب آوردن جنازه ی سوراخ سوراخ شده ی بابا گریه می کند این زن. ولی کاری است

که شده. اعلامیه ها را پخش کرده ام دیگر. نمی توانم بروم جمع شان کنم، این مصیبت تمام شود. عمو هم که آمده خبر داده باید بروم. خودش هم که اسلحه را برایم قايم کرده است توی چمدان زیر لباس هایم. یحیی هم که آمده برادرش را، پسر خاله اش را، رفیقش را تنها نگذارد. حالا کاری است که شده دیگر، چه کار می توانم بکنم؟

چشم هایم را که باز می کنم هنوز شب است و سه تا ژاندارم با اسلحه بالای سرم ایستاده اند. یحیی هنوز خواب است. یکی از ژاندارم ها با لگد یحیی را از خواب می پراند. یحیی از جا می پرد و با وحشت به صخره می چسبید. لاقل نگذاشتند یک روز بگذرد. همین شب اول پیدايم کردند. ابوحامد می گفت این نامردها سایه را از پشت سنگ پیدا می کنند چه برسد به آدم. ولی عیبی ندارد. من کار خودم را کرده ام. حالا فقط می ترسم از بلایی که سر یحیی و عمو ابوحامد می آید. مادر داغ مرا چطور می خواهد تحمل کند، خدا می داند. می زنند، با مشیت و لگد و قنداق تفنگ می زنند. سر و صورت من و یحیی را پر خون می کنند.

دست هایمان را به هم دستبند می زنند و می برندمان توی قایق شان. می برندمان ژاندارمری. نمی دانم چه بلایی بر سرمان می آورند. نمی خواهم بدانم اصلا نمی ترسم فقط برای مادر. برای یحیی هم می ترسم، برای ابوحامد هم می ترسم.

همان طور خونین و مالین و با دستبند می اندازندمان توی سلول. خبر می دهند به مرکز که دستگیرمان کرده اند. به جنازه ی سوراخ سوراخ شده ی بابا فکر می کنم. به آن جوانی که اصلا ندیدم چند ساله است. به صورت خونی مادر فکر می کنم. یحیی ناله می کند. هوا کم کم روشن می شود. هوا که روشن شود می اندازندمان عقب جیب و می برندمان مرکز. حتما همین کار را می کنند. یحیی ناله می کند و حرف نمی زند. این طفل معصوم را هم بدبخت کردم. نباید می گذاشتم بیاید. نباید می گذاشتم خودش را قاطی این ماجرا کند. به اسلحه ای فکر می کنم که پیدایش نکردم. به یحیی می گویم حالا هم یادت نمی آید اسلحه مان چی شد؟ می گوید از کجا بدانم؟



گریه کن

(تقدیم به رهبر کبیر انقلاب)

گریه کن ابر بهاری گریه کن
با من از این سوگواری گریه کن
دل ندارد طاقت هجران او
با دل من خود به یاری گریه کن
در فراق چهره مولای خویش
نایداز من هیچ کاری گریه کن
چون دهم شرح غم‌اش را با کسی
تا همیشه، سوگواری گریه کن
دل به عشق‌اش داده‌ام دل‌داده‌ام
بهر این دل، دل‌فکاری گریه کن
می‌رسد خرداد و داداز یاد او
کی توانم بردباری گریه کن
سالیانی می‌رود بی‌روی او
بر جهان و نابکاری گریه کن
دست ما از دامش کوتاه شد
زان ما شد بی‌قراری گریه کن
صابر از دل کی رود اندوه او
در عزایش غصه‌داری گریه کن
از خمینی درس دینداری بگیر
برچنان صبر و صبوری گریه کن

محمدتقی صابری

اینجا که خاک، بوی کبوتر گرفته است

با خنده‌ای که عکس تو در بر گرفته است
دیوار خانه چهره‌ی دیگر گرفته است
بعد از تو برق شور و شفع را هجوم اشک
از چشم‌های خسته‌ی مادر گرفته است
بی‌شک شبیه کوچی‌ی ما، کوچه‌های عرش
از نام پر شکوه تو زیور گرفته است
حالا منم، کنار تو، اینجا که پر زدی
اینجا که خاک، بوی کبوتر گرفته است
ای انعکاس دست علی! برق ذوالفقار!
افلاک، پشت نام تو سنگر گرفته است
اینجا، نماز چلچله‌ها رو به دست توست

دستی که رنگ غیرت حیدر گرفته است
چشمان من همیشه همین جا کنار توست
اینجا که خاک، بوی کبوتر گرفته است

طاهره رستمی

سرود رهایی

بر پاره‌های کاغذ ذهنم نوشتتم
شاید مچاله بود، ولی من سرودمت
هی سنگ بود و آتش و سربینه‌های داغ
اما چه پاک مرگ، که در صحنه دیدمت
بر زیر چکمه‌های خصم دو بالم ز هم گسست
اما هنوزم ای شراره، ز گلبن نجیدمت
تو رنگ خود ز خون جوانان گرفته‌ای
آلاله‌ای، به سنگ خیابان، کشیدمت
در امتداد رویش ذهنم نشسته‌ای
آزادی‌ایی تو، که با جان خریدمت

مجید شاهی آشان

دست خدا

غریبی از شهادت یاد کرده است
کسی خورشید را فریاد کرده است
تو را دست خدا آزاد کرده است
الا شهر حماسه، شهر خرم

علی عدالتی (منتظر)

قیام ۱۵ خرداد

قسم به جان خمینی، زعیم شرع مدار
به رهروان حقیقت، به حرمت احرار
به خون پاک شهیدان راه آزادی
به حق هر که کند با ستمگران، پیکار
به مادری که، جگر گوشه‌اش بخون غلتید
به کودکی که فکندش، مسلسل اشرار
که شاه خائن بیدادگر، اگر از کین،

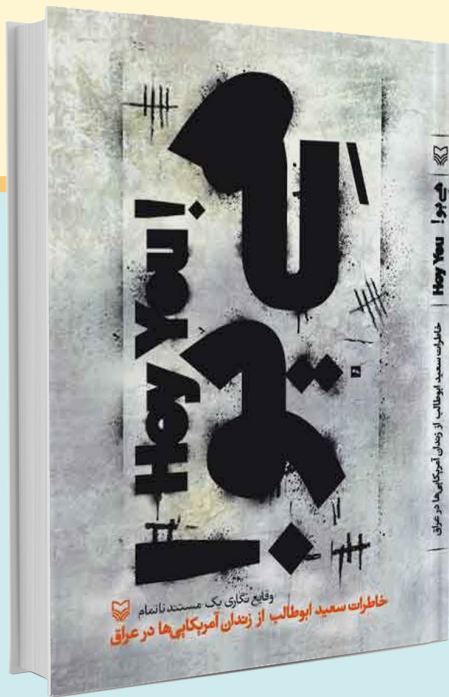
هزار مرتبه کشتار را کند تکرار
ز دودمان وی و جمله جیره‌خوارانش
به انتقام شهیدان برآوریم دمار

محمدعلی صاعد

مثنوی دزفول

شهر من دزفول، شهر عشق و شور
ای امام شهرها شهر صبور
خاک اینجا قطعه‌ای از کربلاست
جای جایش با غرورت آشناست
خاک اینجا خاک خون و غیرت است
سرفراز از سال‌های غیرت است
سال‌های استقامت در خزان
سال‌های جنگ جنگ بی‌امان
سال‌های موشک و زخم و بلا
سال‌های کل ارض کربلا
شهر من اینجا شهیدآباد ماست
یادگار بغض بی‌فریاد ماست
این مزار غربتی ناگفته است
کودکی شش ماهه اینجا خفته است
کن نظر این قطعه گلزار را
این شهیدان گل عمار را
اینکه می‌بینی پر از شور است و حال
یادگار است از شهیدان بلال
این مزار پاک بی‌جسم علی است
این مزار بی‌چراغ درولی است
ای دلیران دل فتح‌المبین
عاشقان خنده در میدان مین
آه ای جوارهای بس زلال
بچه‌های خوب گردان بلال
ای مصادیق فداکاری سلام
بچه‌های پاک عمار سلام
کو خروش بچه‌های ذوالفقار
نغمه ایوم یوم الافتخار
آفتاب آینه‌دار چشمتان
خاک در شور و شفع از خشمتان
نام زهرا (س) ذکر آن لب‌های پاک
ذکرتان یابن الحسن روحی فداک

سیدحبیب حبیب‌پور



«هی یو»

مؤلف: سعید ابوطالب
انتشارات: سوره مهر

«هی یو» تازه‌ترین کتاب سعید ابوطالب، سینماگر و نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد. این کتاب با موضوع وقایع نگاری از زندان‌های آمریکا در کشور عراق نوشته شده که ابوطالب خود نیز مدتی را در آن زندانی بوده است. به گفته ابوطالب، «هی یو» به نوعی خاطرات وی از حضور و اسارت چهارماهه‌اش توسط نیروهای ائتلاف در عراق است. البته این کتاب صرفاً مجموعه خاطرات نیست و پیوست‌ها و اسناد مهم بین‌المللی را نیز شامل می‌شود. ابوطالب درباره قالب کتاب «هی یو» توضیح داد: این کتاب به سبک خاطره‌نگاری کلاسیک نوشته نشده است و من همه توانم را به خرج دادم تا از شیوه سیال ذهن استفاده کنم و از روایت خطی بپرهیزم. وی در مقدمه این کتاب درباره آن می‌نویسد: «ماجرا از زمانی آغاز شد که من برای ساخت مستندی با موضوع شرایط عراق بعد از آغاز حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۲ میلادی) به این کشور سفر کردم تا مستندی برای شبکه دو تلویزیون ایران بسازیم که اگر تمام می‌شد نامش را «مرداب سرزمین افسانه‌ها» می‌گذاشتیم و اما نشد. در این مأموریت محمدناصر پورصالحی که پیش از این در سال‌های دفاع مقدس کنار هم بودیم و تجربه ساخت مستند صبرا و شتیلا را با هم در لبنان داشتیم و سهیل کریمی که کمی پیش از این سفر او را می‌شناختم و در تولید مستند «رقص فقر» و «گزارشی از شرق» همراهی‌ام کرده بود، حضور داشتند. من و سهیل دهم تیرماه در مسیر کوت به حله به اسارت تفنگدارهای دریایی آمریکا درآمدیم و چهار ماه بعد آزاد شده، از مرز شلمچه توسط نیروهای انگلیسی تحویل مقامات ایران شدیم.

تابستان سال ۱۳۹۰، وقتی ساخت فیلم مستند «بنت جبیل» را در لبنان تمام کردم، فرصتی پیش آمد تا هر روز غروب روی یکی از صندلی‌های چوبی منطقه روشه رو به دریا، پشت به دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB) بنشینم و خاطرات دوران اسارت در عراق را مرور کنم و آخرین سطور آن را جایی تمام کنم که همه‌روزه ساکنین مسلمان و مسیحی بیروت همراه انبوه گردشگران خارجی، در ساحل مدیترانه قدم می‌زنند، تنها شاید به این دلیل که میان جمعیت یکی از زندانی‌ها یا زندانبان‌های کمپ فرودگاه بغداد یا کمپ بوکا در جنوب عراق را بیابم. ابوطالب کتابش را با روایتش از زندانی شروع می‌کند که به همراه بیش از بیست زندانی دیگر خود را در آن می‌بیند.

شهید بن شهید

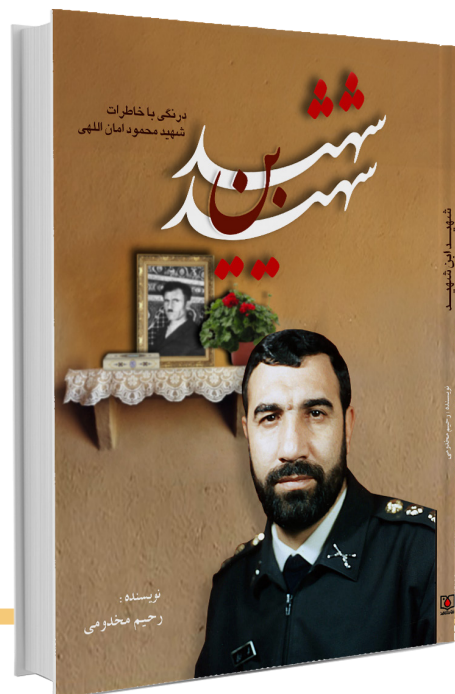
مؤلف: رحیم مخدومی

انتشارات: نشر شاهد

کتاب «شهید ابن شهید» با موضوع خاطرات «شهید محمود امان‌اللهی» توسط «نشر شاهد» به چاپ رسید. رحیم مخدومی، درباره نگارش اثری جدید خود گفت: این اثر دربردارنده خاطرات شهید محمود امان‌اللهی، از شهدای شاخص کردستان است. این اثر در ۲۰۰ صفحه تدوین شده و در هر فصل از اثر یکی از بخش‌های زندگی این شهید نقل شده است. این شهید بزرگوار زندگی جالبی داشتند و جالب‌تر اینکه شهادت وی نیز در نوع خود جالب بود. وی پیش از شهادت در سال ۷۹ وصیت کرد که اعضای بدنش اهداء شود و با این کار به سه نفر زندگی دوباره بخشید.

رحیم مخدومی در مورد شخصیت شهید امان‌اللهی چنین گفت: «شخصیت این شهید بسیار منحصر به فرد است. از لحاظ قوای نظامی ایشان کار در ارتش، سپاه، بسیج، کمیته، نیروی انتظامی و وزارت کشور را تجربه کردند. این شهید در همان اوایل جنگ اسیر می‌شوند؛ اما عراقی‌ها به خاطر جراحات فراوانی که داشتند، ایشان را آزاد می‌کنند. جراحات ایشان تا حدی بود که همه فکر می‌کردند شهید شده و حتی مجلس ختم هم برای ایشان برگزار شده بود. اما پس از رهایی از بند اسارت و بهبود نسبی وضعیت جسمانی دوباره به جبهه برمی‌گردند و چندین بار دیگر نیز مجروح و شیمیایی می‌شوند. ایشان مداح بسیار خوبی هم بودند و مجالس مداحی این شهید حال و هوای خاصی داشت. «مرحوم ابوترابی» ارادت ویژه‌ای به «شهید امان‌اللهی» داشت و در مراسم ختم این شهید مدام از رشادت‌هایش می‌گفت. از آن جهت که این شهید خودش فرزند شهید بود، نام کتاب را «شهید ابن شهید» گذاشتم.»

رحیم مخدومی نویسنده ادبیات دفاع مقدس در سال ۱۳۴۵ در ورامین به دنیا آمد. وی دارای مدرک کارشناسی امور تربیتی است. مخدومی به مدت هشت سال کارشناس نشر شاهد و دو سال در بنیاد مرکز مشغول به کار بوده است. وی در جشنواره‌های متعددی به عنوان نویسنده برتر معرفی شد که از جمله آنها می‌توان به جشنواره‌های کتاب معلم، شهید حبیب غنی‌پور، انتخاب کتاب دفاع مقدس بنیاد و جشنواره ارشاد ۲۰ سال ادبیات پایداری اشاره کرد.



باشگاه مهربانی پل ارتباطی ما و شماست. با ما در تماس باشید و شماره‌ی خود را هم برآیمان بفرستید، شاید روزی صدای گرم شما هم، دلگرممان کند

رعنا موسوی - کرج

- از شاهد جوان تماس می‌گیرم می‌خواستم نظرتان را درباره‌ی مجله بدانم؟
خیلی مجله خوبی است، تنها مجله‌ای است که مستقیم می‌آید در خانه‌مان و از صفحه اول تا آخر را می‌خوانم. اطلاعات عمومی خوبی دارد و صفحه گردشگری را خیلی دوست دارم، فقط جدولش خیلی تخصصی است.
- نظرتان درباره‌ی مجله‌ی خودتان چیست؟
دست شما درد نکند، از همه لحاظ خوب و عالی است.
- دوست دارید چه صفحه‌ای به مجله اضافه شود؟
چیزی به ذهنم نمی‌رسد.
- به نظرتان جای چه صفحه‌ای در مجله خالی است؟
جای مصاحبه با مادران شهدا در مجله خالی بود الحمدالله مدتی هست که این مطلب اضافه شده.

امیر نصیری - لاهیجان

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
مجله خیلی خوبی است. مطالب پربار خوبی دارد.
- از بین صفحات مجله، کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
صفحه‌ی لبخند، موج‌سازان، اجتماع، حماسه آفرین، دور و نزدیک و
- دوست دارید چه تغییراتی در مجله ایجاد شود؟
صفحه پیام کوتاه اضافه شود.

نبیل موسوی - اهواز

- با کدام صفحه‌ی شاهد جوان ارتباط بهتری برقرار می‌کنید؟
موج‌سازان و حماسه آفرین. هر وقت با شخصیت جدیدی آشنا می‌شوم تا شماره بعد در مورد آن افراد مطالعه می‌کنم و افسوس می‌خورم که این کشور چه بزرگانی را از دست داده است.
- اگر قرار باشد شهری را برای دوستان معرفی کنید که در صفحه خانه دوست به آن بپردازیم کدام شهر است؟
خوشبختانه کشور ما شهرهای زیادی دارد که هم مکان‌های دیدنی زیادی دارند و هم سوغاتی‌های بسیار زیبایی به عنوان نمونه به یزد و اصفهان می‌توان اشاره کرد.

ساناز آقایی - تهران

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟

مجله‌ی خوبی است من هر ماه دریافت می‌کنم. مطالب و خواندنی دارد.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
صفحات در مورد شهدا.

محبوبه پارسان - کرمانشاه

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
در بین مجلات مورد علاقه‌ی من مجله شاهد جوان مجله خوب و جذابی است.
- صفحات مورد علاقه شما کدام صفحات هستند؟
من نسبت به صفحات اجتماع، سبک زندگی، سلامت، نور و نقره، نقد و نظر و... علاقه خاصی دارم.
- شما می‌دانید ۳ خرداد چه روزی است؟
مگر می‌شود ایرانی باشی و ندانی این روز چه روزی است، روز فتح خرمشهر.

ایرج رئیسی - شیراز

- نظرتان درباره مجله شاهد جوان چیست؟
مجله خوبی است. نسبت به قبل خیلی بهتر و جوان‌پسندتر شده. درست است که باید به مسئله‌ی دفاع و جنگ بپردازیم ولی در کنارش مسائل روز هم لازم است.

علی حسین پور - بجنورد

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله.
- مجله شاهد جوان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
شاهد جوان مدت زیادی روال رو به زوالی را در پیش گرفته بود ولی از اواخر سال گذشته خدا را شکر یک تغییراتی در مطالب مجله دادید که جذابیت مجله را بیشتر کرده بود مخصوصاً معرفی



مناطق جنگی و البته معرفی شخصیت‌های قهرمان و مصاحبه با آنان.

علی مشایخی - زنجان

- نظرتان در مورد شاهد جوان چیست؟
مجله خوبی است.

- به کدام صفحه علاقمندید؟

معمولاً همه صفحات مجله را دوست دارم.

- چه پیشنهادی دارید؟

پیشنهاد خاصی ندارم و بخاطر زحماتتون ممنون هستم.

مرتضی بیاتی - تهران

- شما چند سالتان است و چند وقت مشترک مجله هستید؟

۳۲ ساله هستم و چند وقت را دقیقاً نمی‌دانم ولی سال‌های زیادی از آن زمان می‌گذرد.

- چه پیشنهادی برای مجله دارید؟

صفحاتی برای مطالب ارسالی مخاطبین قرار دهید تا آثار این عزیزان در آن صفحه درج شود.

- اگر مطلبی از این بزرگواران به دست ما برسد در صفحه باشگاه مهربانی کار می‌شود.

فاطمه حسین زاده - فارس

- شما که از مشترکین مجله هستید چرا این مجله را انتخاب کردید؟

بله، مجله را بنده انتخاب نکرده‌ام چون آن زمان خیلی کم سن و سال بودم، بلکه پدر عزیزم جز مشترکین مجله شاهد جوان است و منم همراه ایشان از این مجله خوب استفاده می‌کنم.

- ممنون از صداقت شما. پیشنهاد خاصی برای پیشرفت مجله ندارید؟

با فرزندان ایثارگران نیز مصاحبه کنید.

- در چند شماره قبل با چند فرزند شهید موفق نیز مصاحبه داشته‌ایم.

کریم صفری - قم

- مجله شاهد را دریافت می‌کنید؟

بله. من چند سال است که مخاطب مجله شاهد جوان هستم.

- نظرتان در مورد تغییرات مجله را بفرمایید؟
خیلی خوب است. اینکه این مجله دارد به خانواده ایثارگران ثابت می‌کند هنوز به یادشان است. و یاد شهدا را زنده نگه می‌دارد.

عباس طورانی - تهران

- نظرتان در مورد مجله شاهد جوان؟

شاهد جوان به دلیل اینکه مخاطبین جوانی دارد کارش خیلی سخت است. چون جوانان تنوع را می‌پسندند و یکنواختی برایشان بدترین اتفاق است. با وجود این سختی اعظم صفحات شما مطالب خوبی دارد.

- پیشنهادی خاصی برای شاهد جوان دارید؟
به دلیلی که ذکر کردم سعی کنید تعداد صفحاتی که مطالب آزاد در آنها کار می‌شود را خیلی کم کنید.

سمیر آقابزرگی - اصفهان

- نظرتان در مورد مجله شاهد جوان چیست؟
نقد کردن کاری که برای شهداست از طرف بنده درست نیست. هر چند که من کاملاً راضی هستم. و چندین بار فرزندانم در مسابقات شرکت کرده‌اند و نامه فرستادیم.

- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟

تمام مطالب را دوست دارم.

- نظرتان برای پیشرفت مجله شاهد جوان چیست؟

برگزاری یک فراخوان برای جمع آوری مطالب در مورد شهدا و ایثارگران از طرف مخاطبین. و چاپ بهترین مطالب.

مهدی سبحانی - زرنند

- مجله شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟

بله. مدت طولانی است که مشترک شاهد جوان هستیم.

- ارزیابی شما از مجله شاهد جوان چیست؟

عالی.

- بهترین صفحات مجله از نگاه شما؟

گفتگو با خانواده شهدا همیشه خواندنی و پر از نکته‌ها بوده که من با شوق آنها را می‌خوانم.

زهره حامدی - فلاورجان

- چند سال از آشنایی شما با مجله شاهد جوان می‌گذرد؟

۳ سال.

- عملکرد شاهد جوان در زمینه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت؟

با توجه به این که یکی از دغدغه‌های حضرت آقا امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در زمینه‌های فرهنگی است. مجلات شاهد اعم از جوان و سایر خدا را شکر یکی از فعالان در عرصه فرهنگ ایثار و شهادت هستند. چون بنده با همه مجلات شاهد آشنا هستم بهترین کار برای پیشرفت این است که صفحات اضافه را حذف کرد و حرفه‌ای کار شوند. شهدا برای تمام رده‌های سنی حرفی برای گفتن دارند پس مطالبتان را به موضوعات غیر مرتبط اختصاص ندهید.

صبا خرم - اصفهان

- نحوه آشنایی شما با مجله شاهد چگونه بوده؟

نمایشگاه مطبوعات یک سال پیش بود که در غرفه مجلات شاهد با مجله شما آشنا شدم.

- چه ویژگی باعث شد که شما جز مشترکین این مجله قرار بگیرید؟

فقط و فقط شهدا.

- پیشنهاد خاصی برای پیشرفت مجله ندارید؟

چیزی به ذهنم نمی‌رسد ولی همین که در این حوزه تلاش می‌کنید به شما خدا قوت می‌گویم.

نامه‌های رسیده

کاوه رضایی، شیراز - ابوالفضل احمدزاده، کرج - فاطمه محقق، صالح‌آباد - مینار فیعی، یزد - رویا سلطانی، تهران - محمد سهرابی، سمنان - لیلی وارسته، شهرکرد - باقر علومی، اهواز - مهدی بیات، سوسنگرد - هادی کاظمی، ساری - بهراد غمضوار، تهران - آرشام یزدی، بابل - زینب خاتمی، کاشان - فاطمه سادات رضایی، خراسان رضوی - مریم آهی، سمیرم - عباس اولادی، شادگان - علی راشدی - آمل.



فروردین

« ای برادر: شما در عصری قرار گرفته‌اید که وظیفه سنگینی بر عهده دارید و بدانید ادامه‌دهندگان راه شهیدان، شما هستید. این شما هستید که راه ما را ادامه خواهید داد. ای برادر! تنها وصیت من به شما این است که اسلحه مرا بر زمین نگذارید و تا آخرین نفس با دشمنان اسلام و قرآن بجنگید. مبادا از یادتان برود که خونبهای این انقلاب، آزادی است.

شهید علی مصطفوی

مرداد

« خداوند متعال در قرآن فرموده که ما شما را به نقص در اموال و جان‌هایتان می‌آزماییم و بشارت داده است به آنهایی که صبر پیشه می‌کنند.

شهید محمد مرادی

شهریور

« بر شماست ای مؤمنان که در راه حق و حرف حق، از مکتب قرآن پیروی کنید و به حرف‌های باوه ضد انقلاب و منافقین گوش ندهید؛ چون مادیات دنیا، چشمان آنها را گرفته و حقیقت را نمی‌نگرند و می‌خواهند شما را فریب دهند. انشاءالله که چنین افرادی بین شما نیست.

شهید حبیب اله نصیری محمودآبادی

اردیبهشت

« و اما ای ملت شریف ایران، شما را به خدا قسم می‌دهم که خون پاک شهدا و آرمان آنها را زنده نگه دارید.

شهید شمسعلی رمضانی

خرداد

« ای عزیزان امت، اهداف و تکلیف خود را بشناسید و عمل کنید که هرگز در آن دنیا جوابی نخواهید داشت.

شهید اسماعیل حیدری بهفر

تیر

« ای مردم، خوشی‌های دنیوی زودگذر است. خود را به مال و ثروت آغشته نکنید. فکر قیامت هم باشید که در راه نیکوکاران، پاداش بهشتی است و ظالمین و کفار، به کیفر اعمال خود می‌رسند.

شهید علیرضا فراست

آبان

« لا بذكر الله تطمئن القلوب: با یاد خدا، دل‌ها آرامش می‌یابد.

شهید حسن ملایی کمشه‌جه

راستش در این شماره هم به تیت شما «متولدین هر ماه» تفاعلی زدیم به وصیت شهدا که امید در آیندهی وصیت شهدا برسیم به آنچه که از ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

آذر

اینجانب وصیت می‌کنم که همیشه هر قدمی که بر می‌دارید، برای الله باشد و به یاد خدا باشید در هر ثانیه و دقیقه. شهیدانی که با جان خود ایثار می‌کنند و خون می‌ریزند، باید ملت ما راه آنها را ادامه دهند.
شهید مهدی دهقانی معین آبادی

دی

هر نفسی، چشمنده مرگ است و جز این نیست. تمامی اجرهایتان داده می‌شود در روز قیامت. پس آنکه دور شود از آتش و در آورده شود به بهشت، به مراد خود رسیده و نیست زندگی دنیا مگر متاع فریب.
شهید عبدالله عموشاهی

بهمن

عزیزان، پیام من حقیر به شما این است که پیرو رهبر و پشتیبان ولایت فقیه و روحانیت باشید که سربلندی ما، از این والامقامان است و بفرموده رهبر عزیز امام خمینی(ره)، اسلام بدون روحانیت، مانند کشور بدون طبیب است.
شهید علی توکلی

اسفند

امیدوارم که نمازتان را در اول وقت بخوانید و به‌خصوص در نماز جماعت شرکت نمایید و به دعاها به‌خصوص دعای کمیل، اهمیت قائل شوید و در نمازهایتان، امام و رزمندگان اسلام را دعا کنید.
شهید محمود رضایی





I entered the school's yard and breathe out the smell of gunpowder. Indoors it seemed like Ashura's shambles. Our comrades were wallowing in their blood.

I picked up my gun came out. . Martyr JahaAra newly arrived. I told him: "did you see we lost all our comrades?" While he was severely affected, but was firm and resolute like a mountain and answered: " If we lost all of our comrades, but we have Imam Khomeini. God willing, he will be alive.

Brother Mohammad Noorani

ترجمه‌ی شماره قبل

جدا از مباحث نظری، شهید مطهری یک احیا کننده بود و اصول بیداری مذهبی او بیشتر در امور مربوط به جوانان مشهود بود.

بیشتر مخاطبان او دانشجویان جوان بودند. جوانان نصیحت‌پذیرند و آماده احیا؛ بنابراین نگاه شهید مطهری در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ بیشتر به سمت جوانان، متفکران و جامعه دانشگاهی متمایل بود. تفکرات شهید مطهری موقعیت جوانان را متحول می‌کرد و آنها را به فکر فرو می‌برد. هریک از کتاب‌های او پاسخی به نیازهای جوانان بود. برای مثال حقوق زنان در اسلام یا حجاب پاسخگوی نیازهای جوانان بود. از آنجایی که زنان سنتی آن دوران حجاب داشتند. رفع نیازهای جوانان مهم‌ترین دلیل نگارش این کتاب بود.



از شما خوانندگان عزیز مجله می‌خواهیم در صورت تمایل متن فوق را ترجمه کرده و به آدرس ما ارسال کنید . به بهترین ترجمه جایزه داده می‌شود.

برنده ترجمه‌ی شماره گذشته:
علی رستمی-اصفهان



کتاب خوان عنوان نشست هایی است که به منظور به اشتراک گذاری کتاب های خوانده شده و با هدف ترویج و تبلیغ مطالعه در قالب معرفی کتاب برگزار می گردد. این جلسه در فضایی صمیمی تلاش دارد تجربیات مطالعاتی افراد کتابخوان را برای سایر علاقمندان کتاب و کتابخوانی به اشتراک گذارد. این نشست ها در سطوح استان و شهرستان برگزار می گردد. افرادی که در این نشست ها به ارائه و معرفی کتاب های پربازند کلیه اقشار جامعه اعم از کتابداران، نویسندگان، فعالین رسانه حوزه کتاب، اعضای کتابخانه های عمومی و سایر علاقمندان خواهند بود.

برای کسب اطلاعات بیشتر به پورتال نهاد کتابخانه های عمومی کشور مراجعه فرمایید.

www.iranpl.ir



درنگی با خاطرات
شهید محمود امان الهی

سپهر



نشر شاهد منتشر کرد

